



خورشید بر فراز جنگل

پدیدآورده (ها) : کوهستانی نژاد، مسعود
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز 1380 - شماره 43
از 20 تا 69

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92330>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 15/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



خورشید، بر فراز جنگل

مسعود کوهستانی نژاد

مقاله «خورشید، بر فراز جنگل» اختصاصاً به بررسی مقطعی از تاریخ هیأت اتحاد اسلام دارد که از اول شعبان ۱۳۳۵ ق. آغاز و تا اول ذی‌قلعه ۱۳۳۶ ق. (اول جوزا، شرف ۱۲۹۶ تا ۱۵ اسد، شرف ۱۲۹۷) ادامه می‌یابد. در این دوره، هیأت اتحاد اسلام، با استفاده از عوامل مخفی، توانست ضمن تحکیم نفوذ خود در گیلان، در نقاط اطراف نیز، به بسط نفوذ بپردازد. فعالیتها، اقدامات و دستک‌دهیات مذکور در طول مقطع زمانی مورد بحث، به گونه‌ایست که می‌توان آن را دوره اوج فعالیت هیأت اتحاد اسلام در طول حیات خود قلمداد کرد. در این مقاله، تلاش شده است با استفاده از منابع گوناگون، ابعاد مختلف فعالیت هیأت در مقطع فوق، مورد بررسی قرار گیرد.

تشکیل هیأت اتحاد اسلام را، به عنوان یک گروه سیاسی، می‌باید محصول تحولات سیاسی دانست که در سال ۱۳۳۳ ق. (۱۲۹۴ ش.) و به دنبال گسرتن دسته‌های جنگ جهانی اول به ایران، در این کشور به وجود آمد. انحلال دوره سوم مجلس شورای ملی و مهاجرت عده زیادی از رجال ملی و مذهبی، به توحی عربی کشور و تشکیل دولت مهاجر ایران در کرمانشاه، نماندن هیأت از مبارزات و فعالیت‌های ایرانیان، بر ضد دولتهای روسیه و انگلستان، در آن زمان بود. علاوه بر آن و به همان انگیزه، جنبش‌های محلی دیگری نیز، در گورانبه و کنار کشور به وجود آمد که از جمله آنها می‌توان به قیام تنگستانها در جنوب اشاره کرد. در همین راستا، در گیلان نیز، عده‌ای از آزادی خواهان و مجاهدان صدر مشروطه گرد هم آمده، بتدریج سنگ بنای گروهی سیاسی را تحت عنوان «هیأت اتحاد اسلام» بنا گذاشتند. مبنای فعالیت این گروه، اندیشه سیاسی ای بود که در دهه‌های قبل از آن، در کشورهای مسلمان (از هندوستان تا مصر) مطرح شده و مورد بحث و بررسی گسترده قرار گرفته بود. اتحاد اسلام، اندیشه‌ای بود که مومنین و مسلمانان را، از هر فرقه و مذهب، بیگانگی و وحدت در مقابل آن چه که سبب تهاجم غرب به ممالک اسلامی خوانده می‌شد، دعوت می‌کرد. از اواخر قرن سیزدهم هجری (نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و تامل کمال، نمادی این اندیشه بوده و پس از آن نیز، شخصیت‌های زیادی بی‌رونی از آنها به نیین اندیشه اتحاد اسلام، پرداختند. بر این مبنای گروه‌هایی نیز، با عنوان اتحاد اسلام، تشکیل شد.

در سالهای ۱۳۳۳ ق. (۱۲۹۲ ش.)، در مقابله با اقدامات روسها و انگلیسها در ایران، اتحاد اسلام، اندیشه سیاسی رایج در ایران بود. در این زمینه رسالات متعددی در معرفی آن، به مردم و مبارزان سیاسی انتشار یافته و مبنای تشکیل جند گروه سیاسی شدند. همین ترتیب، اندیشه مذکور، دستمایه تشکیل گروهی در گیلان شد که بعدها، در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ ق. (۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰ ش.)، تنها تیور عینی شعارها و اصول این اندیشه را در ایران، نوشتند به معرض نمایش بگذازد. این گروه، هیأت اتحاد اسلام بود که در طول مدت فعالیت خود و خصوصاً در سالهای فوق، توانست بازیگر مهمی در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعلقه شمال و شمال غرب ایران باشد.

در خصوص نحوه سازماندهی و تشکیلات هیأت اتحاد اسلام، اطلاعات باقصری وجود دارد و اطلاعات مزبور، نمی‌تواند تصویر کاملی از سازماندهی گروهی ارائه کند که توانست ملی، چندین سال، در بحرانی ترین شرایط بحرانی به حیات خود ادامه دهد. اطلاعات مورد بحث نیز، عمدتاً در خلال خاطرات به جا مانده از اعضا یا نزدیکان تشکیلات مزبور، نقل می‌شود. در همین مورد، چه داده‌ها مرامنامه‌ای اشاره شود که به هیأت مزبور، منسوب است. (۱) با توجه به وجود بندهایی همچون: «ساوازی زن و مرد، در حقوق مدنی و اجتماعی» و «النفکاک و روحانیت»، از امور سیاسی و معاشی، در مرامنامه مذکور، شکی باقی نمی‌ماند که آن مرامنامه، نمی‌تواند به هیأت اتحاد اسلام، مرتبط باشد. احتمالاً، متن مذکور، متعلق به یکی از چندین گروه سوسیالیستی است که تحت عنوان «اجتماعیون»، در فاصله سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۸ ش. در ایران فعالیت داشتند.

در این خصوص، در یکی از شماره‌های جریده جنگل، ارگان هیأت اتحاد اسلام، در پاسخ به نامه‌ای مرام هیأت اتحاد اسلام، چنین معرفی شده است: «مرام هیأت اتحاد اسلام، حفظ استقلال اسلام و ایران و استغراق مشروطیت و تشکیل

مجلس شورای ملی و پاک کردن مسنکت، از لوث وجود خائنین است. ابتدا منسوب به هیچ حزب و فرقه محصوسی نخواهد بود. افراد صالح ایرانی را از هر حزبی باشد، مقدس دانسته، او را با آغوش باز پذیرفته، به اتفاق او، مسئول کار می شود. بدکار را از هر فرقه باشد بد دانسته و رد می نماید. (۲)

در خصوص نحوه سازماندهی و تسکیلات هیات اتحاد اسلام، و نظامنامه و آئین نامه داخلی، وجود دارد. (اسناد شماره ۱ و ۲) با توجه به محتوای آنها، اختصاراً، نخستین آن دو را منتهی است که با عنوان نظامنامه داخلی هیات اتحاد اسلام، نامیده شده است.

این نظامنامه، از یک مقدمه، شش بخش و سی ماده، تشکیل شده است. بر اساس ماده های اول و دوم، در هر هفته، یک مدیر، به اکثریت آراء از بین اعضای هیات ... منتخب می شود. بخش اول نظامنامه، به تعیین تکالیف مدیر، بخش دوم، به تعیین موقیفات متشی، بخش سوم، به تکالیف اعضای هیات، بخش چهارم، در باب «جنایات و مجازات اعضای هیات»، بخش پنجم، در ترتیب مذاکره مطالب، و بالاخره، بخش ششم، در خصوص تعیین شعبه تحققی عرایض است. در فاسد یا تشکیلات احزاب و گروه های سیاسی موجود در ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۴، ۱۳۳۴ ق.، نظامنامه داخلی مورد بحث، به مراتب در سطح پایین تر و به شکل ساده و بسیط تنظیم شده است. انتخاب مدیر و متشی، به طور موقت و آن هم به صورت هفتگی، عدم توجه به تدوین یک سیستم، در خصوص روابط داخلی اعضا با یکدیگر، ارزش نهادن به افراد، به جای محور قرار دادن روابط بین افراد، حاکی از این است که متن مزبور، نظامنامه ای برای گروهی در حال شکل گیری بوده که در آغاز کار، به سر می برده اند. بدین جهت، می توان نظامنامه مذکور را، به اوایل دوره شکل گیری هیات اتحاد اسلام، در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۳۴ ق. (۱۲۹۵، ۹۶ ش. منسب داشت.

آئین نامه داخلی دیگری که درباره تشکیلات جنگل وجود دارد (اسناد شماره ۲) با عنوان «حوالتمرتف بین القلوب، آغاز می شود. در ابتدای این آئین نامه، چنین می خوانیم: «نظر به تهاجم امورو پیشامدهای مهم و رفع سوء تفاهم، لازم گردید که امای هیات اتحاد اسلام، تجدیدنظری در عهود و موثیق سابقه خود نمایند و به طوری که در بدو تجمع و تشکیل هیات معاهداتی در بین خود نشان نموده بودند و شرایط و التزاماتی با هم متعهد شده بودند، به تاریخ ذیل، صمیمانه و بی ادراک، مجدداً حاضر شده اند که بر طبق قرارداد قدیم و معاهدات سابقه، با همدیگر در امورات نوعی و مراسم هیاتی، بر مسنواره اهدام نمایند و آنچه را جمیع به صلاح نوعی و مقاصد کلی و مرام ملی باشد، به نحو نیادل افکار، در تحت مقرر و آراء آورده چه از رد و بحث و جرح و تعدیل آن، به اتفاق آراء یا به اکثریت رای قطعی اتخاذ گردد.»

با توجه به مضمون فوق و نظر به اینکه در چند جای دیگر متن مذکور، به «موثیق قدیم» اشاره شده است، می توان این احتمال را مطرح کرد که آئین نامه مورد بحث، متن تجدیدنظر شده نظامنامه اولی هیات اتحاد اسلام بوده است. متأسفانه، متن موجود آئین نامه تجدیدنظر شده، ناقص می باشد و تنها شامل سه فصل اول، در تشکیل هیات، بخش دوم، در تکالیف هیات اتحاد اسلام، و سوم، در خصوص مذاکراتی که در هیات لازم است، می باشد.

در خصوص تشکیلات هیات، بر اساس ماده اول، مقرر می شود: «اعضای هیات ... در ضمن حدود طاق (از پیدای پنج) تشکیل خواهد یافت. تاکید بر عدد فردی همان طاق که در ماده دوم هم، به آن تصریح شده، تسهیل در رای گیری و نتیجه گیری از مذاکرات هیات است. زیرا، در صورت زوج بودن عده اعضا، ممکن است آرای مخالف و موافق، مساوی بوده و بدین ترتیب، نتیجه مذاکرات و رای گیری، مشخص نشود.

بر اساس ماده دوم، «اعضای هیات ... به حکم اتفاق آراء یا اکثریت، زیاد یا کم خواهد شد. ... به تعبیر دیگر اعضای امای هیات، نفقات داخلی خود را معین می کنند و سیستم خاصی، فارغ از نظرات امنا، برای ورود نفقات جدید، به هیات وجود ندارد. تکلیف نفقات جدید، بر اساس ماده پنجم در فصل سوم، مشخص می شود.

فصل دوم آئین نامه جدید که در مورد نحوه تکالیف اعضای هیات می باشد، در واقع، تکرار و خلاصه ای از نظامنامه داخلی هیات اتحاد اسلام است.

در فصل سوم، به موضوعاتی برخورد می کنیم که مبین گسترش حیطه قدرت هیات اتحاد اسلام است. در این فصل، از «تحصیل بودجه» (ماده ۲) نحوه اعزام اردو دفاع از دشمن و یا تصرف محلی و یا اعزام نماینده (ماده سوم) از همه مهمتر، نحوه عزل و نصب کلیه اجزاء صاحب منصبان و مامورین، سخن گفته می شود. تمامی موضوعات فوق، بیانگر وضعیت هیات اتحاد اسلام است. وضعیتی که در آن، مباحثی همچون اعزام اردو، مبلغ و ... مطرح می باشد. با توجه به روند حرکت هیات اتحاد اسلام، احتمالاً در گیتایی فوق، مر بوطه به وضعیت هیات، در سالهای ۱۳۳۶، ۳۵ ق. یا ۹۶ و ۱۲۹۷ ش. است. دوره ای که آن را، می باید اوج فعالیت سیاسی، فرهنگی و نظامی هیات مذکور نامید و بررسی آن، موضوع مقاله حاضر است.



به نظر می‌رسد، اطلاعات دیگر موجود، بتوانند ترسیمی هر چند ناقص، از تشکیلات هیأت اتحاد اسلام در دوره طلایی فعالیتش، ارائه کند. برای اساس، تشکیلات هیأت، علاوه بر اعضای امانا، از کمیته‌ها یا دوایری نیز، تشکیل می‌یافت که وظایف اجرایی را به عهده داشتند. کمیته‌ها و دوایر مزبور، عبارت بودند از: شورای کمیسیون جنگ، امور مالی، امور داخلی، تشکیلات قضایی، صحیح (۳)، و همچنین، امور معارفی و تشکیل مدارس (۴).

کمیته‌های دوایر مزبور، اجرای دستورات و خط مشی تعیین شده توسط هیأت امانا را به عهده داشت. (۵) علاوه بر آن، اعزام مبلغین و نمایندگان، به شهرهای اطراف (۶) و تأسیس شعبات، در شهرهای دیگر، از جمله فعالیتها در جهت بسط تشکیلات هیأت اتحاد اسلام، بود که در بخشهای بعدی مقاله، به آن پرداخته خواهد شد.

در مجموع، به نظر می‌رسد، در پایان دوره مورد بررسی این مقاله ۱۲۹۷.۹۶ ش.، تشکیلات جنگل و اتحاد اسلام، در سه رده، قابل شناسایی بوده‌اند. اول یا مرکزیت آن رده، اعضای امانا به عهده داشتند. این گروه اعضا، به مرور زمان، به دلیل شخصیت ویژه میرزا کوچک‌خان، بر تائید مدارای شخصیت وی گرایش یافتند و عملاً، رهبری میرزا کوچک‌خان، به نوعی در آن تجلی یافت. (۷)

رده دوم تشکیلات هیأت اتحاد اسلام، کمیته‌های اجرایی و شعبات آن، در دیگر شهرها بود که به مقتضای روند توسعه فعالیتها، به تعداد کمیته‌ها و شعبات مذکور، اضافه یا از تعداد آنها، کم می‌شد.

و بالاخره، رده بعدی فابن تشخیص، «اجرا و مساجد منصوبان و مامورین» بودند که مانگیره‌های متفاوت، به تشکیلات جنگل می‌پیوستند. نکته مهم، نحوه ارتباط این افراد، با رده‌های دیگر است که متأسفانه، به دلیل فقدان منابع کافی، نمی‌توان این ارتباط را، به خوبی شناخت و مورد بررسی قرار داد. بر اساس گزارشهای موجود، تعداد آنها، حتی در مقطعی، بالغ بر چندین هزار نفر می‌شد. تازجایی که اطلاعات پاری می‌کنند، این افراد، نظیر افراد دیگر ده‌ها، در قبال انجام وظایف محوله، حقوق دریافت کرده و ملزم به رعایت مقررات جنگل بودند.

شکل‌گیری و فعالیت اصلی تشکیلات هیأت اتحاد اسلام را، می‌باید در سالهای ۱۲۹۷.۹۶ قلمداد کرد. آن‌ها، همان گونه که در صفحات بعدی اشاره خواهد شد، بخشی عمده‌ای از تشکیلات مزبور، که مرتبط با مردم بود. در اواخر سال ۱۲۹۶، منحل شده و تنها بخشهای داخلی تشکیلات هیأت، به فعالیت خود ادامه داد.

از اوایل سال ۱۲۹۶، به دلیل وقوع انقلاب در روسیه، وضعیت سیاسی حاکم بر مناطق تحت نفوذ روسیه در ایران، دچار بحران شده و گروههای محلی، خاتنها و عشایر شمال کشور، آزادی بیشتری به دست آورده و بتدریج، فعالیت خود را گسترش دادند. در آغاز ماه جوزا، خبر داد ارسال ۱۲۹۶، که مقارن با روزهای پایانی کابینه اول و ثوق الدوله بود. گیلان در یک حالت بحرانی قرار داشت. در گزارش نسبتاً جامعی که مقارن با همان زمان، از وضعیت گیلان تهیه شده است (سند شماره ۳)، وضعیت ادارات دولتی و حکومتی گیلان و اوضاع عمومی آن خطه، مورد بررسی قرار گرفته است. گزارشگر بدون نام، شرح مفصلی از «مضالم رئیس نظمی استولیرگ» بیان می‌کند. (۸) بر این اساس، در آن زمان، نه تنها مردم از روسها می‌ترسیدند، بلکه نه سرتاب از مامورین نظمی و حکومتی و خاصه از آنها می‌که خود را مفتش نامینات معرفی می‌نمودند، احتیاط می‌کردند، زیرا بسا بدبختانی از حیث جلب منافع شخصی و برای خوشایند وجه به حکم حاکم و چه از آدم‌نزاری بعضی مامورین مفسد نامینات نظمی، به عنوان جنگلی و مقصد بلتیک گرفنار و حبس و زجر شده و روزها در حبس و ماهها در توقیف می‌گذریدند. اهالی یک، ولایت مطیع و بی‌صدا، سکنه یک شهر، آرام و دوستخواه، نزدیک بود از شدت فشار خودی و بیگانه، متواری شوند. (۹)

پس از وقوع انقلاب در روسیه، وضعیت تغییر کرد و متعاقب آن، استولیرگ از کار برکنار شده و عبدال... خان بهرامی به ریاست نظمی گیلان منصوب شد. (۹) (همان سند) دیگر ادارات حکومتی گیلان (مالیه و کارگزاری، نیز، وضعیت سیاسی ندانسته و اوضاع ناپسامتی که ره آورد عدم کفایت حکمران وقت گیلان، مفاخر الدوله بود) (۱۰)، بر «داره حکومتی» آن خطه، حکمفرما بود. (همان سند)

چند روز پس از ارسال گزارش فوق، در تهران، کابینه اول و ثوق الدوله سقوط کرده و علاء السلطنه در ۸ جوزا، خبر داد ۱۲۹۶/۸۷ شعبان ۱۳۳۵ ق.، کابینه خود را معرفی و شروع به کار کرد. برخلاف شخص علاء السلطنه که گفته می‌شود فردی ضعیف و بیمار بود این کابینه، به دلیل حضور رجال نامدار و وطن پرستی همچون مشیر الدوله و موتمن الملک در آن، یکی از قوی‌ترین دولت‌های عصر مشروطه به شمار می‌رود. خصوصاً اینکه ضعف علاء السلطنه، ما حضور مشاوره چون مستوفی‌الملک، چندان به نظر نمی‌آمد. این کابینه، مواجه با یکی از سهمگین‌ترین مواقع بحرانی ایران در عصر مشروطه، بود. از سویی ندادم جنگ جهانی اول و سرایت آن به مناطق غربی ایران و از سویی دیگر، وقوع انقلاب در روسیه و بازگشت سیاهیان روسی مستقر در ایران به وطن خویش، هرج و مرج شدیدی را در کشور حاکم گردانیده بود. حضور

نیروهای نظامی و سیاسی انگلیسی، عثمانی و آلمانی را نیز می‌باید به مجموع فوق، اضافه کرد. در کنار مسائل سیاسی، بحران عمیق اقتصادی نیز، موید بر علت شد. خزانه خالی دولت و بروز قحطی و خشکسالی مهیب در ایران، توان هرگونه اقدام اقتصادی را از دولت گرفته و چشم‌انداز سیاسی را در آینه ایران، نمایان ساخته بود. دو چنین اوضاعی، وزرای کابینه علاء‌السلطنه، تلاش بسیاری برای بهبود وضعیت کشور مبذول داشتند. علیرغم این تلاشها، براساس گزارش موجود (سند شماره ۴)، تغییر محسوسی در اوضاع گیلان به وجود نیامد.

در چنین وضعیتی، هیات اتحاد اسلام، بتدریج فعالیت خود را گسترش داد. پس از پیروزی در جنگ لسته (شماره ۱۱) در اواخر شعبان ۱۲۹۶ خرداد و پیروزی بر امیدمقتدر و متحدان شاهسون او، و متعاقباً عقد اتحاد بین غالبین و مغلوبین، (۱۲) هیات، به عنوان قدرت مهمی در عرصه گیلان مطرح شد. بر کناری مفاخرالدوله و عدم انصباب حکمران جدید برای گیلان از سوی دولت، ره‌آوردی جز و خامت اوضاع در گیلان نداشت. چنین وضعیتی، هیات اتحاد اسلام را، وادار به ارسال ننگرانی به دولت کرد. (سند شماره ۵) در این ننگرانی، هیات، پس از اظهار اطاعت به اوامر دولت و تاکید بر عدم دخالت و تصرف در اموری که خارج از وظیفه یک ملت مطیع است، درخواست اعزام یک نفر حاکم صحیح‌العمل خوشتر سابقه طرف اعتماد ملت و توجه دولت در ارتقاء این امر، حکومت گیلان و طوائش، متزلزل و اهالی بلا تکلیف نمایند. به نظر می‌رسد، و سخام اوضاع در گیلان، به حدی بود که علیرغم مفاد ننگرانی فوق، هیات اتحاد اسلام، ناچار به مداخله در باره‌ای از امور حکومتی شد. در ۱۷ اسفند / مرداد ۱۲۹۶، شیخ علی نقی، رئیس عدلیه گیلان، به دستور هیات، به حرم رضویه خوزی دستگیر و به کسب منتقل شد. (سند شماره ۶)

بدین ترتیب، تلاش هیات اتحاد اسلام، برای انتظام امور گیلان در مناطق اطراف آن، آغاز شد. براساس گزارشی در اوایل سنه ۱۲۹۶، آقا میرزا کوچک خان، بعد از معاهده رشید المعانک سالار خاقان به طالبش دو لایب آمده، اهالی از ورود ایشان اظهار خوشوقتی نمودند. صلحیه بر تقاضای اهالی، در طائش دو لایب معین کردند [که] بر حسب قانون جاریه مملکتی، به عرض رسیدگی نمایند. پس از سه شب توقف در خانه امیر مقدر، به اسالم آمده، اداره صلحیه هم، در اسالم معین نمودند. اهالی حلخخال هم، دعوت به صلحخال نموده‌اند. میرزا کوچک خان، مخالفت با دولت و قانون جاریه مسنکتی ندارد و بلکه متعهد شد به جریان قانون و پیشرفت اوامر دولت متوجه می‌باشند. (سند شماره ۷)

تداوم اقدامات مزبور از سوی هیات اتحاد اسلام، انعکاس نامطلوبی در تهران داشت. «به ما خبر می‌دهند که بعضی اشخاص مجهول‌القبوه، جنگلیها را متمدن خوانده، عدم اطاعت هیات اتحاد اسلام را به شاهنشاه حریت پرور تاجدار و دولت ایران، به مردم القا می‌کنند. بلکه دامنه این نهمت را وسعت داده و می‌گویند که قاندهین این جمعیت فداکار حافظ وطن، در خیال استقلالند.» (۱۳)

در پاسخ، هیات اتحاد اسلام، در مقاله مفصلی، تحت عنوان «تخمین حیرت‌انگیز» که در حریزه جنگلی چاپ شد (۱۵)، شایعات مذکور را، به شدت تکذیب کرد. ولی چند روز پس از چاپ و انتشار مقاله فوق، حادثه اختلاف بین هیات و معاون حکومت گیلان (مخاطب السلطان) پیش آمد. مخاطب السلطان، برادرزاده مفاخرالدوله بود و نظرات و اقداماتی برخلاف جنگلیها داشت. در اواسط میزان (مهر ۱۲۹۶)، اختلافات، اوج گرفت. به نحوی که در تهران، خبر استخراج مخاطب السلطان، از رشت شایعه شد. ولی بلافاصله، او، همراه با چند تن دیگر از مقامات محلی، با ارسال ننگرانی به تهران، ضمن تکذیب خروج از رشت، موفقیت خود را در «استقرار انتظام اعلام کرد» (سند شماره ۹) علیرغم مفاد ننگرانی مذکور، طی هفته‌های بعد، دامنه اختلاف بین دو طرف شدت بیشتری یافت؛ تا اینکه بالاخره در ۲۴ عقرب (آبان ۱۲۹۶) صلح محرم ۱۳۳۶ سبب بروز بحران شدیدی در رشت شد. روایت هیات اتحاد اسلام از این واقعه، چنین است: «مخاطب السلطان، برادرزاده مفاخرالدوله که درس و وطنخواهی و ناموس اخلاقی را، از عم بزرگوار خود تحصیل کرده، بعلاوه، وفائیهایی که در حکومت عم و معاونت خود نموده و مدتی هم پس از عزل، با پررویی و سماجتی که مخصوص فامیل محترم ایشان است، دارالحکومه رشت را به لووت و وجودش، ملوث می‌دانست. این اوقات، خواست خیابانهای بی سابقه خود را تکمیل و به متابعت عم گرامی خود... روز جمعه صلح محرم، بی آن که از هیچ سمتی تعرضی یا تهدیدی مشاهده نماید، دو نفر صاحب منصب و بیست و پنج نفر سالدات روس را به اسم محافظت خود، به عمارت حکومتی آورد و منزل داد... به فوریت... باغونسلگری و ریاست قشون دولت دموکراسی روسیه، داخل مذاکره گردیده و... بلافاصله صاحب منصب و سالداتهارا، از عمارت حکومتی، امر به اخراج نمودند... مخاطب السلطان بی وجدان، که موفق به این نیت خائنانه خود نشد، ناچار، حرکت را به توقف ترجیح داده و اعزام تهران گردید...» (۱۶)

بر اساس روایت دیگری از این واقعه (سند شماره ۱۰) «امور رشت، در تحت نظر مخاطب السلطان و کار گزار و پیشکار مانده و چند نفر از حزب دموکرات، اداره می‌شده، در بعضی از مسایل فیما بین، اختلاف حاصل شده و دو دستگی می‌شود.



مخاض السلطان و چند نفر دیگر، مخالف و بقیه طرفدار جنگیها می‌شوند. دسته دوم، به جنگل مراجعه و شکایت می‌کنند. از جنگل، اختصار به به مخاطب السلطان می‌رسد که در ظرف بیست و چهار ساعت، از رشت خارج شود.^{۲۵}

همان‌مان با بحران فوق، در تهران کابینه علاء السلطنه، سقوط کرده و در ۲۸ عقرب اسوم صفر، کابینه عین‌الدوله، بر روی کار آمد. از دیدگاه هیات اتحاد اسلام، کابینه علاء السلطنه، کابینه ناقصی محسوب می‌شد که موجودش به از عدم صرف است. (۱۷) ولی روی کار آمدن کابینه عین‌الدوله، با عکس العمل تند و متفی هیات اتحاد اسلام مواجه شد. (۱۸)

کابینه عین‌الدوله، زمانی روی کار آمد که کشور، در اوج بحران سیاسی و اجتماعی خود به سر می‌برد. فلایان شد که به دنبال وقوع انقلاب در روسیه، هرج و مرج شدیدی در آن کشور به وجود آمده و به مرور زمان، این هرج و مرج، به ایران سرایت کرد. نیروهای روسی مستقر در ایران، که در حال جنگ با عثمانیها، در مناطق غربی و مرکزی ایران، متمرکز شده بودند. جنگ رازها کرده و گروه گروه، به سمت روسیه باز می‌گشتند. (۱۹) آنها، به قصد انزلی، به طرف گیلان به راه افتاده و پس از عبور از رشت، ماگتشی به روسیه می‌رفتند. این عده از نظامیان روسی، تابع هیچ مقرراتی نبوده و با از بین رفتن دستبند نظامی، تبدیل به گروههای مسلح خضر تاکی شده بودند که در اغلب مواقع، در شهرها و مناطق مسر عبور، مرتکب جنایات و دزدیهای متعددی شدند. سرتاسر سانهای ۹۶، ۱۲۹۸، آکنده از گزارشهای موجود از تعدیات گسترده سباهیان روس، در ساطق مرکزی و غربی و شمالی ایران است. حضور آنها در گیلان، تاثیر زیادی بر اوضاع داشته و سبب ناامنی شدیدی در آن خطه شد. در چنین اوضاع و احوالی، پس از اخراج مخاطبان سلطان از گیلان، دولت، جانسپینی برای او و حکمرانی برای گیلان، تعیین نکرد و به همین دلیل، اداره حکومتی گیلان، به عهده معتمد السلطنه کار گزار، واگذار شد. (سند شماره ۱۱) ولی او، فاقد ابزار لازم برای انتظام و امنیت منطقه و شهر رشت بود. در چنین اوضاعی، عدم پرداخت حقوق اعضای نظمی، عروج آنها را از خدمت، در پی داشت (سند شماره ۱۸) و این، به معنای اختلاف کامل نظم و امنیت شهر، تلقی می‌شد.

در چنین اوضاعی بود که هیات اتحاد اسلام، برای آماده امنیت و نظم در رشت، امیر عشایر خلخال را، با تعدادی از سواره‌های شاهسون او، به رشت فرستاد. از اواخر قوس (اثر ۱۲۹۶، شنبه ورود امیر عشایر به رشت، فوت گرفت. (سند شماره ۱۱) در روزهای پایانی قوس، امیر عشایر و سایر خواتین شاهسون، وارد کسما شده. (۲۰) و الاخره با شروع جدی پدی مئه امیر عشایر، وارد رشت شد. (سند شماره ۱۲) بر اساس گزارشی در این خصوص، «امیر عشایر - که با طائشهای مسلح در معیت خود، به رشت می‌آمد - میرزا کوچک خان، تا نصف طریق، او را امتیابعت نمود. اهالی رشت هم، پیاده و سواره و با موتوریک و از دستام غربی، به استقبال حاضر شدند. میرزا کوچک خان، تظقی خطاب به اهالی نمود و اظهار امیدواری کرد که در هر موقع اهالی امور را راجع به سعادت و رفاهت ملت با حکومت همراهی خواهند نمود». (سند شماره ۱۴) گزارشهایی از عملکرد میرزا عشایر در گیلان، وجود دارد که در چنین فبیمه (سند شماره ۱۵ تا ۲۴)، ارائه شده است. همان گونه که انتظار می‌رفت، جهت اصلی فعالیت هیات اتحاد اسلام و نماینده آن، سردار عشایر، برقراری نظم و امنیت در آن خطه بود. بدین لحاظ، رسیدگی به وضعیت نظمی و سامان دادن فعالیتهای آن، مورد توجه قرار گرفت. استعمای شولبرگ، رئیس تقسیمه رشت، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق از سوی دولت (سند شماره ۲۲) اوضاع را تا اندازه زیادی تری دشوار کرد. متعاقباً، اجزای تقسیمه رشت، تصمیم گرفته که تابع اوامر زمامداران فعلی بوده و از طرف امیر عشایر و هیات، حقوق خفت افتاده آنها، حواله شده و فرار نده‌اند. بعد هم، مرتباً، بودجه تقسیمه آنها را برسانند و یکسند نفر سوار هم، برای تقسیمه، از طرف امیر عشایر، معین شده است. (سند شماره ۲۰)

اقداماتی که توسط تقسیمه و سواره‌های شاهسون امیر عشایر، انجام شد، برقراری امنیت رایبه دنبال داشت. امینی که در مقایسه با وضعیت دیگر سبها و مناطق ایران (خصوصاً مناطق شمال غرب و غرب)، بی‌تغیر بوده و موفقیت بزرگی برای اتحاد اسلام به شمار می‌رفت و علاوه بر تقسیمه، وزارت، دیگر حکومتی نیز، در کنترل هیات مزبور قرار گرفت. از جمله این ادارات بخش قضایی و عدلیه بود. فلایان، دستگیری رئیس عدلیه گیلان توسط هیات اتحاد اسلام و نیز، ایجاد صلحبه توسط آنان در نطالی از گیلان، سخن گفته شد. اقدام اصلی هیات اتحاد اسلام، ایجاد محاکم تحقیقاتی در تمام قطعات گیلان و تنکابن و استار او خلخال و طرمان، بود. (سند شماره ۲۵) دوایر مذکور، به رفع و رجوع دعای قضایی مردم، بیکدیگر می‌پرداختند. (۲۱) همچنین، روسای عدلیه نیز، در ارتباط تنگ‌ننگ با هیات اتحاد اسلام بودند. (۲۲) (سند شماره ۲۵) دوایر دیگر دولتی نیز، تحت نظر نمایندگان هیات اتحاد اسلام، به کار خود ادامه می‌داد. (سند شماره ۱۷ و ۲۳ و ۲۴)

در خصوص مشی اقتصادی هیات اتحاد اسلام در فاصله زمانی مورد بحث این مقاله، مناسب است جهت درک هر چه بهتر اقدامات مزبور، بررسی مختصری در مورد وضعیت اقتصادی کشور در سال ۱۲۹۶، داشته باشیم.

در سال ۱۲۹۶، ایران، در عمیق‌ترین بحران اقتصادی خود، در طول تاریخ معاصر به سر می‌برد. در آن سال، به دلیل وقوع

جنگ جهانی اول و درگیری تمام عیار دولتهای انگلیس و روس در آن جنگ، از سوی، دادن قرضه و اعتبار مالی به ایران از طرف دولتهای مذکور، دچار وقفه شده و از سوی دیگر، به دلیل کشیده شدن دامنه جنگ به ایران، صادرات اقتصادی شدیدی به ساقی درآمد داخلی دولت ایران وارد آمد. این عوامل و عوامل دیگری همچون عدم وصول مالیاتها، عدم وحدت رویه اقتصادی دولت و تغییر بی درمی هبات و وزراء دست به دست هم داده، ایران را در آستانه ورشکستگی کاس مالی قرار داده بودند، آنچه باعث عمیق تر شدن بحران می شد، فحطی و خشکسالی عظمی بود که از سال ۱۲۹۵، در کشور پهن آمد و آثار آن، در سال بعد نمودار گشت. بروز فحطی در نقاط مختلف کشور و خصوصاً در نیمی دوم سال ۱۲۹۶، باز گرانی از مشکلات، بر دوش دولت نهاد. یکی از عوامل فحطی مذکور خشکسالی بود. ولی علل دیگر آن، در توزیع نامناسب غله، فعالیت محتکرین و بیزه حضور نیروهای خارجی در کشور بود که مجموعه، عوارض و حسی به دنبال داشت. غله زیادی از مردم، بر اثر فحطی، جان خود را از دست دادند. شورشهای مجدودی، در گوشه و کنار کشور روی داد. این شورشهای کور، بیامدی جز شد بدتر شدن بحران اقتصادی، سیاسی ایران را به همراه نداشت. در نهای ایران نیز، غیرم تلاش خود، به دلیل فقدان کارایی لازم، نتوانستند از بیس بحران برآید و تنها روز زمان رسیدن بهیر و تبستان سال ۱۲۹۷ و برداشت محصول غله جدید بود که افزایش جان باختگان فحطی را مهار کرد.

بازگردیم به موضوع بحث و اقدامات هیات اتحاد اسلام، در مورد مسائل اقتصادی، در فاصله زمانی جوزا/خرداد ۱۲۹۶ تا اسفند/مرداد ۱۲۹۷.

در آغاز این دوره، یعنی عمدتاً در زمان دولت علاءالسلطنه (خرداد تا اسفند ۱۲۹۶)، موضوع اصلی در مرتبط با هیات اتحاد اسلام، موضوع اصلی نحوه گردآوری مالیات از مناطق تحت نفوذ هیات بود. این عمل، جز با هماهنگی و اجازه هیات امکان پذیر نبود. بدین لحاظ، مامورین اداره مالیات گیلان، برای عمل ممیزی خود، مکاتباتی با هیات و شخص میرزا کوچک خان انجام دادند. در دهم جوزا/خرداد ۱۲۹۶/۱۰ شعبان ۱۳۳۵ ق.، مفتش مالیه گیلان، طی نامه‌ای به عنوان میرزا کوچک خان، ضمن معرفی خود، برای اودمول یک، قسمت از مالیات پاره‌ای بلوگات، از قبیل قومز و گنگر و ماسوله و شفت، خواهان مساعدت مجاهدین میسین جنگل است. (سند شماره ۲۶) در پاسخ هیات اتحاد اسلام، ضمن تاکید بر مقدس شمردن منافع اعلای ملوکانه و امتثال اوامر شاهانه، موافقت خود را با اقدام اداره مالیه اعلام کرد. (سند شماره ۲۷)

به نظر می رسد، پاسخ مذکور، نتیجه‌ای به همراه نداشت. علل و عوامل عدم نتیجه‌گیری مناسب از این اقدامات، در مکالمه حضوری تلگرافی رئیس مالیه گیلان، با دکتر مصدق، معاون وقت وزیر مالیه، بیان شده است. (سند شماره ۲۸) در تلگراف مفصلی که متعاقباً از سوی رئیس مالیه گیلان، به عنوان دکتر مصدق به تهران ارسال شد-مفتش مذکور، پس از اشاره به لزوم اعزام حکمران به گیلان، علل مختلفی، در مورد عدم نتیجه‌گیری از اقدامات خود بیان داشت. کارسکی مفتش مالیه فنی (یعنی همایون) واقوام و بستگان او، عدم پرداخت مالیات از سوی برخی مودیان، به نفع اینک، ممالک آنان در کسما واقع و عایدات املاک، به آنها نمی رسد؛ و نیز آشوبهای سیاسی، از جمله عطل بانکهای او در اقداماتش، بیان شده است. مفتش مالیه گیلان، در بخشی از گزارش تلگرافی خود، می گوید: «... آشوب طبایع که بزرگ آسته می خواهند به نام احزاب با کسبه های غیابی و یا به نام مجاهدین جنگی، مردم رایه و سینه مکاتب پست شهری و یا مدریحاً به وینه بیفامات، تهدید کرده و تقاضای پول، به عنوان اعلانه و غیرها می نمایند. در صورتی که احزاب واقعی و مجاهدین جنگل، از سن حرکات برپا بوده و همه روز، تقاضای جبرگیری دارند و چون ادارات دولتی، گم‌هو حنه و سکه اصلیه و وظایف خود بروز نکرده و از مقصود بی تقصیر، عموماً تهدید می شوند، قدرتی در آنان باقی نمانده و غالباً از خوف، از خانه بیرون نمی آیند و از طرف اولیای دولتی هم، در انجام مستدعیات آنها، مساعدت فوری نمی شود.» (۳۳)

مکالمه تلگرافی -حضوری فوق، پیامدی جز پیگیری موضوع حل مشکل از طریق هیات اتحاد اسلام نداشت. سه روز بعد از مکالمه فوق، بار دیگر، مفتش مالیه، طی مراسله‌ای با عنوان «هیات محترم اتحاد اسلام»، خواهان ملاقات با هیات جهت وصول و ایصال مالیات شد. (سند شماره ۲۹) جواب مثبت هیات، به فاصله دو روز بعد از آن ابلاغ شد. (سند شماره ۳۰) اعلام صریح موافقت هیات اتحاد اسلام، اداره مالیه گیلان را به فعالیت جهت وصول مالیات انداخت. یک هفته پس از دریافت پاسخ فوق، اداره مذکوره اعلانی برای استخدام نیرو، جهت انجام ممیزی مالیاتی منتشر ساخت. (سند شماره ۳۱) ولی باز هم، نتیجه‌ای از این اقدام، گرفته نشد و مشکل، کماکان، به قوت خود باقی ماند. علت اصلی تعویق اخذ مالیات از مناطق تحت نفوذ هیات اتحاد اسلام را، می توان در گزارش اوزسمندی که از سوی مدیر مالیه طولش تهیه شده، جستجو کرد. در این گزارش، که توسط «میرزا علی اصغر خان، مدیر مالیه طولش»، در دهم سنبله/شهریور ۱۲۹۶، خطاب به اداره مالیه گیلان نوشته شد، آمده است: «در آن ایام، خبر ورود آفیسر زا کوچک خان، سردار سلی، به گرگان و منتشر شد.



این بنده، به ملاقاتشان متصرف شدم. در موضوع مالیات، مذاکرات بسیار شد. حضوراً اظهار داشتند: نازمانی که اولیای محترم امور، یا مرام هیأت اتحاد اسلامی، موافقت فرمایند و جناب هریض و تنگ اوقات عدیده‌ای که از طرف هیأت، به تهران مختاره شده، رسید، عمل مالیات صفحه طولانی، فلج و به حالت معلقه باقی خواهد ماند و هیأت هم، در عمل مالیات، به هیچ وجه مذاخنه نموده و دیناری در هیچ موقع، مایه نخواهند داشت و صریحاً فرمودند که پس از وصول جناب تلگرافات، همه قسم از طرف هیأت، در وصول مالیات مساعدت شده و بدون صرف قوه و مخارج فوق العاده، تمام مالیات خمس طوالتش، وصول و به خزانه دولت عنید خواهد شد. در خاتمه مذاکرات، اظهار داشتند که مأمورین مایه راه، به رشت مراجعت بدهم و وعده کردند که رئیس تحفیفات گرانوود، قرار پرداخت حقوق گذشته و مخارج اناری را داده و تکلیف چاک را معصوم خواهند نمود. (سند شماره ۳۲)

بدین ترتیب، حل این مشکل اقتصادی، به دست سیاست و سیاستمداران افتاد؛ تا اینکه بالاخره پس از استقرار کابینه مستوفی الممالک در ۷ جدی همان سال، مذاکرات به شکل جدی‌تری ادامه یافته و منجر به استقرار شعبه مایه در صومعه سرا و شروع به اخذ مالیات از مناطقی تحت نفوذ هیأت اتحاد اسلام، توسط شعبه مزبور شد. (سند شماره ۳۳) گزارش نسبتاً کاملی از جنگ‌های اخذ مالیات، طی ماههای بعد، در ذیل سند شماره ۳۴ وجود دارد.

با شروع پانزدهم سال ۱۲۹۶، اقدامات هیأت اتحاد اسلام، در مورد مسائل اقتصادی، وارد مرحله جدی‌تری شد. (۳۴) در آن زمان، کمبود ارزاق عمومی، شدیداً مردم را تحت فشار قرار داده بود. اقدامات حکام شهرهای مختلف، برای مقابله با عوارض محضی، تماماً با شکست مواجه شده و همه روزه، گراشهایی از مرگ و میر مردم، در جراید چاپ می شد. ولی در گیلان، اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. زیرا، حاصلخیزی زمین و محصول برنج (با کمی نقصان)، کفاف نیاز مردم را می داد. ولی چند عامل، سبب بروز مشکلاتی در این زمینه شد. علت اول، فعالیت مختکران بود که نظر دیگر نقاط کنو، در گیلان هم، به محض مشاهده کمبود و تحطی در دیگر نقاط کشور، اقدام به انبار محصول غله و خصوصاً برنج کردند. پیامد این اقدام، ایجاد محضی مصنوعی و مآلاً، افزایش شدید قیمت غله و برنج، در گیلان بود.

علت دیگر صدور برنج گیلان، به روسیه بود. از قدیم الایام، برنج یکی از اقلام صادراتی گیلان به روسیه، به شمار می آمد. در سال ۱۲۹۶، به دنبال بروز جنگهای داخلی در روسیه، تقاضای برنج گیلان در آن کشور، شدید شد. در همین راستا، صدور برنج به روسیه، افزایش یافت و مقابلاً، برنج کمتری در بازار داخلی عرضه شد.

علاوه بر این، مدخل در این امر، باید قامت افواج روسیه، در گیلان دانست. آنها، در مسیر بازگشت به روسیه، مدتی در آن خطه اقامت کرده و مآلاً، از محل ارزاق موجود در گیلان، از تراق می کردند. عامل بسیار مهم دیگر، مهاجرت فقرا و گرسنگان، از نواحی اطراف زنجان، قزوین، کردستان و حتی آذربایجان، به گیلان برای یافتن شمه نانی، جهت مدح بود. این سبیل گرسنگان، گیلان را محل ایله‌آنی برای فرار از مرگ، تلقی می کردند. (سند شماره ۳۵)

عوامل فوق، دست به دست هم داده و با شروع پانزدهم سال ۱۲۹۶، اوضاع بحرانی و وخیمی در گیلان به وجود آورد. بندر برنج، بر ابعاد بحران اقتصادی و محضی، افزوده شد. بنابه گزارش، «وضع رشت، به واسطه نبودن حکومت، رضایت بخش نیست. ارزاق، فرو العاده گران‌ان، یک من شاه، یک تومان، برنج صدق، که هر بار، عبارت از بیست من شاه می باشد. بیست رده تومان و جنبوا و برنج خوراکی، سیزده الی چهارده تومان، فقرای زیادی، از اطراف خمسه و خلخال، به رشت آمده و بایک حالت فلاکتی، در گوشه تنگه‌ها بیست می نمایند.» (سند شماره ۳۶) آنکه، تقریباً هر زمان با روی کار آمدن کابینه عین الدونه در تهران، اقدامات هیأت اتحاد اسلام، درباره حل بحران ارزاق در گیلان، آغاز شد. بنابه گزارشی در اوایل صفر (آغاز قوس) ۱۲۹۶، به حکم اتحاد اسلام، «کلیه املاک، متعلق به هر کسی بوده باشد، توقف و محصول آن راه ضبط نمودند.» (سند شماره ۳۷) علاوه بر آن، بر حسب تقوی و تصمیم هیأت مقدس اتحاد اسلام، قرار داد در میان اعیان نسیم نموده شد که در مدت پنج ماه، متکلف مخارج آنها، از شام و نهار و لباس و غیره باشند. آنها هم، هر یک به میل خودشان، عذای راقبول و به دهاتهای خودشان روانه نموده‌اند. (سند شماره ۳۸)

ضبط محصول برنج املاک و قصبات و قرار (سند شماره ۴۰) و دریافت مالیات از محصول برنج (سند شماره ۴۱) از اقدامات اساسی هیأت اتحاد اسلام بود. علاوه بر آن، سازماندهی کمکرسانی به فقرا و گرسنگان نیز، تا کمال جدیت دنبال می شد. (۳۵) علاوه بر گیلان، در واسط حوت (سند شماره ۱۲۹۶)، هیأت اتحاد اسلام، اقدام به ارسال دو بیست خروار برنج به صور مجانی، برای مصرف اهالی تهران کرد. (سند شماره ۳۲ و ۳۳)

این اقدامات، نتیجه بخش بوده و در شرایطی که در تمامی نقاط کشور، روزانه تعداد زیادی، از گرسنگی می مردند، در رشت، «از توجه عده‌ای خیر خواهان و نوح پرسان و کمک و مساعدت اهالی و کسبه و هیأت اتحاد اسلام، فقرای مهاجر کردستان، گروس، خمسه و سایر نقاطی که به شهر وارد می شوند، وسایل آسایش و رفاهیت آنها، از هر جنبه فراهم و

بخوبی زندگی و معیشتشان فرهم شده است. الحق، این عمده خدمت بزرگی به عالم انسانیت نموده و جان یک مشت بدبخت گرمسره و غارت شده را که زن و مرد و بچه، قریب به هفت هزار نفر می‌شوند - خریدند، از سرما و گرسنگی، محفوظ داشته اند. (سند شماره ۱۳۳) و مدتی بعد، بنا به گزارشی در اواخر نور ۱۲۹۷، دو پن عراق در رشت، قریب به دو هزار و پانصد نفر از فقر راه نگهداری کرده و همه روز، نقری، یک چارک برنج، از طرف هیات اتحاد اسلام داده می‌شود و نهایت نوحه را می‌نمایند. (سند شماره ۴۵)

به هر روی، تلاش موفقیت آمیز هیات اتحاد اسلام، در مقابله با بحران معیشتی و قحطی سال ۱۲۹۶ در گیلان، از جمله نقاط مثبت فعالیت این گروه، در دوره مورد بحث مقاله حاضر است.

یکی دیگر از اقدامات هیات اسلام، در طی دوره زمانی مورد نظر، گسترش حیطه نفوذ هیات به شهرها و مناطق اطراف بود. در یک حالت کلی، در اوج فعالیت هیات اتحاد اسلام (پائیز و زمستان سال ۱۲۹۶)، شعاع فعالیت آن، در شرق تا سراسر آباد، در غرب تا زنجان، در شمال تا آستارا و اردبیل، در جنوب تا طارم سفلی گسترش یافته بود. گزارشهای متعددی، از اقدامات هیات اتحاد اسلام، در این زمینه وجود دارد که به عنوان نمونه، برخی از آنان در مجموعه حاضر ارائه شده است. در گزارشی از لشکر و در اواخر قوس ۱۲۹۶، آمده است: «تجمع الدوله - که از طرف جنگل، مأمور حکومت لشکر و است - مشغول رقی و فتح امور، و بر حسب اشاره جنگلها، در روز است که مجلس تحصیاتی، به عضویت در غراز مأمورین جنگل و یک نفر از علمای لشکر و در تازه حکومتی تشکیل و به امور عارفین رسیدگی می‌نمایند.» (سند شماره ۱۲۶)

پس از شکست امیر بقدر و منحدان شاهسون از اواز جنگلها، و متعاقباً عهد اتحاد بین خوانین شاهسون خلیجالی با هیات اتحاد اسلام، زمینه برای فعالیت هیات، در خلخال فراهم شده و مدت کوتاهی بعد، این ناحیه، به یکی از کانونهای فعال هیات مذکور، تبدیل شد. طبق روای معمول، ایجاد هیات جملجیه، یکی از اولین اقدامات هیات در خلخال بود. میرزا کوچک خان، طی سخنرانی، که در آن منقلبه لاحقاً در اواخر ذی قعدة ۱۳۳۵ ق.، او شتر اسد بر داد (۱۲۹۶) کرد - به این موضوع اشاره کرد و شرح مبسوطی در مورد آن، داد. (سند شماره ۴۷) او در سخنرانی دیگری - که در ۱۵ ذی حجه همان سال (۱۹ میزان بهمن) در خلخال کرد - اهالی را، نسبت به پرداخت اعانه، برای افتتاح مدرسه تشویق نمود. (سند شماره ۵۰) در تنکابن، اقدامات محلی، به عهده محمد نبی خان است. که با یک عده دو بست و پنجاه نفری، متوقف است. عدلیه موقتی، تشکیل و فعلاً آقا شیخ یحیی، فاضلی عدلیه است تا از طرف اتحاد اسلام، قاضی معین شود. (سند شماره ۵۱)

در آستارا، قدماتی همچون انتصاب هزیر السلطان، به نظارت دوایر و تصفیه کلیه اذیتها، از سوی آقا میرزا کوچک خان، (سند شماره ۵۲) نظارت بر امور مالیّه (سند شماره ۵۳) و بالاخره، فرستادن امیرزا اسمعیل خان، برای رسیدگی به امور گمرکی و تقشیر در اعمال مأمورین سابق و لاحق (سند شماره ۵۴)، از سوی هیات اتحاد اسلام انجام شد. (۲۶)

در اردبیل، بنا به گزارشی، در اواخر محرم ۱۳۳۶ ق. (اواسط عقرب ۱۲۹۶)، عده جنگلها، این اوقات، به قدر کثافت زیاد شده است، ولی در میانه خودشان، چیزی برودتی است... از طرف جنگلها، به حکومت اعطاء شده که رشوه و خدستانه، باید موقوف شود. (در وقت، چهار هزار تومان، به حکومت حقوقی می‌دهد و سه هزار تومان، جنگلها، خواهد داد که این اعمال زشت خیانت کارانه، موقوف شود، حکومت قبول نکرد. (سند شماره ۵۵) چند ماه بعد، در اواسط سال ۱۳۳۶ ق.، جنگلها، در جنگهای طایفگی بین شاهسونهای اردبیل، داخل شده (سند شماره ۵۶) و از این طریق، نیروی آنها، در آن خطه به تحلیل رفت. (۲۷)

در مجموع، تلاش هیات اتحاد اسلام، برای گسترش دامنه نفوذ خود به نقاط مجاور - که از اواسط سال ۱۲۹۶ آغاز شده و در اواخر همان سال، به اوج خود رسیده بود - و سبب تبدیل یک جنبش محلی، به یک جنبش منطقه‌ای در شمال ایران گردید. عوامل متعددی در این فرآیند مدخول بود. فقدان قدرت حکومت مرکزی، ناشی از سفره سیاسی روسها، تکیه بر شعاع اتحاد اسلام، بهره‌گیری از احساسات ضد انگلیسی و روسی در میان اهالی، استفاده از مواضعی بین‌المللی، مهمترین عواملی است که در فرآیند فوق، نقش داشتند.

یکی دیگر از ابعاد فعالیت هیات اتحاد اسلام، ارتباط با روسیه است. پس از شروع انقلاب در روسیه، کمیته‌هایی، متشکل از افسران و صاحب‌منصبان انقلابی روسی، در شهرهای مختلف ایران تشکیل شد. این کمیته‌ها، عموماً تحت نظر فرماندهی قوای روسیه مستقر در قفقاز بودند.

گزارشهای موجود، حاکیست که نخستین ارتباط بین کمیته روسی مستقر در گیلان با هیات اتحاد اسلام، در ۲۷ رجب ۱۳۳۵ ق. ۲۹ فور ۱۲۹۶، انجام شد. در این ملاقات، آقای حاجی رستم و آقای آخوندی، یک و گیتیار جورجاندرو، صاحب‌منصب و وکیل کمیته، از طرف روسها و آقامیرزا کوچک خان با سه نفر دیگر، از طرف هیات اتحاد اسلام، حضور داشتند.





(سند شماره ۵۷) سه نفر دیگر: دکتر حسمت، آقاسید آقایی و آقاخواجه کلاوزانی بودند. (۲۸) مذاکرات، در جو بسیار دوستانه‌ای انجام شد. ولی علیرغم این موضوع، مذاکرات، بی‌مادجانی به دنبال نداشت، به نحوی که چند هفته بعد، در مقاله‌ای با عنوان «قول و فعل لازم است»، که در نخستین شماره جریده جنگل چاپ شد (۲۹). هیأت اتحاد اسلام، خواهان اقدامات جدی، برای کنترل قوای روسی مستقر در ایران، از سوی دولت انقلابی روسیه و کمیته‌های انقلابی روسی مستقر در ایران شد. دو مین ملاقات، در فاصله ششم تا سیزدهم ذی قعدة ۱۳۳۵ ق. (۲۰ تا ۹ سنبله ۱۳۹۶) صورت گرفت. بر اساس گزارش موجود، «یک نماینده محترم دیگر، از صاحب منصبان مقتدر روس، «کتیور نیکلایوچ» و برادرین، به همراه یک نفر مترجم، آقایی بیک آقاسیدیم اف، در این روزهای اخیر، به فون، پس از تحصیل اجازه آمده، برای تحکیم و تسهیم مذاکرات پس، ۲۹ فوراً شروع به بیانات شد و از جانب هیأت اتحاد اسلام و ایران، فدائیان شهید، آقایی حراسی احمد، آقا و آقاخواجه و آقاسید آقایی، نایب‌منتخب و به نفعی‌ای که محلی ملاقات تعیین شده بود، رفتند. پس از انجام اظهارات شفاهی، که چون واقعه پیش، به منتها درجه دوستانه بود، مراسم مودت و اتحاد، به عمل آمد. (۳۰)

ولی این ملاقات هم، بی نتیجه ماند، و مشکل - کماکان - به قوت خود باقی ماند. سومین ملاقات، بین نمایندگان هیأت اتحاد اسلام و کمیته انقلابی روسیه، در رشت، در دوم صفر ۱۳۳۶ ق. (۲۶ عقرب / آبان ۱۳۹۶) صورت گرفت. در چیزی که بی‌امون این ملاقات، در جریده جنگل چاپ شده، آمده است، در راست قشون دموکراسی روسیه مقیم گیلان، ماعده‌ای از صاحب منصبان محترم، روز یکشنبه دوم صفر، برای اظهار دوستی و مهربانیت، به بازار جمعه توام ورود نموده، از طرف هیأت اتحاد اسلام، دو هزار تومان به او بخشیدند. ایران، آقای میرزا کوچک خان و آقای حاجی احمد آقا، مأمور پذیرایی گردیده و با احترامات و تشریفات، که در خور این مهمانان محترم بود، پذیرایی کردند. عصر همان روز، پس از ختم مذاکرات دوستانه، معاونت به شهر نمودند. (۳۱)

ملاقات فوق، در شرایطی انجام شد که دستجات روسی، دائماً به سمت گیلان حرکت کرده و در آن منطقه، به طور موقت اقامت می‌کردند. بناب، گزارش می‌دهد در این خصوص، در اوایل صفر ۱۳۳۶ ق.، «عده روسها در رشت، به طور تحقیق، بالغ به شش هزار نفر می‌باشد. که در نقاط مختلف در سزل اعین و رجاء و کسبه و غیره، سکونت دارند. (سند شماره ۵۸) بدیهی است، هنوز این تعداد، مشکلات زیادی را در گیلان به وجود می‌آورد و افزودن شدن مشکلات، بر بررسی جدی تر آنان راه ضروری می‌ساخت. بدین لحاظ، مذاکرات بین کمیته انقلابی روسیه و هیأت اتحاد اسلام، همچنان ادامه یافت؛ و اینکه مذاکرات، به نتیجه رسیده و در اوایل ربیع الثانی ۱۳۳۶ ق. (اول مهر جدی ۱۳۹۶)، طرفین، توافق کردند در خصوص نحوه کنترل سربازان روسی در هنگام عبور از گیلان، پروتکلی را امضا نمایند. (۳۲) بر اساس مفاد پروتکل، قرار شد، یک عده پانزده نفری از طرف هیأت اتحاد اسلام، به عنوان کمک، به پلیس ملی روسی، که تشکیل پیدا کرده - به علت کمی عده آنها بودند - در صورت وقوع بیخاطنی به اهالی، چه شخصی و چه از حسب مال، باید پروتکلی از طرف پلیس ملی روسی، به اتفاق نماینده هیأت اتحاد اسلام، نوشته شود که تدریجاً حسارت به هر کسی که وارد شده، به عمل آید. (۳۳)

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که راه حل مشکل حضور نیروهای روسی در شمال، پیدا شده و تنها اقدام عملی بر اساس پروتکل امضا شده، می‌توانست امنیت را در گیلان برساند. ولی سیر حوادث در عقبه‌های بعد، به گونه‌ای بود که اساساً پروتکل مذکور، راه از حیرت‌انگیز محافظت کرد.

از اوایل زمستان ۱۳۹۶، تغییر اوضاع جنگ بین الملل اول، در منطقه شرقی، و ضعف گیلان، دیگرگون شد. توجه نیروهای عثمانی و آلمانی به منطقه قفقاز، عامل اصلی این دگرگونی به شمار می‌رود. (۳۴) آلمانیها، به سرعت در حال افزایش نفوذ خود در گرجستان بودند و از سوی دیگر، ارتش عثمانی هم، به ملافی شکستهای بی‌پای خود در بین آذربایجان و با توجه به اینکه به علت وقوع جنگهای داخلی در روسیه، مانعی در راه پیشروی آنها در قفقاز وجود نداشت، به فستند تصرف باکو، به سمت قفقاز به راه افتادند. در صورت تحقق چنین ایده‌ای، توتالی عثمانیها، در رخته به شمار ایران و همچنین، آسیای میانه و آذربایجان، افزایش می‌یافت. بدین لحاظ، انگلیسها، در یک اقدام بی‌سنگیرانه، تلاش کردند با حد اکثر سرعت و قبل از رسیدن عثمانیها به باکو، خود را به آنجا رسانده و با تقویت نیروهای موجود در آن شهر، اجازه دسترسی به دریای خزر را به عثمانیها ندهند. (۳۵) سرخترین راه و صورت به باکو از میان گیلان گذشته و به بندر انزلی و از آنجا، از راه دریا، به باکو ختم می‌شد. انگلیسها، که از همدیگر پیش در تدارک اعزام نیرو به باکو بودند، به سرعت، بخشی از قوای خود را، به فرماندهی ژنرال دستر ویل، روانه گیلان کردند. (سند شماره ۶۰ و ۶۱) و بلاخره، در روز ۲۸ دلو ۱۳۹۶ (۹ جمادی الاول ۱۳۳۶ ق.) با نیروی ملکی، وارد گیلان شدند. ماه گزارشی در این خصوص، (ساعت هفت بعد از ظهر ۲۸ دلو، یک نفر ژنرال و ۲۶ صاحب منصب و قریب شصت نفر تأمین، یک اتومبیل جنگی - که دارای یک عراده توپ بود - با ۲۴ دستگاه اتومبیل سواری، از رشت وارد و به عارمان رفتند. ژنرال آنها با بعضی صاحب منصبان، در اداره لیانازوف منزل

اقدام انگلیسیها، با واکنش بسیار تند هیأت اتحاد اسلام، مواجه شد. هیأت، تلگراف میسوطی به تهران ارسال کرده و ضمن تذکر اقدامات انگلیسیها، خواستن اقدام «هیئت دولت، در جلوگیری از اقدامات حیثی شکنانه انگلیسیها شدند.» (سند شماره ۶۳)

همچنین همزمان با ارسال تلگراف فوق، با انتشار اعلامیه در رشت، «حجاب به نظامیان انگلیسی» به آنها اخطار کردند. «گر در ظرف ۲۴ ساعت، از شهر خارج نشوید، ناچار از اقدامات خواهیم بود.» (سند شماره ۶۴) اخطار مذکور، کارگر افتاده و نیروهای انگلیسی، پس از دو روز توقف، بدون هیچ حادثه، در ساعت هفت تماماً به طرف رشت رهپوش شدند. (سند شماره ۶۵) و به طرف فروریس، حرکت کردند. (سند شماره ۶۶) چند روز بعد از بازگشت انگلیسیها از گیلان، در ۱۱ حوت (اسفند)، قزخانه رشت، توسط فرای اتحاد اسلام، تصرف شد. (سند شماره ۶۷) از این زمان به بعد، وضعیت کاملاً بحرانی شد. دستگیری کنسول انگلیس در گیلان، کاپیتان نوئل در اواخر سال ۱۲۹۶، پاسخی از هیأت اتحاد اسلام، به اقدامات انگلیسیها بود. (۳۶) این اقدام، انعکاس وسیع یافت، در تهران، سفارت انگلیس و هیأت دولت، تلاشهای زیادی را برای آزادی کنسول انگلیس و رئیس شعبه بانک شاهنشاهی در رشت، میزور کردند. (۳۷) (سند شماره ۶۸، ۷۳) اقدامات میزور و وفای در ندادن کات انگلیسیها، برای حمله به گیلان، ایجاد نکرد. متقابلاً، هیأت اتحاد اسلام نیز، کلیه نیروهای خود را، برای مقابله با آنها، بسیج کرده و خط دفاعی را، در منجیل تشکیل داد. همان زمان، گروهی از صاحب منصبان عثمانی هم، به گیلان وارد شده و به جنگلیها پیوستند. (۳۸) (سند شماره ۴۵) شایعات و اخبار مربوط به نفوذ جنگلیها، تا حوالی قزوین و رود مرخی از دستجات بنشویکی به شمال ایران (سند شماره ۷۲، ۷۹) عزم انگلیسیها را برای یک نبرد همه جانبه با قوای اتحاد اسلام، جزم نمود.

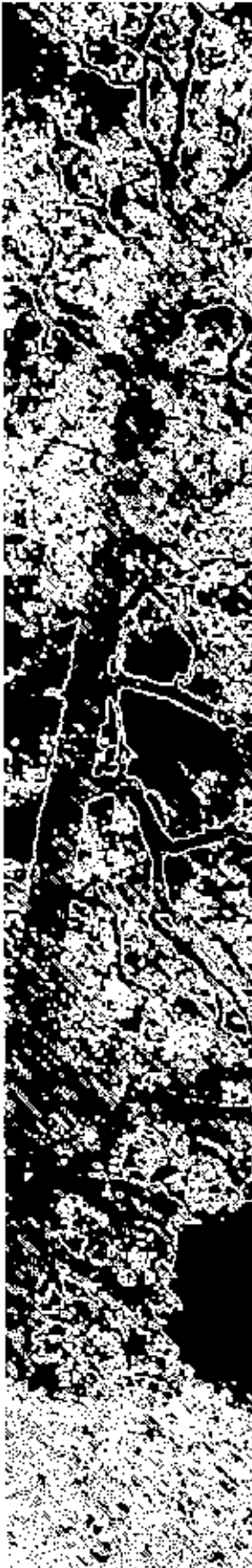
به دلیل اهمیت اوضاع هیأت اتحاد اسلام، که جنگ با انگلیسیها را در قریب الوقوع می دانست - به فوریت در صدد جمع آوری نیروهایش برآمد. بدین لحاظ، ماسدور اعلامیه، شانزده فعالیت دوایر مربوط به آن هیأت را، که برای رسیدگی به تقاضای مردم ایجاد شده بود - اعلام کرد (۳۹) در همین باره اعلام شد محاکم تحقیقاتی که از طرف هیأت اتحاد اسلام، در تمام قطعات گیلان، تشکیل، استار، اخلخال و طارقات دایر بود - با موافقت نظر هیأت، تمام آنها را تابع عدلیه مرکزی رشت قرار داده و مطابق قانون، تبدیل به محاکم بدایت و صلحیه نمودند. (سند شماره ۴۵)

با بحرانی تر شدن اوضاع، امیر عشایر، از رشت خارج شده و امور حکومتی انجاری، به کارگزاری تحویل داد. (۴۰) در گزارشی که از وضعیت رشت و گیلان در آن شرایط وجود دارد (سند شماره ۴۵) به نقل و انتقال متعدد نیروهای جنگی و ارسال نیرو به متجین اشاره شده است و مقابله گزارشهای دیگری نیز، از حرکت نیروهای مختلط انگلیسی و روسی، به سمت فروریس و نندازک، حمله به گیلان به وسیله آنها، وجود دارد. (۴۱) (سند شماره ۸۳، ۸۴)

در این میان، سقوط کابینه ستوفی الممانک در ۵ فور (دیهنت ۱۲۹۷) (۱۶ رجب ۱۳۳۶ ق) ضربه اساسی به حسن روابط هیأت اتحاد اسلام و دولت زد. روی کار آمدن کابینه صمصام السلطنه، به معنای از دست رفتن یک پشتیبان در تهران، برای جنگلیها بود. کابینه مذکور، به فوریت در صدد انتخاب یک حکمران، برای گیلان برآمد و بالاخره، در اواخر فور، حکمران گیلان، سردار کل، انتخاب و اقدامات لازم برای او به گیلان، آغاز شد. (سند شماره ۸۵ و ۸۶) تا اینکه بالاخره، سردار کل، در ۱۸ جوزا (آخر داد اول رمضان) به سمت رشت حرکت کرد. (سند شماره ۸۶)

مقارن با عزیمت حکمران، آخرین مقدمات انگلیسیها برای حمله قطعی به گیلان، در حال انجام بود. از سویی، عدیه زیادی از هم پیمانان روسی و ارمنی آنها، از طریق کتشی، وارد انزلی و آماده حمله به جنگلیها شدند (سند شماره ۸۷) و از سویی دیگر، در جنوب و در قزوین نیز، نیروهای مختلط انگلیسی و روسی، ندادن کات وسیعی برای تکمیل مقدمات حمله، به عمل آورده بودند. تعداد مختلبی نیروی زمینی، که به وسیله چند فروند هواپیما - تقویت می شدند. آماده حمله به گیلان شده بودند. (۴۲) بی نتیجه ماندن مذاکرات فرستاده انگلیسیها (کنزل اسوکس) با هیأت اتحاد اسلام، وقوع جنگ را قطعی و لاچارم می نمود. (۴۳) (سند شماره ۸۸، ۸۹) اینکه پس از حرکت روسهای متوقف در قزوین - که قبلاً به وسیله مذاکرات و قرار داد بین روسهای آنان یا نمایندگان هیأت اتحاد اسلام از منجیل اجازه عبور یافته بودند - ابتدا در بین رودبار و منجیل توقف کرده و استحکاماتی در آنجا بنامی نمایند، متعاقب آن، دسته دیگری از روسها رسیده، به مجرد وصول آن دسته، از طرف روسها، مبادرت به حمله شده و مصادمه بین آنها و فرای هیأت - که در منجیل توقف داشته شروع گردیده. پس از شروع شدن مصادمه، چهار صد نفر نظامیان انگلیس، از قزوین قوی حرکت کرده و خود را به سجیل رسانده اند. (سند شماره ۸۸)

در روزهای بعد، جنگ با شدت هر چه تمامتر، بین دو طرف جریان یافت. (۴۴) گزارشی که از هر دو طرف منتشر شد. (سند





شماره ۹۲ و ۹۱) تا آنکه فوای اتحاد اسلام، شکست خورده و نیروهای آنها، پس از خروج از پشت، به فومن و کسار رفتند. (سند شماره ۹۰)

طی روزهای بعد، بزهم در گریه‌هایی بین جنگلیها با نیروهای مختلط انگلیسی و روسی، روی داد. (۴۵) این نبردها، همچنان به طور پراکنده ادامه یافت. تا اینکه بالاخره، قرارداد صلحی بین هیات اتحاد اسلام و انگلیسیها، در ۲۷ اسد ۱۲۹۷ برابر ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۶ ق.، به امضا رسید. (۶۶) مفاد قرارداد فوق، به شرح زیر است:

۱. نمایندگان کمیته اتحاد اسلام، متعهد می شوند که فوای مسلحه در راه فومن و نرلی - که معروف به راه عراق است - و نزدیکهای آن، نگاه ندارند. توضیح اینکه، هرگاه فوای مسلحه دیگر، غیر از نظامیان انگلیس یا نظامیان دولت ایران، عازم گیلان از راه عراق باشند، نمایندگان نظامیان انگلیس، قبول می کنند که در جمل آن، آنها را نگهداشته، تا کمیته اتحاد اسلام، از مقاصد آنها مستحضر شده، در صورتی که بر علیه آنها هستند، حق دارند که در همان راه، با قوه مسلحه، ممانعت نمایند. ۲. نمایندگان اتحاد اسلام، متعهد می شوند که صراحتاً متصرفان خارج راه، اخراج کرده و از دولتهایی که با دولت انگلیس، در حال جنگ هستند، صاحب منصب استخدام نمایند.

۳. نمایندگان کمیته اتحاد اسلام، متعهد می شوند تهیه خوراک لازم برای فوای موجوده انگلیس، در گیلان نمایند و نمایندگان نظامی انگلیس هم، متقبل می شوند که افراد مسلحه، برای جمع آوری آذوقه، به صفحات گیلان اعزام ندارند. ۴. نمایندگان کمیته اتحاد اسلام، متعهد می شوند اسرای دولت انگلیس را - که عبارت از کاپیتان نونل و لیوتان موریس و کلنل شامایف و کاپیتان استریک و صمصام الکتاب می باشند - رد کرده، اسرای کمیته اتحاد اسلام را، در هر نقطه که هستند، نهرین بگیرند.

۵. نمایندگان فنون انگلیسی، متعهد می شوند که در داخل ایران، مداخله نمایند، مگر در صورتی که ایرانیها، با دشمنان انگلیس مساعدت کرده و بر ضد انگلیس، قیام نمایند.

۶. نمایندگان فنون انگلیس، قول دادند که به هیچ وجه در مقاصد کمیته اتحاد اسلام، مداخله ای که مربوط به پیش بردن منافع دشمنان انگلیس نیست، ضدیت نمایند.

۷. از اهالی، دعوت شود که برای حفظ خود، حاکمی، موقتاً انتخاب نمایند تا حکومت ایران، نماینده خود را بفرستد.

۸. نمایندگان طرفین، متعهد می شوند که فوای مسلحه آنها، به هیچ وجه داخل شهر نشوند.

دکتر ابو القاسم خان، نماینده اتحاد اسلام کلنل ماتیو برتیس تشون میرزا فرخ، جان، نماینده اتحاد اسلام مستر مایر، نماینده سیاسی انگلیس

امضای قرارداد فوق - که تقریباً همزمان با شروع کلبه دوم و توفیق اندوله بود - نقطه اختتامی بزرگ دوره از فعالیت اتحاد اسلام، قرار داد. شاید بتوان این دوره را - که از حدود اواسط سال ۱۳۳۵ ق. آغاز و تا اواخر ۱۳۳۶ ق. (۱۲۹۷.۶) ادامه یافت - اوج فعالیت هیات اتحاد اسلام قلمداد کرد. پس از آن، تغییر عمده فعالیت هیات تا اواخر سال ۱۳۴۰ ش. دیگر به دلایلی همچون، تغییر وضع سیاسی در داخل کشور، تغییر اوضاع و شرایط سیاسی منطقه و بین المللی، استقرار رژیم سوسیالیستی شوروی و پایان جنگ جهانی اول، هیات اتحاد اسلام، هیچگاه نتوانست چنین انسجام و وحدت عمل و رویه ای را در گستره فعالیت خود، به نمایش گذارد.

[سند شماره ۱]

نظامنامه داخلی هیات اتحاد اسلام

۱. از بین اعضای هیات اتحاد اسلام، یک نفر مدیر موفقی و یک نفر مستی، باید منتخب شود. ۲. در هر هفته، یک نفر مدیر، به اکثریت، معین خواهد شد.

تکالیف مدیر

۳. اخیر از زمان تهیه (روزهای جمعه و اعیاد ملی) همه روزه ۳ ساعت قبل از ظهر و ۳ ساعت بعد از ظهر، جلسات رسمی، هیات منعقد خواهد شد. در جلسات فوق العاده، احضار اعضا، به عهده مدیر است.

۴. قبل از حضور اکثر از اعضای هیات، مدیر، اقدام به مذاکرات رسمی نخواهد نمود.

۵. پس از شروع به مذاکرات، بعد از مشاوره و تبادل، اتخاذ رای قطعی، به عهده مدیر است.

- عذر صورتی که اعضا، بایکدیگر مشاجره نمایند، مدیر، باید به اندازه رفع غائله، جلسه را تعطیل کند.
۷. مدیر، مسئول انتظام داخلی هیات است. در صورتی که هر کدام از اعضا، از نظم واقع منصرف شد، مدیر مطابق قرارداد، محازات تعیین خواهد نمود.
۸. مدیر از حیث رای و سنای تکالیف، در حکم سایر اعضای هیات خواهد بود.
۹. مدیر، می تواند از برای هر یک از اعضا، به طور ضرورت، اجازه مرخصی بدهد.
۱۰. مدیر از واردین محترم، در اطاق مخصوص، پذیرایی خواهد نمود.
۱۱. در صورتی که خارج از اعضای هیات اتاخوانان، به یکی از اتاخوانان نشده باشند، توسط مدیر یا مستخدم، به عضو اطلاع بدهد.

وظایف منشی

۱۲. در هر جلسه، سررئس فرزندهای هیات را برداشته و در دفتر مخصوص، ثبت نماید و به اعضای مدیر برساند.
۱۳. بعد از اجتماع اعضای هیات، منشی، عده حاضر و غایب را، صورت می نماید.
۱۴. قرانت مکانیاب وارده در هیات، به عهده منشی است.

تکالیف اعضای هیات

۱۵. اعضای هیات، باید نهایت ادب و احترام را، بایکدیگر رفتار کنند.
۱۶. استعمال دخانیات در جلسات رسمی، ممنوع است؛ مگر در وقت تنفس، که مدیر اجازه دهد.
۱۷. هر کدام از اعضای هیات، حق دارد، مطلبی را پیشنهاد کند. در صورتی که به اکثریت، قابل مذاکره باشد، در هیات مطرح خواهد شد.
۱۸. توافق کردن و ادای بعضی رسومات - که اسباب تفرقه عمومی باشد - در حائل انعقاد جلسات رسمی، ممنوع است.
۱۹. هر یک از اعضا، در صورتی که مطلبی بخواهند پیشنهاد کنند، باید قبلاً از مدیر اجازه بگیرند و در صورتی که معارف هم، اجازه خواهند استند، اسبق، و نیز به چند ثانیه، مقدم خواهد بود.
۲۰. اگر یکی از اعضای هیات، شکایت شخصی راجع به یکی از اعضای هیات داشته باشد، باید در هیات اظهار کند. بعد از آن که مدعی علیه، جواب شخص شاکی را گفت، هر دو باسستی از هیات خارج شوند تا در غیاب آنها، هیات، در ماده شکایت رسیدگی کرده، حکم مستنه را معلوم کند.
۲۱. هر یک از اعضای هیات، بر ترک با و نوب فصلی از نظامنامه داخلی، مطلع شود، حق دارد به مدیر اطلاع داده، منبع و اصلاح آن را بخواهد.
۲۲. هر یک از اعضا، بدون عذر موجه، اگر از حضور در اجلاس رسمی، تقاعد، و رزند، پنج قران به صندوق اعانه هیات، تقدیم می نماید.

در جنایت و مجازات اعضای هیات

- جنایت اعضای هیات، به چهار درجه منقسم است:
۲۳. درجه اول، از قبیل نجوا کردن و سر فرود نمودن مستد در موقع نطق یکی از اعضا، مجازات این درجه، ملامت کردن و نصیحت کردن بر ترک این افعال است.
۲۴. درجه دوم، مثل مخالفت قوانین انتظامات داخلی یا اعاده اتاخوانان اقبال با وجود ملامت و نصیحت، مجازات این درجه، بیرون رفتن از مجلس است، به امر مدیر، برای یک ساعت.
۲۵. درجه سوم، حاضر نشدن در تکالیف مقرر است. مثل اینکه یکی از اعضا، در پنج جلسه متوالیه، بدون عذر صحیح، از حاضر شدن تقاعد کند. در این صورت، هیات، به او تکلیف خواهد کرد که استعفا نماید و هر گاه استعفا نکرد، از عضویت خلع می شود.
۲۶. درجه چهارم، جنایت کردن به هیات از قبیل رشوه گرفتن یا افسای سر هیات نمودن با اتاخوانان در تریات آسایش و اخلاق در پیشرفت کار. جزای این درجه، بعد از تبوت خیانت، اخراج از عضویت هیات و مجازاتی است که به اکثریت، معین خواهد شد.



در ترتیب مذاکرات مطالب

۲۷. گامی که مطلوبی در تحت مذاکره است، دیگری تبدیل مطلب جدیدی در آن داخل کند تا مذاکره آن مطلب، تمام شود؛ مگر اینکه مطلب ثانی، مقدمه مطلب اول باشد.

۲۸. مطالبی که به هیات می‌رسد، هر کدام مهمتر است، مذاکره و انجام آن، باید مقدم باشد.

شعبه تحقیق عرایض

۲۹. برای رسیدگی به عریض، یک شعبه تحقیق عرایض برقرار می‌شود و این شعبه، عریض را که نیابت مذاکره در هیات داشته باشد، عیناً به هیات اظهار می‌کند و از سایر عریض هر روزه، یک فهرستی ترتیب داده شده، در ابتدای آن روز، خلاصه را به عرض هیات می‌رساند.

۳۰. لایحه الاقتصار بر مواد نظامنامه، افزوده خواهد شد. (۴۷)

[سند شماره ۲]

هوالمولف بین القلوب

نظر به نهج امور و بیسازمانی مهم و رفع سوءتفاهم، لازم گردید که امتای هیات اتحاد اسلام، تجدیدنظری در عهد و موافق سابقه خود نمایند و به فوری که در بدو، جمع و تشکیل اجتماع هیاتی، معاهداتی درین خودشان نموده بودند و شرایط و التزاماتی باهم متعهد شده بودند، به تاریخ ذیل، صمیمانه و برادرانه، مجدداً حاضر شده‌اند که بر طبق قرارداد قدیم و معاهدات سابقه، باهمدیگر در اسوالت نوعی و مراسم هیاتی، بر مشاوره اقدام نمایند و آنچه راجع به صلاح نوعی و مقاصد کلی و مردم ملی باشد، به نحو نیادن افکار، در تحت مقرره و آرا آورده، چه از رد و بحث و جرح و تعدیل آن، به اتفاق آرا و یا به اکثریت رای قطعی اتخاذ گردد.

بالتجسس، به بیست و سه کی القای اخوت جدید و اختلاف دائمی بین آقایان امتای هیات اتحاد اسلام، باعث فقراتیم واقع گردید که به مدلول موافق قدیمه، با التزام به مواد ذیل، قیام در امورات مزبوره نموده و از این به بعد، به مفاد ذیل در خاتمه قطع و فصل امور، جدید نمایند و مختلف از مواد ذیل را، جایز بدانند و خدا را همه وقت حاضر و ناظر بدانند و در صورت تخلف، تابع حکم اتفاق یا اکثریت هیات خواهد بود.

مواد ذیل، در ضمن چند فصل ذکر می‌شود:

فصل اول، در تشکیل هیات و .. ترتیب لوازم آن

ماده اول، اعضای هیات اتحاد اسلام، در ضمن عدد طاق (از ابد از پنج) تشکیل خواهند یافت.

ماده دوم، اعضای هیات، لایحه الاقتصار، به حکم اتفاق آرا یا اکثریت، زیاد و کم خواهد شد. در هر صورت، رعایت ماده فوق، خواهد گردید.

ماده سوم، اعضای هیات مندرس، خدمتی و باه امور اداره‌ها و شعبه نخواهند شد؛ مگر به تصویب هیات، در موقع لزوم.

ماده چهارم، حاضرین از اعضای هیات، در ذیل اسامی خود امضاء و مهر شخصی خواهند نمود.

ماده پنجم، همه روزه، به طور لزوم، (۴۸)

فصل دوم، در تکالیف اعضای هیات اتحاد اسلام و لوازم آن

در ضمن چند ماده:

ماده اول، در هر روزی به طور لزوم، رسماً شش ساعت، ۳ قبل از ظهر و ۳ بعد از ظهر، تشکیل هیات خواهد شد. در فوق آمده، به قدر حاجت و قضای آن خواهد بود.

ماده دوم، در صورت لزوم حاجت و بابت عدم مهمی، به اختیار یک نفر از اعضا، تمام اعضا مکلفند به طور فوریت حاضر شوند.

ماده سوم، در جلسات رسمی هیات، مذاکرات، غیر از مذاکراتی که فصل بعد معین می‌نماید، جدا ممنوع است؛ مگر در موهمی که خارج از رسمیت یا موقع [اخوان] باشد.

آماده چهارم. در هر جلسه رسمی، یک نفر مدیر موقتی یا ناظم، به اکثریت یا به اتفاق معین می شود که تکلیف مدیر یا ناظم، در فصل علیحد، معین خواهد بود.

آماده پنجم. اعضاء حق غیبت از جلسات رسمی ندارند، مگر در صورت عذر یا ارجاع خدمت.

آماده ششم. در جلسات رسمی - که هر کدام از اعضاء در موقع رسمی حاضر نشود - از پنج قران الی یک تومان، جریمه خواهد داد.

فصل سوم. در خصوص مذاکراتی که در هیات لازم است و لوازم آن

آماده ۱. مذاکره امور نوعی و تصفیه امور مملکتی و پیشرفت مرام ملی و هیات، در جلسات رسمی خواهد بود.

آماده ۲. تحصیل بودجه و فراهم داشتن مقدمات وصول اعانه، در جلسات رسمی مطرح خواهد شد.

آماده ۳. اعزام اردویی یا دفاع از دشمن و یا تصرف محلی و یا اعزام نماینده، در جلسات رسمی موضوع خواهد بود.

آماده ۴. عزل و نصب کلیه اجزا و صاحب منصبان و مامورین، به عهده هیات است و در جلسه رسمی، تحت ... خواهد بود.

آماده ۵. حقوق کلیه اعضاء و اجزا و احاد نظام و مستخدمین و مستحفظین و مامورین، به طور مقرر، خواهد معین گردید.

آماده ۶. در موارد فوق، بعد از تعاون افکار و امتزاج، یا به اکثریت و یا به اتفاق آراء، رای خواهد گرفته شد.

آماده ۷. هر کدام از اعضاء، در موقع غیبت، حق رای نخواهد داشت.

آماده ۸. عده اعضاء، وقتی که به زاید از نصف رسیده، حق شروع در مذاکرات خواهند داشت.

آماده ۹. کلیه مذاکرات هیات در جلسات رسمی، باید در ثبت دفتر و خلاصه ضبط گردد.

آماده ۱۰. دو منشی از اعضاء هیات یا با تصویب هیات، معین خواهد بود.

آماده ۱۱. در امورات نوعی و کارهای هیاتی، به هیچ وجه یک نفر از اعضاء هیات، نمی تواند مداخله کند و در صورت

مداخله، برای او رسمیت نخواهد داشت. (۴۹)

[سند شماره ۳]

اوضاع رشت مورخ ۲ جوزا

طرز رفتار مامورین نظمیه در زمان لاستولبرگ، فشارهای قونسولگری در ایام استبداد روس، مداخله مامورین اجنبی به امور جزئی و کلی، حق تکلیفهای کارگزاری و بالاخره، هرج و مرج اداره حکومتی و عدلیه، و نطق فوق العاده شخص حاکم، حاج مفخر الدوله از روسها، یک نوع بدبختی برای مردم تولید کرده و هر لحظه، بر گرفتاری عمومی می افزاید.

قلم مفید، زبان بسته، آزادی محدود و حتی معاشرت به طرز مخصوص قدغن شدت فشار استبدادی، به اندازه ای بود که خیرهای جنگ و غیره را هم - که روزنامه های خارجه، مخصوصاً جراید ففواز درج می کردند - در باره ای مجالس، صحبتش ممنوع بود تا چه برسد به سایر مطالب.

نه تنها مردم، از روسها می ترسیدند، بلکه به مراتب از مامورین نظمیه و حکومتی و خاصه از آنهایی که خود را مفتش نامینات معرفی می نمودند، احتیاط می کردند. زیرا، بسا بدبختانی از حیث جلب منافع شخصی و برای خوشایندی، و چه به حکم حاکم و چه از آدم آزاری بعضی مامورین مفسد تاهینات نظمیه، به عنوان جنگنی و مقصر پلتیکی گرفتار و حبس و زجر شده و روزها در حبس و ماهها در توقیف می گذرانیدند. اهالی یک ولایت، مطیع و بی صدا، سکنه یک شهر، آرام و دولتمخواه، نزدیک بود از شدت فشار خودی بیگانه، متواری شوند. حق، برکت دهد که شمس آزادی، از افق روسیه طلوع شده و پرده در مقابل این فجایع کشید.

بعد از اعلان آزادی در روسیه، موضع رشت هم تغییر کرده عده زیادی بی گناه - که از غرض شخصی و ... حبس و در زیر شکنجه بودند، از محبس نظمیه خلاصی یافتند. در اینجا، این خوشحالی - که از تغییر اوضاع پیش آمده بود - از تغییر رئیس سابق نظمیه (استولبرگ) نیز، یک نوع حس پشاشت در مردم تولید شده و از تعیین آقامیرزا عبدال... خان، به جای ایشان خوشنود شدند. چنانچه به وسیله تلگرافات خصوصی، از تقدیم امتنان به اولیای امور، خودداری نکردند. مسیو استولبرگ، نه فقط به کارها رسیدگی نکرده و از اعمال او، سایرین استفاده کرده و اصول کیف مایشایی را پیش انداخته بودند، بلکه در حیف و میل و جوهرات دولتی نیز، ید طولانی داشت. رئیس جدید، به محض رسیدن، بلافاصله شروع به اصلاحات نظمیه



نموده، چند نفر از مامورین نامینات را - که سابق بدی داشتند - بیرون کرده و به جای آنها، از مفتشین جدید - که از تهران ورود کرده بودند - گماشت.

عجائلاً، اذهان، متوجه اصلاحات فوری و منتظر اقدامات رئیس جدید می‌باشند. نظمیته ماه دارد یواش یواش رو به اصلاح می‌گذارد و امید است بعد از چندی، نظمیه مرئی دانسته باشیم. یعنی نظمیه ای راه که در ماه، چند هزار تومان در این موقع تنگدستی از دولت می‌گیرد و در مقابل این وجه، ارزش داشته باشد، دارا باشیم! راجع به اداره مالیه، بدین نبوده و تایید اندازه امیدواری در حسن جریان آن، حاصل است. از اصلاح کارگزاری و عدلیه نیز، به این زودی هامپوسیم. به این ملاحظه، در این باب چیزی نمی‌گوییم. اما، راجع به اداره حکومتی، همین قدر عرض می‌کنم: آیا در این موقع انتخابات هم اداره حکومتی، اصلاح نخواهد شد؟ آیا اولیای امور، اطمینان دارند که با وجود اقامت حاج مفاخراندوله - که سابقه درخشانی در تاریخ ایران دارد - عمل انتخابات به صحت خواهد گذشت؟ اگر کارها، بدین عنوان بگذرد، داد و فریاد جریده ایران - که برای تغییر مامورین و حکام بلند شده - یگلی هدر و فقط نتیجه‌ای [جز گلو پاره کردن، نخواهد داشت.

این نکته هم نگفته نگذاریم که با وجود اینکه آزادیخواهان و وسیه در رشت، عموماً و اعضایی کسبه فعال روسیه، خصوصاً چه در مجالس و چه در مینتنگ‌ها، اظهار می‌کنند که دیگر به امور داخلی ایران، مداخله نخواهد شد. باز هم، بعضی نفوذها در کار و اثری از این وعده‌ها، مترتب نشده است. تصور می‌کنم که این هم، بسه به وجود مامور وطن پرست ایرانی است که با خلوص نیت، مشغول کار شده و امور مهمه راه یکی یکی بیصنه بدهند. (۵۰)

[شماره ۴]

اوضاع گیلان

مورخ ۱۴ رمضان، از رشت به مامی نویسنده

وضعیات گیلان، آنقدر امیدبخش نیست. گرانی ارزاق و مایحتاج، از هر قبیل، از بی‌اعتنایی حکمران وقت، به جایی رسیده که به غیر از ایرانی بدبخت، کسی تحمل آن را ندارد و نتواند داشت. نه اینکه تصور شود از نودن اجناس به این قحطی مبتلا هستیم، خیر! از خدم رسیدگی مامورینی که این کار، به عهده آنهاست. زیرا متاع محلی، از قبیل برنج و مخصوصاً سبزی آلات، فراوان است ولی که آنچه کسی بایاد قیمت را تعیین کند؟

اگر بنویسیم، نان یک من پانزده قران است، دور نیست کسی باور نکند. حالا گوشت و روغن، جای خود دارد. حاج مفاخراندوله که فقط در ماه پیش، از گرفتن مواجب و نراشیدن رآمدخل، وظیفه دیگری برای خود فرض نمی‌کرد. یکی دو فقره در موضوع ارزاق، اقدامی کرد، ولی چه شد؟ نتیجه معکوس داد. این سؤال را، خود ایشان باید جواب بدهد.

هرج و مرج، پاره‌ای از ادارات، از قبیل عدلیه و کارگزاری که متر از ارزاق به مردم اثر ندارد، بلکه به درجات، از آن بدتر است. کارگزاری، یعنی آن اداره که به وسیله بعضی از روسای آن، غالب املاک خوب گیلان، از دست ایرانیان بدبخت رفته و به چنگ اتباع روس، عثمانی و یونانی و غیره، افتاده، امروزه هم، محل تامین معیشت کارگزار است. خوب است قدری به اسناد و وسیه و صورت مجلسها و ثبت اجاره نامه‌های سال ۱۳۳۰، مراجعه شود تا خدمات کارگزار فعلی گیلان، معلوم گردد.

با این دردهای بی‌درمان، بدبختانه، مختصر نفاقی هم بین احزاب و فرقی سیاسی - که بعد از اعلان انتخابات، شروع به تشکیلات نموده‌اند - جاریست. دموکراتها، دو دسته شده‌اند. عقلای قوم، کوشش دارند رفع اختلاف نموده و به این اشتها، از خانه دهد. امید است موفق هم بشوند. یکی از کارهایی که اولیای امور، بایستی به فوریت انجام دهند، تعیین یک نفر رئیس بی‌طمع و فعال، برای عدلیه و فرستادن او، بایک عده اجزای کارآزموده، به رشت است که از نو، عدلیه تشکیل نموده، شروع به کار و رفع جویج مردم نماید.

البته، در اصلاح کارگزاری هم، باید اقدام عاجلی بنمایند. هر قدر مفاخراندوله راز و تری بخواهند، بهتر است. زیرا بیشتر به نفاق دامن می‌زند و کاسه لبسان هم که حالشان معلوم است - از موقع استفاده می‌کنند. (۵۱)

تلگراف خصوصی، از رشت [اظهار انقیاد، به حکومت مرکزی]

توسط حضرت اشرف پرنس، آقای غلام السلطنه، هیات معظمه و وزرای محبوب ملت ایران، سه گنجه جریده نوبهار، صدای ایران، ایران.

واضح است که منتهی آمال فدائیان، آن بوده است گیلان و طولش، کاملاً در تحت اوامر مطاعه هیات دولت بوده و اندک دخل و تصرف در اموری - که خارج از وظیفه یک ملت مطیع است - نکند. تلگرافی که قبلاً در خصوص حاجی مفاخرالدوله عرض شده، بر طبق تقاضای اهل گیلان بوده و هیات اتحاد اسلام را، در این خصوص و در سایر امورات رسمی قانونی مملکتی، از هیچ رای مخصوص نیست و بجز اطاعت اوامر دولت و پیروی صلاح اندیشی آن هیات، بقضه نظریاتی بداشنه و نخواهد داشت. چیزی که هست، کمال اشتیاق به سرعت افتتاح دارانشورا داریم و این قانون بر سنی فدائیان است. اینک، به اتفاق تمام روساء و عشایر و ایلات محبدین خود، از آن مقام مقدس و هیات وزرای عظام، درخواست افتتاح مجلس شورای ملی و اعزام یک نفر حاکم صحیح انعمان حوش سابقه [که] طرف اعتماد ملت و توجه دولت باشد. داریم که زاید از این امر، حکومت گیلان و طولش، متزلزل و اهالی بلا تکلیف نمائند.

در حاتم، انقیاد خودمان را نسبت به اوامر مقدسه ملوکانه و هیات وزرای محبوبه، اظهار می داریم. (۵۲)

اتحاد اسلام گیلان

دستگیری، از طرف جنگل

به موجب اعلانی که از طرف جنگلیان انتشار یافته، پنج نفر از اهل شهر را، فقط به عنوان آنکه عرض رانی شخصی می کرده اند، دستگیر نموده و به جنگل برده اند. بعد از این عمل، اعلانی منتشر نموده اند که اهالی و جوانانی که به افشای علی نفی رئیس استیفاء و اعضای عدلیه، به عنوان رشوه داده اند، رجوع به جنگل نموده و ماء خود دارند. (۵۳)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

واردات اداری

از رشت می نویسد

لازم می دانم از اوصاف این صفحات - که سیاحت کرده ام - به عرض برسانم. اسمعیل خان سوابی، چندی است به قوه روسها، استحكامات بنا نموده و ذخیره کفی جمع آوری نموده. کارخانه تفنگ و فشنگ سازی دارد. روزی دو قبضه تفنگ، از کارخانه اش خارج می شود. متجاوز از یک هزار، سوار تفنگچی دارد. اطراف را غارت می نماید. این اوقاف، طایفه یورنجی، به معیت سالار خاقان، برادرزاده امیر عشایر، بر علیه اسمعیل خان قیام کرده اند. جنگ، میان طرفین شروع، یک سنگر اسمعیل خان را، که دارای چهار صد تفنگچی بود - گرفته اند. اکنون جنگ، به شدت دوام دارد. اجتماع قوی می رود. اسمعیل خان و اطرافیان، به همین زود بیهان قلع و فمع بشوند. آقای زاکوچک خان، بعد از معاهده رشید اسماعیلک سالار خاقان، به طالبش دولاب آمده و اهالی، از ورود ایشان [اظهار] خوشنوقتی نمودند. صلحه، بر تقاضای اهالی، در طالبش دولاب معین کردند [تا] بر حسب قانون جاریه مملکتی، به عرض عارضین رسیدگی نمایند. پس از سه شب توقف در خانه امیر مقتدر، به اسالم آمده. اداره صلحه هم، در اسالم معین نمودند. اهالی خلخال هم، دعوت به خلخال نموده اند. میرزا زاکوچک خان، مخالفت با دولت و قانون جاریه مملکتی ندارد و بلکه مقصود، به جریان قانون و پیشرفت اوامر دولت متبوعه می باشد.



مظالم حاجی قاسم خان اکتفا و برادرش در اسالم، رفت؛ آور است. خانه های انجمن الدوله طائشی را که به معین روسها آتش زده اند. و غارت اموال او و اسیر کردن بهجت الدوله، عروس مشاوالیه و مادو طفل صغیرش، پای پیاده به لوزی، بردن ناموس مسلمانان را در بیرون بخت و وسه تویف نمودن، اسف انگیز است. چه می شود که دولت به این نوع ظلمها، عطف توجیهی بفرماید؟ امثال حاجی قاسم خان را، به جزای اعمالش برسانند. آیا ممکن است وزیرای محیوب ملت، امینی به اهالی ایران بدهند؟ اگر معذرت به نداشتن پول هستند، چرا میری املاک را، میر صالح نمی فرستند؟ منجمله، ممیزی گیلان است. که امروز، دست متغذین کوتاه است، دولت، بخوبی می تواند موفق بشود به ممیزی گیلان. که متجاوز از سه کرو و تومان، عشر دولت خواهد شد. بایک کرو و قوه تأمینیه گیلان را، می شود فراهم آورد. جنگلیها هم باین عقیده با دولت کمال مساعدت را دارند و می نمایند. آیا دولت، چرا بیک نفر شخص صالحی را نمی فرستد، عقاید حقه جنگلیها را بهمند؟ چرا بیک نفر حاکم و یک نفر رئیس عدلیه و یک نفر رئیس مالیه صالح، اعزام نمی نماید؟ یا اینکه به دسایس متغذین، متعذر است. تا کی و چه وقت دولت می خواهد مشغول به تسویه مملکت و به آسودگی فقر اقدام نماید؟

اشخاصی که حاضر شدند به قید قسم کلام مجید، با جنگلیها متحد شوند، اشخاص ذیل هستند. صورت قسم نامه آنها از قراری است که عرض می نمایم:

آقای رشید الممالک، برادر امیر عشایر، سالار خافان، ناصر دفتر خلیفائی، مرات السلطان امین مایه خلیخال، سلطان الذاکرین خلیفائی، انجمن الدوله طائشی، قسم یاد می کنیم به قرآن مجید، به مقدسات عالم، از حالا به بعد، با اساس مشروطیت و با مرام فرقه مقدس دموکرات، جاناً و مالاً همراهی نموده و مخالفت یا متحدین خود ننماییم. والله، بالله، که صیغه قسم است. حالیه، عموم روسای شاهسون اردبیل، همگی، حاضر شده اند اتحاد نمایند و بعدها، سلب امنیت نکرده و به اوامر فرقه دموکرات، حاضر باشند. امیدوارم شما اقرب، صفحه اردبیل، به مرام و مقصود فرقه مقدس، تسویه بشود.

مصطفی فروزینی (۵۴)

[سند شماره ۸]

اوضاع گیلان



از رشت به مامی نویسنده:

اوضاع گیلان، در ضایت بخش بیست آقای معتمد السلطان، کارگزار مهم خارجه گیلان، در امور حکومتی دخالت نکرده، کفیل فعلی نیز، از عهده اداره کردن کارها بر نمی آید. اهالی، انتظار دارند که از طرف دولت، هر چه زودتر، حکمران لایقی، برای گیلان تعیین و به فوریت اعزام شود. (۵۵)

[سند شماره ۹]

راجع به اوضاع گیلان

تلگرافی به امضای آقایان معتمد السلطنه و مخاطب السلطان و پیشکار مایه گیلان، به اولیای مرکز مخابره و واصل شده است که در شماره ۵۴ ستاره ایران و ۵۵ کتب ایران، تحت عنوان «اوضاع گیلان»، شرحی اشعار شده که اولاً اوضاع گیلان را اسفناک ذکر می نمایند؛ در صورتی که به موجب راپرتهای کتبی و تلگرافی اولیای امور از جریان اوضاع این صفحات، مستحضرند که در انجام وظایف خود و حفظ حیثیات دولت، غفمت نشده و موفقیت تمام در استراوان نظام، حاصل شده است. ثانیاً می نویسند: کارگزاری و معاون حکومت را، از شهر خارج نموده اند. این قبیل انتشارات خلاف واقع، بی اندازه موجب حیرت و فابل تکذیب از طرف دولت است. (۵۶)

[سند شماره ۱۰]

[از رشت]

از رشت، به مامی نویسنده:

امور رشت، در تحت نظر مخاطب السلطان و کارگزار و پیشکار مالیه و چند نفر از حزب دموکرات اداره می شد. در بعضی از مسایل قیما بین اختلاف حاصل شده و دو دستگی می شود. مخاطب السلطان و چند نفر دیگر، مخالف و بیه، طرفدار جنگلیها می شوند. دسته دوم، به جنگل مراجعه و شکایت می کنند. از جنگل، اخطاریه به مخاطب السلطان می رسد که در ظرف بیست و چهار ساعت از رشت خارج شود. مشارالیه، در صدد محافظت خود بر آمده و از پلیس ایرانی و قزاق روسی، استمداد می کند. جنگلیها، که از واقعه، مسبوق می شوند - به کمیته قفقاز تلگرافات نموده، پیر و تبست به این رفتار نظامیان روس می نمایند. از آنجانب، به نظامیان، امر می شود که از اشغال دارالحکومه، احتراز جویند و نظامیان، اطاعت می نمایند. مخاطب السلطان، ناچار به منزل شوایرگ، رئیس نظمیه پناهنده و از آنجا به مرکز حرکت می کند. این واقعه، باعث کدورت بین جنگلیها و روسهای متوقف رشت شده است. (۵۷)

[مسند شماره ۱۱]

اوضاع گیلان

خبرنگار مخصوص ما، مورخ ۴ ربیع الاول، از رشت می نویسد:

اداره حکومتی

آقای معتمد السلطنه، کارگزار گیلان، از بدو ورود خودشان، نظر به حسن سلوک و بی طمعی - که از ایشان به عرصه ظهور و بروز رسیده - طرف توجه مخصوص اهالی واقع شده، محبوبیت حاصل و در تمام مجالس و محافل، از ایشان و خدماتشان اظهار قدردانی می نمایند. روزها، همه روزه به دارالحکومه رفته، مشغول انجام امور حکومتی هستند. امورات کارگزاری هم، در تحت نظر آقای امیر محمدخان، معاون کارگزاری اداره می شود. چند روز است شایعات، راجع به تعیین امیر عشایر خلخال، به سمت حکومت گیلان، از طرف هیات اتحاد اسلام می باشد - که محزی الیه، با پانصد سواره، وارد و مشغول کار خواهد شد - ولی تا به حال، وارد نشده است.

اداره نظمیه

حقوق اداره نظمیه، دو ماه هست که به عهده تعویق و آژانها، همه روزه استعفا داده و فراری می شوند. اداره نظمیه هم، به واسطه بعضی موانع و محضورات، نمی تواند کاملاً جلوگیری نموده و رفته رفته، رشته امنیت و انظام گسیخته خواهد شد. در این دو هفته اخیر، چندین فقره سرقت مهم واقع شده. شبانه، هفت نفر و هشت نفر، افراد مسلح، به خانه های بعضی از تجار و اهالی رفته، دو نفر مجروح و یک نفر را هم مقتول کرده اند و سارقین هم، تا به حال دستگیر نشده و امنیت سابق، مرتفع گردیده است. تفنگهای آژانهای اینجا، تفنگ های منچستر قدیم می باشد که بگلی بی مصرف و آن هم، بیش از چند قبضه نیست. تفنگ پنج تیر و ورنند، ابتدا در اداره نظمیه وجود ندارد. سابقاً حسب پیشنهاد رئیس تشکیلات، و تصویب وزارت داخله، قرار شده چند قبضه تفنگ پنج تیر، از وزارت جنگ برای نظمیه بفرستند. ولی بعد از مدتی، فرستاده نشد. اخیراً بعضی صاحب منصبها و آژانها، فرار به جنگل رفته و به واسطه تعویق حقوق و بریشانی، سایرین هم، به فکر فرار می باشند و در سر پست، حاضر نمی شوند.

مسئله مشروب فروشی، از طرف اداره حکومتی و کارگزاری قدغن اکید شده. اداره نظمیه، تمام دکاکین مشروب فروشی راه مهر و موم و در مهمانخانه ها و سایر نقاطی که سابقاً مشروب فروخته می شد، حالیه ابتدا مشروب نیست و این مسئله، از شرارت سالمندانها و فنون روس، کاملاً جلوگیری نموده، اسباب رضایت خاطر اهالی شده است.

در مسئله جلوگیری از قمار، اقدام موثر نموده و حتی در مهمانخانه های اتباع خارجه هم، قمار نمی شود و از تمام صاحبان مهمانخانه ها، التزام گرفته اند که در آنجا قمار نشود. آژان گشتی هم، برای تقویت، مامور نموده اند.

عده قشون روس، همه روزه در رفت و آمد می باشند و در شهر، این اواخر، مزاحم حال اهالی نشده، از قراری که تحقیق شده است، به روسیه احضار و در ظرف یک ماه و چهل روز دیگر، خواهند رفت.

سردار مویده، اخوی شجاع الدوله و بيسرش، میرزا حسین خان ظفر الدوله، با کشتی، روز چهارشنبه هفته قبل، از طریق بادکوبه وارد و به رشت آمده و در مهمانخانه متروپل منزل کرده، خیال حرکت به طرف تهران را داشتند. شب جمعه ۲۸ ماه صفر، چند نفر از طرف هیات اتحاد اسلام، مشارالیه رایه کسما برده و روز جمعه هم، ظفر الدوله را برده، اسببهای آنها را هم در اطاق مهمانخانه، از طرف هیات، مهر و موم کرده اند، تا بعد چه شود.

حالت فلاکت و بدبختی و بریشانی قزاق و غارت زدگانی که همه روزه دسته دسته، از طریق خمسه، طالب دلآب،



گروس، کردستان و سایر نقاط، به رشت وارد می شوند، فوق العاده رقت انگیز می باشد. تا به حال، به طور تحقیق، نزدیک به هشت هزار نفر مرد و زن و بچه نخت، وارد شده، تکلیف و مساعد و در اکثر نقاط شهر، دسته های بانصدنفری و کمتری، دور هم گرد آمده اند. از طرف بعضی تجار و محترمین و اداره کارگزاری، برای حفظ آنها از سرما و گرسنگی، تاکنون مبلغی هم اعانه جمع آوری شده، قریب به چهار بیج هزار نفر را اجازت منزل داده، قرار معاش آنها را داده اند. ولی چون همه روزه سبصد نفر و چهار صد نفر، وارد می شوند، تهیه منزل برای همه آنها، خالی از اشکال نیست.

آذوقه

ترتیب آذوقه گیلان، فعلاً بد نیست. چندین قسم نان هست که از فونتی چهار عباسی تا فونتی شش عباسی، به فروتن می رسد، ولی فراوان است و تحصیل آن، زحمتی ندارد. قیمت سایر ماکولات هم، به همین ترتیب، فوق العاده گران می باشد و بعضی مطالبین، پیش بینی می نمایند که در آخر سال، مریخ هم، تمام خواهد شد و اهالی، دچار زحمت می شوند. (۵۸)

[سند شماره ۱۲]

ورود امیر عشایر

رشت، امیر عشایر خلخال، با سبصد نفر سوار شخصی، وارد شهر شده، اداره ملیه، نظمی و فشنونی را متصرف اعلام می هم از طرف جنگل به تمام اهالی شده که هر کس، از حکم ایشان نمرذ نمایند، مجازات خواهد شد. روز گذشته، تلگرافی رسیده که امیر عشایر، رسماً سیدگی به امور می نمایند. عریضه تلگرافی منضمی در این دوروزه، از طرف کمیته اتحاد اسلام، به مقام مقدس سلطنت عظمی، راجع به اطاعت از او، مریلوکانه، مخیره و استعالی تصفیه مریلوکانه نموده شد. (۵۹)

[سند شماره ۱۳]

نتیجه یاس، از اصلاح مرکز

رشت، امیر عشایر از سیدگی و عریضه فارغ نموده و متخون کار شده است. ورود جنگلیها به رشت - در صورتی که در قسم اعلامت خود اطلاع داده بودند تاکنون معلوم نشده. (۶۰)

[سند شماره ۱۴]

[نظرات جریده آچیق سون، درباره میرزا کوچک خان]

اوضاع ایران

از رشت، به جریده، اگر می نویسند که نماینده میرزا کوچک خان، در رشت اولتیماتومی، به رئیس قشون روسیه در رشت داده که به حرکات خود سیرانه سالداتی خائمه بدهند. در صورتی که جنوگیری نمایند، برای حفظ جان و مال اهالی، دسته های مسلح، وارد شهر خواهند نمود. رئیس قشون روس و نماینده کمیته انقلابیون، یک توه برای حفظ شهر و منع حرکات سالداتی، تشکیل می دهند.

این مسئله را باید اظهار کرد که میرزا کوچک خان امروز بلشویک ایران است و فعلاً صاحب و مالک گیلان و بعلاوه، اعتبار و نفوذ شهری را در دست. بدون اطلاع مرکز حکومت ایران، حکام را عزل و نصب و تمام گیلان و طالش را، تا آستان، در تحت اداره خود دارد. چنانچه معلوم است، معاونت حکومت رشت را که حاکم رشت متوقف در تهران، معین کرده بود - در طرف بیست و چهار ساعت حکم کرده که باید از رشت خارج شود و بعد از حرکت او، برای یک مدتی، امورات رشت را، برحسب دستور العمل میرزا کوچک خان، کارگزاری رشت اداره می کرد.

کار گزار، هر هفته به جنگل رفته و از اوضاع رشت، به میرزا کوچک خان اطلاعات می داد. چند روز قبل، امیر عشایر طالش

که از طرف میرزا کوچک خان، به حکومت رشت معین شده بود، وارد رشت شد. امیر عشایر، که با طالبشاهی مسلح در معیت خود، به رشت می آمد، میرزا کوچک خان، تا نصف طریق آورا (مشایعت نمود. اهالی رشت هم، پیاده و سواره و با موزیک و آژیم غریبی، به استقبال حاضر شدند.

میرزا کوچک خان، نطقی خطاب به اهالی نموده، اظهار امیدواری کرد که در هر موقع اهالی، امورات راجع به سعادت و رفاهیت ملت، با حکومت همراهی خواهند نمود.

میرزا کوچک خان، با طالبشها عداوت داشت و حتی زد و خوردهایی هم با آنها نموده بود ولی چندی قبل، رفع رفتار نموده، آشتی کردند. حواین مجلی خلخال، اهالی را غارت و یغما کرده اند و حالا، عائله ها، با حالتی پریشان، وارد شهر می شوند و از طرف کردستان و گروس هم، مهاجرین زیادی به شهر می آیند. فقیر، در شهر حینی زیاد است. قنٹ نان و گران اشیاء و ارزاق، روز به روز در از دیار است. حکومت میرزا کوچک خان، برای ارزان کردن قیمت برنج، حمل برنج از رشت به خارجه را شدیداً قندغش نموده است. برای سایر شهرهای ایران اجازه حمل مقدار قبیل داده می شود. حمل برنج به روسیه اکیدا ممنوع و قندغش است و چون مالیات جدیدی به برنج ملاکین تعیین نموده است، قیمت برنج ترقی نموده است.

آچین سوز (۶۱)

[سند شماره ۱۵]

[اقدامات امیر عشایر]

صخیر مخصوص ما،

۱۹ ربیع الاول: آقای امیر عشایر، با چند نفر سوار وارد شدند، از طرف اهالی، استقبال شایانی به عمل آمد. جمعی از خلما، اعیان و تجار، به ملاقات ایشان رفتند.

امیر مالیه گیلان، از طرف هیات اتحاد اسلام، احضار و چند روزی است که در جنگل متوقفند. قشون روس، همه روزه وارد و به طرف روسیه حرکت می کنند. ولی از روسیه قشونی وارد نمی شود. اهالی متوحش هستند که میاد و قایم سایر ولایات، در اینجا تجدید شود. بعضی از کسبه، دکاکین خود را خالی کرده اند. از طرف نظمی، فروش مشروبات، نه شور سختی ممنوع و حتی انبارهای مشروب را مهروموم کرده اند.

اخباراتی که در حرالد مرکزی درج شد که آقای امیر عشایر اداره مالیه و قشونی را متصرف و اختطاری به نظمی کرده، یکلی بی اصل است.

منات روس، به واسطه حرکت قشون، تا شش عباسی ترقی کرده و مجدداً آتش زل نمود. (۶۲)

[سند شماره ۱۶]

[گزارش رشت]

رشت: بی دربی قشون روس، وارد، تمام کاروانسراها و خانها را اشغال کرده و عده آنها، بالغ بر پانزده هزار نفر است. به واسطه از دیار قوا، احتمال اعتشاش می رود. چون حقوق نظمی، مدتی است نرسیده، اداره نظمی، قوه جنوگیری ندارد. میر محمد حسین خان رئیس مالیه را، چند روز است به جنگل برده اند.

امیر عشایر، مشغول تصفیه امورات می باشد. قوای جنگلیها، تا شنبه بازار، آمد و رفت می کنند. (۶۳)

[سند شماره ۱۷]

[استعفای کفیل حکومتی]

بعد از امیر عشایر شلخانی به سمت حکومت گیلان آقای معتصم السلطنه - که از طرف وزارت داخله، سمت کفالت امورات اداره حکومتی را هم عهده داشته - از این سمت استعفای خودشان را به مرکز مخابره و بعد از آن، در امورات

حکومتی دخالت نکرده، کماکان مشغول رسیدگی به کارهای کارگزاری می‌باشند. (۶۴)

[سند شماره ۱۸]

رشت: نظمی، به واسطه تأخیر حقوق، تعطیل اداره قشونی، مباحث منصبان خود را توقیف کرده و تقاضای حقوق می‌نمایند. همه روزه شو لبرگ رئیس نظمی و رئیس قشون، جواب تلگرافات خود را از وزارت داخله و جنگ مطالبه نموده، کسب تکلیف می‌کند. (۶۵)

[سند شماره ۱۹]

[گزارش رشت]

بالکونیک فرمانده بریگاد تهران، بایست و دو نفر سالدات وارد غازیان و به روسیه حرکت کرد. شاهزاده محمدتقی میرزا رئیس قشون، تلگرافی به سردار همایون رئیس بریگاد مرکزی مخابره نموده که کمیته اتحاد اسلام، کلیه طلب اداره قشونی را می‌پردازد، به شرط آنکه از رشت خارج شوند. تکلیف چیست؟ رئیس نظمی، اطلاع می‌دهد تستی از آنها که تعطیل کرده بودند - مجدداً مشغول کار شدند و تا اندازه‌ای که ممکن است، جلو گیری از سالدات‌ها می‌شود. میر محمد حسین خان، تاکنون مستخلص نشده است. آقای امیر عشایر، مشغول رسیدگی به امورات است. (۶۶)

[سند شماره ۲۰]

راجع به نظمی جنگل

به موجب اطلاع خصوصی در مقابل تکلیف امیر عشایر و هیات اتحاد اسلام رشت در خصوص مراقبت انتظام آنجا در تحت نظر هیات، نظمی اخیراً تصمیم گرفته که تابع اوامر زمامداران فعلی آن جا بوده و از طرف امیر عشایر و هیات، حقوق عقب افتاده آنها حواله شده و قرار داده اند، بعد هم مرتباً بوجه نظمی آنجا ابرسانند و یکصد نفر سوار هم، برای معاونت نظمی از طرف امیر عشایر، معین شده است. (۶۷)

[سند شماره ۲۱]

رئیس نظمی گیلان

استعفای مسیو شو لبرگ، قبول نشد و تلگرافی به او مخابره شد که چهار هزار تومان برات ارسال شده، مابین اجزای نظمی تقسیم نمایند تا تکلیف قطعی سپس از تشکیل کابینه، معین شود. (۶۸)

[سند شماره ۲۲]

[استعفای رئیس نظمی]

رشت: تلگراف واصله به وزارت داخله، مشعر است که مسیو شو لبرگ با معاونش، بکلی از کار کناره کرده و از طرف هیات

اتحاد اسلام، مستقیماً در امور ذات نظمی دخالت می‌شود. هر شب، عده‌ای از سواره‌های آقای امیر عشایر، در شهر و اطراف برای حفظ انتظام شهر مشغول گردش می‌باشند. (۶۸)

[سند شماره ۱۲۳]

اوضاع گیلان

مخبر مخصوص ما، مورخ دوم ربیع‌الثانی می‌نویسد:

ورود سردار معین

روز جمعه ۲۷ ربیع‌الاول یک ساعت به غروب مانده، آقای سردار معینی، در حالتی که جمعی از اعیان و محترمین و علمای شهر ایشان را استقبال کرده بودند، وارد شهر شده و در منزل شخصی خودشان اقامت و تا روز دوشنبه (۳۰ ربیع‌الاول) تمام طبقات اهالی، دسته دسته به دیدن ایشان رفته، مشغول دید و بازدید بودند. روز شنبه امیر اسعد، بایک عده از همراهان خود به رشت وارد و عده‌ای هم ایشان را استقبال کرده، تا دو روز مشغول دید و بازدید شدند.

حرکت به کسما

روز دوشنبه آقای سردار معین و امیر اسعد، از شهر به کسما برای ملاقات هیات اتحاد اسلام رفته و تا به حال به شهر مراجعت ننموده‌اند. شایعات راجع به ورود آقای سردار معینی، در بین مردم از هر قبیل زیاد است.

اداره نظمی

به واسطه نرسیدن حقوق اداره نظمی و گسیخته شدن رشته انتظام آن اداره و اطاعت نکردن از آنها و نجریشان - که سبب هتک احترامات رئیس تشکیلات ممکن بود فراهم آید - هفته قبل مسیو شولبرگ، رئیس تشکیلات، مستعفی و از کار خارج شده، تلگرافی در این باب به تهران مخابره و از قرار اطلاع واصله، شرحی هم به کارگزاری - که هنوز ایشان را نماینده و سعی دولت می‌شناسند - نوشته، از تصمیم خود، معظم‌له را مطلع می‌سازند. از قرار معلوم، از طرف مقامات رسمی، آقای آقامیرزا ابراهیم خان معاون، به سمت کفالت اداره نظمی برقرار می‌شود و مشغول کار بوده‌اند.

کناره‌گیری

دو روز قبل آقامیرزا ابراهیم خان کفیل اداره نظمی، کناره‌گیری کرده و از کار خارج می‌شود و از طرف هیات اتحاد اسلام، آقامیرزا اسمعیل خان، به سمت ریاست نظمی برقرار شده، نظمی را کاملاً در تحت اختیار و تصرف خود درمی‌آورند. حقوق آنها را هم پرداخته و مشغول کار هستند.

ارسال حقوق نظمی

بعد از کناره‌گیری رئیس تشکیلات و تعیین میرزا اسمعیل خان به سمت ریاست نظمی، یعنی دو روز قبل، از مرکز چهار هزار تومان برای حقوق نظمی از تجارخانه تومانیاتس ارسال گردید. ولی نظر به اینکه رئیس تشکیلات، سابقاً مستعفی و از کارها خارج شده بود، وجه مذکور را قبول ننموده است و آقامیرزا ابراهیم خان معاون هم بامیرزا عطاءالله خان رئیس محاسبات آن اداره، این دو روزه عازم مرکز می‌باشند.

حقوق بریگاد

سه روز قبل مبلغ دو هزار تومان از طرف وزارت جنگ، از بابت حقوق عقب افتاده سربازها و بریگاد رشت ارسال گردید. وجه مذکور دریافت و بین آنها تقسیم شده. ولی باین حالت پریشانی، نمی‌توانند خود را نگاه داشته، بین آنها، بعضی مذاکرات تولید شده است.

معرفی به ادارات

این دو روزه میرزا اسمعیل خان رئیس نظمی، متحدالهایی به ادارات و بعضی مقامات نوشته‌اند و انتخاب خودشان را به سمت ریاست نظمی، از طرف هیات اتحاد اسلام رسماً معرفی کرده‌اند.

مراجعت امین‌مالیه

میر محمدحسین خان امیر مالیه، که چندی قبل به جنگل رفته بود. روز دوشنبه به شهر مراجعت نموده، فعلاً مشغول کار می‌باشند.

قشون روس





قشون روس، همه روزه بی درپی از طرف قزوین وارد می شوند. غالباً اسبهای خودشان و بعضی اسبهای دیگر را - که از قرار معلوم در سایر نقاط به یغماگری تحصیل نموده اند - به مصرف فروش می رسانند و تهیه منات می کنند. به این جهت، قیمت اسب خیلی تنزل کرده و در ده تومان و هشت تومان فروخته می شود. در بازار، دسته های ده پانزده نفری، در دکانین مشغول خرید بعضی اجناس می باشند و نظر به آنکه از طرف کارگزاری و بعضی مقامات، کاملاً در حفظ انتظامات شهر مراقبت می شود، خلاف انتظاری واقع نشده.

راجع به اغتشاش انزلی

نظر به آنکه قشون روس، در انزلی معرض اهالی و کسبه شده و مرتکب پاره ای عملیات بی رویه شده اند و بعضی از دکانین و بازارها هم بسته شده، کارگزاری آنجا، مراتب را به رشت اطلاع داده است. کارگزاری گیلان هم در صدد جلوگیری برآمده، آقای آقامیرزا محمدخان معاون کارگزاری باریس قشون روس در رشت، ژنرال فین کف و قونسولگری، داخل در مذاکرات شده اند و از قراری که شنیده شده است، بالاخره موفقیت حاصل نموده و از اقدامات قشون در انزلی جلوگیری و برای آنیه هم قراردادی شده است که بدون هدمه و خسارت اهالی، قشون به روسیه برود.

فقرای شهر

امروزه می توان امیدوار بود که از توجه عامه خیرخواهان و نوع پرستان و کمک و مساعدت اهالی و کسبه و هیات اتحاد اسلام، فقرای مهاجر کردستان، گروس و خمسه و سایر نقاطی - که به شهر وارد می شوند - وسایل آسایشی و رفاهیت آنها را از هر جهت فراهم و بخوبی زندگانی و معیشتشان فراهم شده است. الحق این عده، خدمت بزرگی که به عالم انسانیت نموده و جان یک ملت بدبخت گرسنه غارت شده را - که زن و مرد و بچه، قریب به هفت هزار نفر می شوند - خریده، از سرما و گر سگی محفوظ داشته اند.

قیمت منات

قیمت منات در این هفته از سیزده شاهی و سیزده شاهی و نیم ترقی نکرده، به همین مطنه مانده است. ولی عقیده بعضی تجار و ارباب اطلاع چنین است که ممکن است تنزل نماید.

عده قشون روس

فعلاً عده قشونی که در شهر مشرف است، قریب به پانزده هزار نفر و از طرف قزوین هم وارد می شوند و بدون آنکه نتوانند مزاحم اهالی شوند، از طرف کارگزاری برای آنها تهیه منات و جامی شود و بجمعا... اهالی گیلان، از محاطرات آنها تا به حال محفوظ مانده اند. (۷۰)



[سند شماره ۲۴]

اوضاع رشت

مخبر مخصوص مأمور بخ ۱۲ جنایدی الاول ۶ حوت می نویسد:

اداره مالیه

مشغول جمع آوری مالیات شده و با نهایت سختی و جدیب، مالیاتهای معوفه را وصول می نماید. از جندی قبل به این طرف، هیچ وقت اداره مالیه، به این ترتیب موفق به وصول مالیات شده و حتی مالیات اشخاصی که از چند سال قبل به این طرف باقی مانده، وصول می شود.

کارگزاری:

چند روز است در شهر منتشر شده که وزارت امور خارجه، در صدد تغییر میرزا محمدخان معاون کارگزاری برآمده و می خواهند دیگری را به جای ایشان منصوب نمایند. این خبر سوء اثر نموده عامه مردم از این اقدام وزارت، نگران هستند و چون میرزا محمدخان، در مدت مأموریت خود، به صحت عمل رفتار کرده، اهالی به خود ایشان مراجعه نموده و صحت و سقم این خبر را استفسار کردند. ایشان اظهار داشتند که من، مطیع اوامر وزارت هستم، با این حال تلگرافاتی از طریق کمیته و تجار و علماء و غیره، به وزارت امور خارجه مخابره و نیز نمایندگان هیات اتحاد اسلام، پاره ای مخابرات نموده، ابقای میرزا محمدخان را تقاضا کرده اند.

اعزام اداره تحقیقات و نماینده مالیه

چند روز قبل از طرف هیات اتحاد اسلام، عیانی به تشکابن اعزام شد که شعبات دو ایر تحقیق را در آنجا دایر نمایند و نیز

نماینده از طرف اداره مایه دمور گردید که تاسیس اداره مایه در تنکابن و اضراف بنمایند. زیرا تاکنون هیچک از ادارات و دو اردوئی در تنکابن تاسیس نگردیده است.

روسها

روسها - کمافی السابیر - از قزوم به رشت وارد و به طرف انزلی و روسیه حرکت می کنند. اغلب اسبابهای خودشان را از قبیل ملبوسات و تختک و اسب، به معرض فروش درمی آورند و در عوض، انبیهی از قبیل سیگار و گالش و پارچه و کفش می خریدند و غالب آنها یوزن زیادی دارند که تبدیل به منات می نمایند. معلوم نیست که از چه راه تحصیل نموده اند.

خبر اغتشاش باکو

چند روز است که در رشت اخبار مرحش، راجع به وضع باکو شایع است و به این مناسبت از حرکت مسافریین به طرف روسیه، جلوگیری شده است.

ارزاق

ارزاق، فوق العاده گران است. این روزها برنج، هم نرفی کرده است. نرخ منات که غلام، به پانزده شاهی رسیده است. (۷۳)

[سند شماره ۲۵]

امور قضایی کیلان

به قراری که از رشت به ما می نویسند، آقای شهیدزاده کفیل امور عدلیه آنجا، در صحت جریان امور عدلیه موافق مقررات قانون، مساعی موثره به عمل آورده، از تاریخ اول حمل محکمه خلاف را که سابقاً در تقسیمه بود - مطابق اصول قوانین موضوعه قضایی، در اداره عدلیه دایر کرده اند. همچنین محاکم تحقیقاتی که از طرف هیات اتحاد اسلام در تمام قطعات کیلان و تنکابن و آستارا و خلخال و طارمات دایر بود - بنا موافقت نظر هیات، تمام آنها را تابع عدلیه مرکزی رشت قرار داده و مطابق قانون، تبدیل به محاکم بدایت و صلحیه نموده اند. (۷۲)

[سند شماره ۲۶]

[آرم شیر و خورشید] وزارت جملله مالیه، اداره مالیه کیلان، نمره ۱۹۶،

پنجشنبه دهم جوزای نیلان نیل [۱۲۹۶]، سواد مراسله مفتش مالیه کیلان به هیات اتحاد اسلام

خدمت جناب ... (۷۳) آقای میرزا کوچک خان، نیراقباله

لزو ما برای استحضار خاطر شریف، تصحیح افزای شود که این بنده، از طرف اولیای دولت عیبه، مامور نفتیش امور مالیه کیلان بوده، حسب انوظیفه باید تمام نواقص - که در گردش چرخ مالیه این ولایت مشاهده می شود - به عرض اولیای محترم دولتی رسانیده و راه اصلاح آن را نیز به عرض برساند.

در مقابل توضیحاتی که از اداره مالیه برای حل عدم وصول یک قسمت از مالیات باره ای بلوکات از قبیل فومن و گسگر و ماسوله و شفت خواسته شده، عت و اعدم امکان اعزام مامور به بلوکات مزبوره و عدم پیشرفت کار از مأموری که فرضا اعزام می شده، بشود ذکر می نمایند. در صورتی که سابقاً مطابق شرحی که از طرف جنابعالی با همراهمان جنابعالی، در جریده ایران منطیعه تهران دفاع شده بود، تصریح شده است که معاهدین مقیمین جنگل، به هیچ وجه مانع وصول مالیات دولت نبوده و نیستند.

فی الحقیقه میرزا این هم انتظاری از طرف جنابعالی و همراهمان جنابعالی، مردم این مملکت نداشته و ندارند و فرضاً تقاضایی هم از اولیای دولت داشته باشند، به هیچ وجه مربوط به عدم وصول مالیات نبوده و نباید راضی به زمین خوردن مالیات بشوند. لهذا نظر به اینکه این بنده، جداً مصمم است که اداره مالیه کیلان را وادار به وصول و یصال مالیات هاده است و تصفیه محاسبات سه ماهه و اخذ بقایا نماید و برای بلوکات مذکوره قرق، مساعدت باغنی و حمینی جنابعالی شرط است.

نظر به وظیفه ای که دارد، از جنابعالی متمنی است در این باب، صمیمانه از بدل مساعدت بنده مضایقه نفرمایند و چنانچه در این باب با نظریات این بنده موافقت فرموده و عتد مساعدت جدی می فرمایند، جواب مفروم بقربانیت و در تمام مأمورینی

که لازم است به محل بلوکات مذکوره فوق اعزام شده و مطابق تعلیماتی که به آنها داده می شود، اقدام به تصفیه محاسبات گذشته و وصول بقایا و وصول مالیات هذه البتہ بکنند. منتظر بشارت جواب فوری است.

(سواد امضاء ۷۴)
۲۴۰.۸۷.۴۶.۱۳

مفتش مالیه گیلان

[سند شماره ۲۷]

[آرم شیر و خورشید] وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه گیلان، نمره ۵۴۰،

مورخ سیزدهم شعبان ۱۳۳۵، سواد مراسله جوابیه هیات اتحاد اسلام، به مفتش مالیه گیلان

مرقومه راجع به تفتیش مالیه این حدود؛ البتہ نیت خالصانه هیات اتحادیه اسلام، بر احدی پوشیده نبوده و همه وقت به عموم، خاطر نشان نموده ایم که مقام اعلائی ملوکانه را مقدس شمرده و اوامر شاهانه را امثال دانسته و داریم. در موضوع وصول و ایصال مالیات و حقوق دولتی، هرگز تعرض نکرده و تاکنون به دیناری از عایدات جاریه رسمی مداخله ننموده ایم. در صورتی که مأمورین، از برای تفتیش مالیه به این حدود بخواهند بروند، البتہ به هر نقطه منظوره می توانید مأموریت مرجوعه خودتان را انجام بدهید.

محل مهر اتحاد اسلام گیلان
سواد مطابق ابا اصل است (امضاء) محمدحسین الحسینی (۷۵)
۲۴۰.۱۵۳.۹.۱۷

[سند شماره ۲۸]

[آرم شیر و خورشید] اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از رشت، به تهران،

نمره تلگراف ۱۲۹، تاریخ اصل ۳، تاریخ وصول ۴ اسد

حضور جناب اجل آقای مصدق السلطنه معاون وزارت جلیله مالیه، دامت شوکتہ، مستدعی است برای اصغای پاره ای عریض مهمه راجع به امور مالیه گیلان، به قدر نیم ساعتی صرف وقت فرموده، به تلگرافخانه تشریف بیاورید. چنانچه به وسیله عرض راپورتها و تلگرافات معموله، تصور رفع محظورات می نمود، حضرت اجل عالی را جسار تا مصدع نمی شد.

مستدعی است سه چهار ساعت قبل از وقت، ساعت تشریف فرمایی را توسط تلگرافخانه اعلام فرمایند تا در موقع حاضر شود.

مفتش مالیه گیلان محمدحسین الحسینی (مهر تلگرافخانه مبارکه تهران)

[در حاشیه آمده است] به عرض می رسد که هر طور امر و مقرر فرمایند، اجرا شود. ۵ اسد ۳۵ مصدق
[در ادامه حاشیه] البتہ تشریف ببرید.

[در ادامه حاشیه] کابینه فوری. تلگراف نمایند روز پنجشنبه دو ساعت به غروب مانده، در تلگرافخانه حاضر باشند. ۷ اسد ۳۵ مصدق. (۷۶)

[سند شماره ۲۹]

[آرم شیر و خورشید] وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه گیلان، نمره ۳۸۵،

مورخ هفتم اسد نیلان ۱۳۳۵، سواد مراسله مفتش مالیه گیلان، به هیات اتحاد اسلام

خدمت هیات محترم اتحاد اسلام، دامت تائیداتهم.

چندی قبل بر حسب تعلیماتی که داشت، توسط جناب... (۷۷) آقای زاکوچک خان، دام اقباله، از آن هیات محترم استفسار

نموده، در صورتی که با وصول و ایصال مالیات دیوانی بلوکات فومن و کسما و گسگر و ماسوله - که چندبیت یک قسمت آن معوق مانده - موافقت داشته باشند.

جواباً مرقوم فرمائید تا اقدامات لازم در این باب به عمل آید. لکن جوابی که از آن هیات محترم در این خصوص زیارت شد، فقط مشعر بر این بود که هیات محترم، مانع تفتیش بنده در امور مالیات آن حدود نمی باشند و ممکن است به آن حدود عزیمت کرده و تفتیشی که مفتضی است، به عمل آورد. ولی جواب صریحی برای مسئله وصول و ایصال مالیات و موافقت هیات محترم، که یگانه وسیله انجام مقصود است - مرقوم نفرموده بودند.

اینک که چند روز است از مقام محترم وزارت جلیله مالیه، تعلیمات، موکده رسیده است که در صورتی که آقایان مجاهدین مضیق جنگل، مطابق اشعارات متواتر خودشان با وصول مالیات و اجرای احکام دولتی مخالف نبوده بلکه موافقت هم دارند، لازم است تا موقع وصول و ایصال مالیات نگذشته، با هیات اتحاد اسلام ملاقات کرده و تحصیلداران، برای وصول مالیات هذه السنه و سنوات ماضیه بگمارید.

لرؤ ما چهار روز قبل مسئله را به توسط آقای آقا سید حجت... که به رشت آمده بودند اشعار داشته و منتظر جواب فوری بود که تاکنون زیارت نشده و لهذا اینک نیز به وسیله این مراسم، مراتب را خاطر نشان آن هیات محترم نموده، متمنی است چنانچه با ترتیب مذکوره فوق موافقت می فرمائید، فوراً جواباً مرقوم فرمائید که عازم آن حدود گردیده و پس از ملاقات و زیارت اعضای هیات محترم، قرار این کار داده شود و عجله نیز برای آن است که سال به اوسط رسیده و موقع وصول و ایصال مالیات، از دست می رود.

امضاء: سواد (۷۸)

۲۴۰.۸۷.۴۶.۱۴

[ستد شماره ۳۰]

آرم شیر و خورشید وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه گیلان، نمره ۸۱۲۶
۱۲ شوال ۱۳۳۵، سواد مراسله جوابیه هیات اتحاد اسلام به مفتش مالیه گیلان

رقیمه نحت نمره ۳۸۵ راجع به وصول مالیات فومنات واصل گردید. سابقاً خاطر نشان شده بود که مانع از وصول مالیات دولت نبوده ایم. مجدداً به وسیله جناب اجل آقای عزت... خان، تقاضای جواب فرموده اید، لرؤ ما تصریح می دهد به هر وسیله که می دانید اقدام در وصول مالیات فرمائید، کسی مزاحم نخواهد بود.

هیات اتحاد اسلام

(این مراسله بدون مهر است.) سواد مطابق با اصل است (امضاء: محمد حسین (۷۹))

۳۴۰.۱۵۳.۹.۱۸

[ستد شماره ۳۱]

آرم شیر و خورشید وزارت مالیه، اعلان اداره مالیه، نمره ۱۵۴۸
چهارشنبه هفدهم اسد [۱۳۳۵]

در این موقع که از طرف مقام منبع وزارت جلیله مالیه، اوامر موکد برای وصول و ایصال سریع مالیات گیلان صادر شده و از طرف هیات محترم اتحاد اسلام و مجاهدین مضیق جنگل نیز، خاطر اداره مالیه کاملاً از مساعدت آنها در وصول و ایصال مالیات مطمئن گردیده.

اداره مالیه گیلان برای بلوکات فومن، شفت، گسگر و ماسوله چند نفر تحصیلدار لایق و کافی و صحیح العمل با اطلاع لازم دارد. به موجب این اعلان، به عموم اشخاص که خود را لایق مشاغل مزبوره دانسته و داوطلب هستند - اخطار می شود که داوطلبان خود را در ضمن مراسله اشعار و به اداره مالیه ارسال کنند تا پس از ملاحظه آن، قرار انتخاب و اعزام ماموزین داده بشود.

مخصوصاً لازم است در درخواست خدمتی که داده می شود سابقه خدمت، معلومات و ترتیب ضمانتی را [که خواهند

[سند شماره ۳۲]

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، دهم سنبله ثیلان نیل ۱۲۹۶

اداره جلیله مایه گیلان

در تعقیب عربیسه نمره ۸۳ عرض می شود، در مدت سه ماه توقف در گرگان و در به مقدار مقدور در تریب مالیات آنجا اقدام و تریب به یک هزار تومان اصلاً و فرغاً مطابق صورت جزوی، که تقدیم شده از مالیات هذّه آنسته وصول و به حواله آن اداره جلیله انخوانا و حکومت پرداختیم و برای اینکه مبلغی از مالیات متنازع فیه هر یک از مباشرین و روسا، پرداخت آن رایه عهده دیگری محول می داشتند، قرار داده که همگی، در یک روز معین به اداره مایه آمده، حضور آژمار کرده و انتظامی در عمل مالیات داده شود.

ضمناً در آن ایام خیر و رود، قاسم را کوچک خان سردار ملی به گرگان رود، منتشر شد. این بنده، به ملاقاتشان مشرف شدم. در موضوع مالیات، مذاکرات بسیار شد. حضوراً اظهار داشتند نازمانی که اولیای محترم امور، با مرام هیات اتحاد اسلامی موافقت نفرمایند و جواب عریض و شکر اقامت عذبه ای، که از طرف هیات به تهران مخابره شده ترسد، عمل مالیات صفحه طوالتش و به حالت معیته باقی خواهد ماند و هیات هم در عمل مالیات، به هیچ وجه مداخله نموده و دیناری در هیچ موقع ما خود نخواهند داشت و بهر حال فرمودند که پس از وصول جواب تلگرافات، همه قسم از طرف هیات در وصول مالیات مساعدت شده و بدون صرف قوه و مخارج فوق العاده، تمام مالیات خمس طوالتش وصول و به خزانه دولت عاید خواهد شد. در خاتمه مذاکرات اظهار داشتند که مامورین مایه رایه رشت مراجعه بدهم و وعده کردند که رئیس تحقیقات گرگان رود، قرار پرداخت حقوق گذشته و مخارج اداری را داده و تکلیف چاکر را معلوم خواهند نمود. پس از حرکت آقای سردار به طرف خلخال، چند روزی هم در بیلاق گرگان رود معطل ماندند و بالاخره برای کسب تکلیف، مجبور شدم به رشت بیایم. استدعا می کنم در طرف امر و تکلیف بنده را معلوم و مطابق صورت جمع و خرجی که تقدیم کرده ام، بقیه طلب چاکر را مقرر فرمائید صندوق مایه رشت بپردازند که رفع آلودگی نموده و قروض خود را ادا نمایم. در خاتمه قضوتاً عرض می نمایم، به عقیده بنده اولیای امور باید از هسجور هیاتی که از عناصر صالحه تشکیل و همگی برای استقلال دولت و حفظ وطن، جان و مال خود را فشان کرده و می کنند، استفاده نموده، از بدل هر قسم مساعدت با مرام و نیات حسنه آنها کوتاهی نفرمایند و وجود چندین هزار نفر قشون منظم مسلح فدایی، که بدون دیناری تحمیل به مایه مملکت، خود را وقف ترقی و تعالی دولت کرده اند، معتمد شمرده، خدمات عمده به آنجا رجوع نموده او ضمناً مالیات گیلان را بدون زحمت وصول نمایند.

سواد مطابق با اصل است (امضاء امجد حسین ۸۱)

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، نمره ۳۳۳۳، ۲۴ سنبله ثیلان نیل ۱۳۳۵، ۱۲۹۶] رشت

مقام منبع وزارت جنبه مایه (کابینه)

میرزا علی اصغر خان، مدیر مایه طوالتش، چند روز قبل از محل اقامت خود، که قصه گرگان رود است، حرکت کرده و وارد رشت شد. در مقابل توضیحاتی که در خصوص علت حرکت، از مشارایه خوانسته شده، راپورتی را که سواد آن، تلواً تقدیم می شود، داده است.

این بنده، در این باب با هیات محترم اتحاد اسلام، داخل مذاکرات شده و نتیجه رایه عرض خواهد رسانید. فعلاً بدون آنکه در این ماده بخصوص یعنی امر مالیات طوالتش بر حسب راپورت فدوی اقداماتی فرمائید، مستدعی است چنانچه در راپورت میرزا علی اصغر خان ذکر شده، خاطر محترم هیات دولت را اساساً به تقاضای هیات اتحاد اسلام متوجه فرموده و فراراسامی برای تمناهای آنها داده شود و ضمناً مالیات هم مرتباً وصول و ایصال گردد.

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، نمره ۳۰، ۸۴۳۸، سرطان ۱۲۹۷ [۱۲]

مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در تکمیل راپورت نمره ۱۴۱۸ راجع به عملیات اخیر هیات اتحاد اسلام، معروض می دارد:

از زمانی که بلوکات فومن و شفت و گسگر و ماسوله در تحت اشغال هیات درآمده و نمایندگان مالیه، از آن حدود خارج گردیده و چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، امکان اعزام مأمور به آن نقاط نبود و غالب مالیات سنتین لوی نیل و نیلان نیل بلوکات مزبوره در محل باقی بود، تا آنکه پس از مداخله هیات در امور مالیه، شعبه مخصوص برای وصول مالیات آن حدود تاسیس نموده و میرزا محمد خان مدیر مالیه انزلی برای ریاست آن صفحات اعزام داشت و مرکز شعبه مزبوره، در فصبه صومعه سراسر فرار گردیده بود.

شعبه مزبوره تقریباً از هفتم برج دلو نیلان نیل [۱۲۹۶] تاسیس گردیده بود و در این مدت، تقریباً سه هزار و هشتصد و چهل تومان از مالیات سنتین آنجا وصول شده و چون موقع محصول نبود، قسمت عمده مالیات به موقع محصول هاده السنه موکول گردیده بود.

در این محل شروع به ممیزی مستغلات بلوکات مزبور گردیده و تقریباً هر طور بود ممیزی مستغلات آن حدود، قریب به اتمام است. بعلاوه امور ذیابج بلوکات مزبوره نیز، در تحت تنظیم آمده و نسبت بر عایدات سابقه آن، افزوده گردید، و از همه حیت امور مالیه، انجا، رو به اصلاح گذارده و پس از دو سال بلا تکلیفی، در جاده و جریان طبیعی افتاده بود.

تا آنکه واقعه منجیل پیش آمده و نماینده مالیه، مجبوراً به شهر معاودت کرده است. در این موقع بکلی راه بلوکات مزبوره، مسدود و کارکنان هیات اتحاد اسلام [ناخوانا] گذارند احدی به آن حدود رفته و بیاره شهر نیاید. عجاتاً امور مالیه بلوکات مزبوره، به حال دو سال قبل است.

امین مالیه گیلان محمد صادق زاده (اعضاء) (۸۳)

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، نمره ۱۵، ۸۸۷۳، سنبله ۱۲۹۷، رشت.

مقام منبع وزارت جلیله مالیه، دامت شوکته

از روز شروع انقلاب تاکنون که یک ماه و نیم می گذرد، در هر مرتبه که اطلاع حاصل کرده است، وسایل حرکت پست دولتی فراهم گردیده، از تقدیم راپورت های مقتضی - که متضمن مطالب مهمه راجع به امور اداره مالیه بوده است - مضایقه نکرده، به علاوه تلگرافاتی هم عرض که متأسفانه به جواب هیچ یک تاکنون نایل نگرد.

اینک هم در تعقیب تمام راپورت های قبل، ادای وظیفه می نماید و خاطر مبارک را از و مأمستحضر می سازد که چون قراردادی بین قوای نظامی دولت فخریمه و کمیته محترم اتحاد اسلام بسته شده و به موجب آن قرارداد، تعرضات از طرفین متروک و عجاتاً اطمینانی حاصل است که بعدها دیگر بدانی حاصل نمی شود. این است که اغلب نمایندگان و کارکنان کمیته محترم اتحاد اسلام، به طور آزادانه قسمتی به شهر مراجعت کرده اند. کمیته محترم اتحاد اسلام هم به نام استقلال و استقرار مملکت در همان بلوک فومن متوقف و تصمیمات خود را راجع به اصلاحات و از دیاد عایدات مملکت جداً مشغول تعقیب شده اند. عجاتاً اول قدمی که برداشته اند راجع به تشکیلات مالیه و نسخ ترتیبات گذشته و آن مالیات سابقه می باشد. چنانچه جناب آقای میرزا رضاخان افشار را، که چندی است داخل این جمعیت و مخصوصاً یک عضو عامله در این گفتگو و اصلاحات بوده اند، دیر روز که سه شنبه (۱۱) برج جاری بود به اداره مالیه ورود و به موجب حکمی که از کمیته اتحاد اسلام خطاب به خود معزی الیه صادر [شده بود] قرائت گردیده، به سمت مدیری و پیشکاری کلی دوایر مالیه انتخاب کرده اند.

اجمالاً اینکه گمان می کند کار گزاران وزارت جلیله، علماً و عملاً معرفت کامل در حق ایشان داشته باشند. زیرا احکامی

که از خراشه و وزارت مالیه در زمان تصدی خدمت خود در دست دارند، سوادش را مخصوصاً بلده برداشته و لفاً تقدیم می‌دارد، سنوم می‌شود در زمان کفالت مرحوم منتخب الذولنه چندی در محاسبات کل جزانه و بعد در اداره صدور حوالجات عضویت داشته‌اند و پس از آن هم به امر وزارت جلیله مالیه، مأمور رسیدگی به محاسبات وزارت داخله منصوب که مدتی هم به این مأموریت اشتغال داشته‌اند.

در هر صورت از ساعت ورود، مطابق تعلیمات کمره اتحاد اسلام، مشغول رسیدگی به محاسبات گذشته اداره مالیه و شعبات و نیز اداره تحدید شده‌اند و نظریات سابق هیات اتحاد اسلام راجع به ترمیم مالیه برای اخذ یک عنصرین جنس به عنوان مالیات، یعنی آنچه در سهمی شخص مالک تعلق می‌گیرد، جداً تعقیب و مشغول تهیه مقدمات و فراهم کردن اوراق و منزومات کار شده‌اند.

نیت در این موقع و با قوای موجوده، که مخصوص اجرای این عملیات تهیه نموده‌اند، به تمام بلوکات مأموریت، اجزاء، عوام خوب، همد نمود، گمان نمی‌کنند از طرف مالکین اظهار عدم مساعدتی بروز نماید و چنانچه عده‌ای مخالف و بر علیه این عملیات قیام نمایند، محقق است که زحمتی از برای خود زیاد و بلکه این مخالفت، نتیجه عقاید فکریه آنها را به خوبی ثابت می‌کند که هر وقت از طرف دولت تصمیمی برای ازدیاد عایدات یا اضافات اتخاذ شده، در عدم پیشرفت آن، عده‌ای به مخالفت قیام کرده و متمرد قلم رفته‌اند.

بنابراین ملا حفقات فوق، به قسمی که اظهار می‌دارند، به امین اجزاء (ناخوانا) عملیات و پس از آن که شروع به اخذ عشر شده‌اند، در هر برج جمعاً فرجاً صورتی از محاسبات تقدیم وزارت جلیله مالیه خواهند کرد. حال مقتضی آن است که کار گزار وزارت جلیله مالیه در زمینه این کار، کاملاً غور و دقت نظری فرمایند و یا مقتضیات موجوده، که آمال و مصالح مسلکتی را مقتضی خواهد بود، و صریحاً... و سریعاً تعیین تکلیف فرمایند.

این راپورت، فقط برای کسب تکلیف و ادای وظیفه و رفع مسئولیت عرض شده که اگر تعلیماتی در نظر دارند، فوراً اعلام فرمایند.

امر، امر مبارک (امضاء)

[در حاشیه، آمده است] در نظر است که عضوین پیشکار مالیه تعیین و روانه شود، در این صورت فعلاً اقدامی ندارد، ضبط شود. (امضاء) (۸۴)



[سند شماره ۳۵]
مرکز تحقیقات کمپویر علوم اسلامی

از انزلی

مدتی بود که در منطقه نفوذ از طرف جنگلیها قدغن شده بود که قند استعمال نکنند. تقریباً از لنگرود تا لاهیجان الی خلخال به ترتیب مجری می‌شد. ولی انزلی به عادت سابق از استعمال قند و جای کوناهی نمی‌کردند تا اینکه قدری از حیث برنج در مصیغه واقع شدند و بیم می‌رفت که شاید از دهات برنج وارد نشود، تا دو روز قبل از طرف جنگلیها، دوستانه بستن قهوه خانه‌ها احضار شده بود. دو روز است که اغلب دکاکین و قهوه خانه‌ها بسته شده و عده‌ای هم که باز است، یا کشمش چای می‌دهند. سانداتنها به واسطه فدمین خرید قند از کبر و آنکه ۱۵ و ۱۰ به ۶ منات تنزل داده‌اند و کسی نمی‌خورد، منات حالیه ۶ شاهی است. (۸۵)

[سند شماره ۳۶]

[قدغن فروش چای و قند روس]

از انزلی

... ۱۶۱ دیروز مجدداً قدغن سخت در فروش چای شده است. چه که قهوه چیان جای رایا کشمش می‌بردند، ولی مخفیانه قند هم می‌دادند. (۸۶)

[مصادره املاک]

اخیراً حکمی از طرف اتحاد اسلام و جنگیها به تمام نقاطی که شعبه دارد، انتشار داده شده که کلیه املاک متعلق به هر کسی بوده باشد، توقیف و محصول آن را ضبط نمایند. به فرار تلگرافی که در روز قبل رسیده، املاک اغلب از رجال و ملاکین تهران را توقیف کرده اند. (۸۷)

[توقیف املاک]

جنگیها، به واسطه زیاد شدن قوا و کمی وجه، مقداری املاک اهالی تهران را توقیف کرده و تقاضای وجه برای مصادره خود نموده اند. (۸۸)

[از رشت]

مجنر مخصوصین ماه، مورخ چهارم قوس (برآمد صفر از رشت می نویسد: اوضاع رشت به واسطه نبودن حکومت، رضایت بخش نیست، ارزاق فوق العاده گران، نان یک من ساه یک تومان، برنج صدری که هر باز عیارش از بیست من شاه می باشد، بیست و دو تومان و چنای و برنج خوراکی سیزده الی چهارده تومان، فقرای زیادی از اطراف خمسه و خلخال به رشت آمده و با یک حالت فلاکتی در گوشه بقعه ها زیست می نمایند. بر حسب نصوب و تصمیم هیات مقدس اتحاد اسلام، فقرارادر میان اعیان تقسیم نموده اند که در مدت پنج ماه متکفل مخارج آنها از شام و نهار و لباس و غیره باشند. آنها هم هر یک به میل خودشان عده ای را قبول و به دهات های خودشان روانه نمودند.

قشون روس هم، در شهر متوقف و معترض احدی نیستند. از تحت کما متور علوم سردی هیات اتحاد اسلام مشغول تربید عده خودشان می باشند، برای تنظیم عده شان دو نفر از صاحب منصبان نفعیه نصرت اند. خان نایب اول و علی اکبر خان نایب دوم به جنگل رفته اند و هیات اتحاد اسلام خیال دارند که از مالکین و اعیان پولی بگیرند. اهالی هم اجتماع نموده و گویا تلگرافی هم مخابره نموده باشند. (۸۹)

گیلان

مجنر ماهورخ ۲۳ صفر از رشت می نویسد: (۹۰) این چندروزه مقدار زیادی قشون وارد رشت شده و به روسیه رفته اند. ما مورخین جنگیها هم، در تمام قرا و قصبات اطراف پراکنده و صورت محصول را برمی دارند و از رعایا التزام می گیرند که ابتدا برنج به مالکین خود ندهند و خودشان متدرجاً مشغول وصول پول و برنج می باشند. آنچه معلوم است، گویا تا دو سه روز دیگر تکلیف قطعی معین شود. (۹۰)

مساعدت

مامورین جنگل، از هر قوطی برنج یک تومان دریافت داشته و به این واسطه اهالی، از دادن مالیات امتناع ورزیده اند. دولت

به صاحبان املاک که در تهران هستند، مراجعه و از آنها تقاضا کرده است که به واسطه بی پولی خزانه، مطالبات خودشان را بپردازند. عجالتاً بعضی از آقایان از قبیل منیرالدوله و مومن الملک و چند نفر دیگر با دولت مساعدت کرده و مالیات خود را پرداخته‌اند. سایر ملاکین، هنوز اقدامی ننموده‌اند. (۹۱)

[سند شماره ۴۲]

حمل برج

رشته رابورت و اصله، شعر است که هیأت اتحاد اسلام، معادل دو بیست خرواز برج برای غنّه اهالی تهران تخصیص داده، و سبیل حمل و نقل آن را هم خودشان عهده دار شده که زودتر حمل گردد. (۹۲)

[سند شماره ۴۳]

برنج

رشته کارگزاری از کسما تلگرافات می‌کند: برای حمل برنج اقدامات به عمل آمده، دو هزار قوطی برنج از طرف اتحاد اسلام، مجانی برای فقرای تهران تخصیص داده شده بود، به توسط حاجی قوام انتحار حمل و برنج خریداری شده نیز به توسط رضازاده ارسال تهران شده است. (۹۳)

[سند شماره ۴۴]

برای تقسیم برنج

مقداری از برنجی که از طرف هیأت اتحاد اسلام به نظارت آقای وزیر فواید عامه تخصیص و حمل شده بود، از دو روز قبل به مرکز رسیده و متدرجاً وارد می‌شود. از طرف آقای وزیر داخله اشخاص طرف اعتمادی برای تحویل گرفتن انتخاب شده و نیز کمیسیون کار و وزارتخانه مزبور، متعقد گردید. (۹۴)

[سند شماره ۴۵]

[گزارش رشت]

از رشت ۱۱ شعبان به مامی نویسنده:
دو روز قبل از طرف بندیه اعلانی بدین مضمون در شهر رشت منتشر گردید.
اشخاصی که مایل به تعمیرات ابنیه‌های باشند، باید قبلاً به اداره بلدیه اطلاع بدهند، پس از آن بلیط و حوازی گرفته مشغول شوند. کسانی که ابنیه جدید می‌خواهند بنامینند، باید یک هفته قبل به بلدیه اطلاع دهند تا معمار بلدیه مشغول ندارد. نقشه ابنیه مزبور گرفته، صاحبخانه با طرحریری معمار می‌مزور باید عمل نماید. پس از اتمام ابنیه، تومانی دو بیست دینار به بلدیه بپردازد و اگر در بیچه و پنجره خواست به طرف کوجه باز کند، به هر پنجره و در بیچه یک تومان و برای دروازه خانه دو تومان باید به اداره بندیه تقدیم دارد. در صورت تخلف، صاحبخانه مسئول و در مقابل دریافت خواهد شد. یک هفته قبل عده ای از قفقاز به رشت وارد و مشغول دزدی و آتش زدن دکاکین و خانه‌ها شدند. به محض اطلاع، نظمیه در کمال فعالیت مشغول حفظ انتظام گردید و از طرف کفیل حکومت معین کار گزار، شهر نظامی شد. چهار از سب گذشته بدون بلیط نظمیه هر کس و هر که باشد توقف و اگر مستحقین شهر، از چهار به آن طرف کسی را دیدند، بدون ملاحظه او را گرفتار و در صورت تخلف مامورین، حق زدن عابر را دارند. نقداً شهر در کمال امنیت است.

چون از طرف بندیه حمل برنج به خارج قدغن گردیده، برنج مولایی دو من و نیم تریز، که یک من سنگ اویاری باشد ۱۲۰۰ فران است و روز به روز در تنزل است. در پل عراق قریب دو هزار و پانصد نفر از فقرا را نگهداری کرده، همه روزه نقری یک چارک برنج از طرف هیات اتحاد اسلام، داده می شود و نهایت توجه را می نمایند. حین و صد حیف که شهر به این معموری به بین آبادی و با این کثرت جمعیت اداره حفظ الصحه ندارند و یک نفر ضیب از طرف دولت مامور امور صحیه این مملکت نیست. حصیه بیاد کرده روزی چهل اتی پنجاه نفر از این مرض تلف می شود. شهر کثیف و بوی عفونت ماهی و غیره و گندابها، فضا را گرفته همه روزه مردمان بیچاره گرفتار امراض می گردند. خوب است حساب دولت به فکر رعایای گیلان هم باشند.

صاحب منصبان عثمسی که چندی قبل به عزم جنگل و دیدن جنگلیها به رشت آمده اند، نقداً محترم مانده در آتشگاه یک فرسجی شهر رشت متوقف می باشند. از طرف هیات مهماندار بهیه و نذارک گردیده و یک عده از صاحب مفسان ازان هم از جنگلیان، مستحفظ اشان می باشند.

(برائوف) می خواهد با عده موجوده در قزوین یک مرتبه به طرف روسیه حرکت کند. جنگلیان از این اقدام جلو گیری کرده و نمی گذارند. می گویند برای حفظ امنیت باید متدرجاً بیاید و بروند. باز اطف اطمینان ندارند و در قزوین مانده و از جنگل هم همه روزه سوار و پیاده نظام به منجیل و راههای بین رشت و منجیل می نروستند. ویر تعداد قوای می فرایند و پشت به پشت منظم و در سنگرهای خود مرتباً مشغول کشیک می باشند و در خود رشت هم عده کافی موجود و حاضر به رکاب از نظام و مجاهد هستند. (۹۵)

[اسناد شماره ۴۶]

جمع آوری اعانه

از رشت خبر می دهند که چندی است از طرف جنگلیها، به عموم مالکین کل اخطار شده که آنچه برنج موجودی دارند، از فراز هر فوطی - که عبارت از چهار من شاه است - یک تومان اخذ شود و عجاناً مشغول جمع آوری هستند. مسبو خاریلانوس - که شهیندر عثمانی بود - دارفانی را وداع کرده تعش او را با کمال حلال و شکوه به کلیسای یونانی برده در نضیع جنازه قونسول فرانسه و انگلیس حاضر بودند.

شجاع الدوله که از طرف جنگل مامور حکومت لشکری و دست - مشهور در تق و شتی امور و بر حسب اشاره جنگلیها، دو روز است که مجلس تحقیقاتی به عضویت دو نفر مأمورین جنگل و یک نفر از علمای لشکری در اداره حکومتی تشکیل و به امور عارضین رسیدگی می نمایند. از موضوع اخذ اعانه که در لاهیجان مشغول وصول هستند - هنوز اطلاعی برسیده، از قرار معلوم ثابته حال در لاهیجان سی هزار تومان اعانه جمع شده است. (۹۶)

[اسناد شماره ۴۷]

حرکت به طرف خلخال

تلگرافات داخله، مورخ ۲۳ و ۲۴ سنبله، ۲۷ ذی قعدة

شغارود

به حمد... امنیت حاصل است. دیروز سرزاکوچک خان وارد شغارود و به سمت خلخال حرکت نمود. چند نفر نماینده از طرف ایشان در بازار چهارشنبه، مجلس تشکیل داده به امور اهالی رسیدگی می نمایند. (۹۷)

[اسناد شماره ۴۸]

سواد خطابه آقای آقامیرزا کوچک خان در خلخال

در این چند روز که این فدایی وطن، وارد خلخال گردیده ام، حسن استقبال و بروز احساسات صمیمانه اهالی محترم این



ولایت از هر جهت این فدائیان را امیدوار ساخته و یک آتیه درخشانی را در نظرم مجسم نموده است. لهذا لازم و وظیفه خود می دانم در این مجمع عالی تشکرات قلبیه خودم رایه محضر آقایان حاضرین و عموم اهالی محترم تقدیم بدارم.

و بعد از و مآرض کنیم البته تا یک درجه حاضر شریف حضار از اوضاع دوازده ساله مملکت بلا آمده ایران، مستحضر است که تا چه درجه امورات مملکت دچار هرج و مرج شده و چگونه به واسطه اختلاف و نفاق داخلی اجانب از هر طرف به وطن عزیز ما حمله ور گردیده و حقوق ملی و استقلال شش هزار ساله ما را دچار لطمات نمودند.

همین طور در سوء اثر اختلافات داخلی و نفاق برادران ایرانی بود که اهالی مملکت به جان هم افتاده به عنوانات مختلف، به تحریک یکدیگر کوشیدند و ایران را به این حال هلاکت بدبختی انداختند. اجانب استفاده از موقع کرده و اتصالاً دامن آتش افروخته، تا کار به جایی منجر گردیده که دولت ما را دچار ضعف و اتکسار نمودند. به اندازه ای که حتی از تأمین داخله عاجز گردیدند. اشخاصی که در این چند سال برای حفظ استقلال و اصلاحات مملکتی قیام کردند، بالینکه می دانستند چاره درد ایران فقط اتحاد و اتفاق است و لا غیر، معیذان کردند و تا به واسطه موانع موجوده می دانستند.

ولی هیات مقدس اتحاد اسلام - که از دو سال و نیم قبل امر گیلان تشکیل یافته - مانند یک نفر حکیم حاذق تشخیص داده است که برای مرض مملکت ایران، علاجی جز اتحاد و اتفاق عموم عناصر ایرانی متصور نیست.

امنیت و انتظام داخلی و حفظ استقلال وطن میسر نگردد، مگر با فراهم ساختن یک رسته اتحاد و اتفاق صحیحانه در میان ملت ایران اعم از عشایر و شهری و غیره، مدتی این مقصود مقدس به واسطه موانع و محظوراتی که از طرف اجانب اتخاذ می شد، در بوته اجمال باقی بود و از حدود گیلان تجاوز نمی کرد. از آن روزی که به حمد... موانع خارجی مرتفع گردید، هیات مقدس اتحاد اسلام، با جدیت تمام داخل عملیات گردیده و با صدای رسا این ندای حیات بخش رایه گویی دور و نزدیک رسانیدند. از ایلات و عشایر نامی ایران، اشخاصی که این دعوت را از اول اجابت نمودند، حضرت مستطاب اجل آقای امیر عشایر حکمران و حضرتین آقایان رشید الممالک و سالار خاقان بودند. اکنون هم که در فضا خلیخال شریف دارند و در نتیجه مذاکرات دو سه روزه همه گونه اظهار موافقت با مرام هیات مقدس کرده و دوا بر هیات خلیخال و تشکیل دوا بر قانونی و رفاه عموم نادرجه آخر خودشان را حاضر و میافرموده و دقیقه ای از نکات همراهی فرو نگذاشته اند.

این فدایی وطن، این صمیمت و نیت پاک خوانین عظام خاصه حضرت حکمران جلیل را تقدیر کرده و چنان می دانم عموم اهالی محترم خلیخال این حسن نیت و عقیده خالصانه ایشان را همه گونه شایان تشکر و تقدیر دانسته و به حوصله... تعالی جبران خیرای های گذشته و اصلاح معایب حاضره را از ایشان منتظر باشند.

چون فعلاً در این نقطه از طرف دولت غلبه، عدلیه قانونی موجود نیست، بر حسب تصویب هیات مقدس اتحاد اسلام و اراده حضرت حکمران جلیل، مقررات مجلس صحنیه در قصبه برای رسیدگی و احقاق حق مطالب و عرایض حقوق و جنفایی تشکیل شود که عیناً بنا بر عذر قانونی باشد. دو نفر نماینده از طرف هیات مقدس اتحاد اسلام در آنجا حراست بود و آنرا اعضا و یک نفر منشی هم از اشخاص صالح و قابل قضیه انتخاب می شود که تشکیل صلحیه را بدهند. برای اجرای احکام صادره از مجلس صحنیه حضرت حکمران جلیل، یک نفر مدیری را که جلب رضایت خواطر عموم را بکنند، معین خواهند نمود که از هر جهت به حدود قانونی محدود و فقط مجری احکام صادره در صلحیه باشد. برای جلوگیری از بی نظمی و حفظ امنیت و آسایش عمومی نیز پنجاه نفر سوار امنیه مستخدم گردید که حقوق خودشان را ماه به ماه از اداره گرفته و مسئول حفظ انتظام شوند.

راجع به حال داخله خلیخال امروزه همین دو قمره تشکیل از طرف هیات مقدس اتحاد اسلام و حکومت جلیله، امیدواریم بسیار مفید و عیناً مایه آسایش و رفاهیت عمومی بشود.

اداره بلدی و غیره هم انشاء... تعالی با اهتمام حکومت جلیله و تصویب هیات مقدس بتدریج تشکیل و در نتیجه این پیشامد، ولایت خلیخال دارای تاسیسات خیریه از قبیل مریضخانه و مدرسه و غیره شود. همچنین به تصویب هیات مقدس اتحاد اسلام گیلان، در قصبه خلیخال هیات اتحاد اسلام تشکیل گردیده و اعضای محترم آن مدتی خواهند بود و عمق ادارات و اهالی باید از امروز هیات محترم اتحاد خلیخال رایه رسمیت بستانند. (۹۸)

[سند شماره ۴۹]

[تلگراف امیر عشایر از خلیخال]

تلگراف خصوصی، میانج، ستاره ایران، هیات وزراء عظام.

در شماره ۴۹ ستاره ایران در تحت عنوان مطبوعات خارجه مسئله استقراض داخلی دولت برای تادیه قرض سی و دو میلیون منات روس برای نعامی طلبان نجات ایران جانب نظر دقت و بر هر فرد ایرانی متحنم است، موقع را مختتم شمرده برای استخلاص وطن خود از بربر بار شرابط کمزشکن این قرضی بذل همه گونه فداکاری و مجاهدت نماید. این فذایی با همه پیشانی اوضاع و ولایت در موافقت تمام خوانین و سایر اهالی خلخال، که یکی از ولایات متحده هیات اتحاد اسلام گیلان است، با کمال صمیمیت حاضریم یک کر و راز منات کاغذی از استقراض دولت مساعدت نماییم. مساعدت سایر ولایات متحده را هم کاملاً تعهد می‌کنیم.

البته دولت دموکراسی روس به ملاحظه صرفه اقتصادی خود و ابراز مساعدت عملی با ایران - که همیشه فرولامدعی آن است - در قبول طلب منات کاغذی خود مشکل تراشی نکرده و همراهی خواهند نمود. برای تادیه این قرض موقعی بهتر از این نخواهد بود و ملت ایران با رغبت تمام برای این استقراض حاضرند. اگر از طرف دولت روس بذل مساعدت نشود قطع خواهیم کرد که هیچگونه خیال مساعدتی با ایرانیان نداشته و آنچه می‌گویند برای اغفال ایرانیان است.

امیر عشایر (۹۹)

[سند شماره ۱۵۰]

[نطق آقامیرزا کوچک خان]

از خلخال

آقای آقامیرزا کوچک خان روز یازدهم ذی حجه در مجمعی که عده‌ای از تجار و اشراف قصه خلخال حضور داشتند، نطقی دایر بر فریاد مدارس چندبده ابراد و اهالی رابه فانیس مدرسه توغیب ونیس آقای حاجی شیخ محمدحسین رشتنی نیزیانات وافی در این زمینه کرده، فی المجلس قریب ششصد تومان اعانه برای تهیه آتاقه مدرسه از طرف حضار داده شد و خود آقای وفار السلطنه نماینده اتحاد اسلام، مشغول تهیه لوازمات مدرسه هستند. ۱۵ محرم افتتاح خواهد شد و انشاء... اسامی اعانه دهندگان و ترتیبات مدرسه بعدها عرض خواهد شد.

اهالی خلخال بی اندازه از توجهات آقای میرزا کوچک خان سردار اسلام در انتظام و امنیت خلخال و تشکیل دوایر قانونی از عدلیه و بلدییه و نشر معارف و تحصیل آذوقه خوشوقت و موافقت آقای امیر عشایر و سایر خوانین را با هیات اتحاد اسلام تقدیر کرده، در همچو موقع سخنی و قحط و غلا، این پیشامد را فقط نفضلات غیبی می‌دانند. اگر خلخال به حال دو ماه قبل باقی بود، فعلاً روزی دویست نفر از گرسنگی تلف می‌شدند. (۱۰۰)

[سند شماره ۱۵۱]

اوضاع تنکابن

تنکابن: اقدامات محلی به عهده محمدنبی خان است که بایک عده دویست و پنجاه نفری موقوف است. عدلیه مرفعی تشکیل و فعلاً آقا شیخ یحیی قاضی عدلیه است ناز طرف اتحاد اسلام، قاضی معین شود.

آقایانی که همراه آقای سالار قانع به جنگل رفته اند: ضیغم السلطان، معاصد الممالک، شجاع نظام، معز السلطنه، مقبل السلطان، معتضد السلطان، محمد امین خان، مسعود الملک، ظفر السلطان، ابوالقاسم جان آجودان و بیست و پنج نفر سوار است.

بعد از دوازده روز اقامت در کسما بانهایت تجلیل به انزلی مراجعت و به طرف شهسوار حر کت نموده، آقای امیر اسعد در سيار ستاقی متوقف و تکلیف قطعی هنوز معین نشده است. (۱۰۱)

[سند شماره ۱۵۲]

ورود به آستارا

نظر به شکایاتی که اهالی آستارایه هیات اتحادیه جنگل کرده اند، اخیراً همزیر السلطان از طرف آقامیرزا کوچک خان مأمور نظارت دوایر شده و پس از ورود اقداماتی برای تصفیه کلیه ادارات نموده و اداره بلدییه را برای تصفیه قیمت از زانیان تشکیل

[سند شماره ۵۳]

[در آستارا و طوالش]

خبر خصوصی به اداره رسیده است که چندی است نماینده اتحاد اسلام مشغول تصفیه امور است می باشند. و نظر به آنکه بدن دیوان رئیس مائیه بعضی اقدامات بی رویه می نمود و اهالی از تعدیات مشارائیه متشکی بودند. از شغل خود منصرف و از شهر خارج کرده اند. به فرار مسموع ایشان توسط رئیس مائیه اردبیل کسب تکلیف نموده جواب ابلاغ شده فوراً به قزوین حرکت نماید. و آنچه تحقیق شده از طرف مائیه به ریاست اداره مائیات غیر مستقیم اداره قزوین منصوب شده است. و نیز در طوالش زهرت می دهند که اهالی میرزا علی اصغر خان رئیس مائیه راز شهر خارج و گفته اند تائیشهادی که به مائیه داده ایم، تصویب بشود، مائیات نحو اعزام پرداخت. (۱۰۳)

[سند شماره ۵۴]

[اعزام مامور به آستارا]

اطلاعاتی که از رشت داده شده حاکی است که میرزا اسماعیل خان رئیس نظمیه آتجاه از طرف هیات اتحاد اسلام مامور استوار شده و حرکت کرده است. ماموریت مشارائیه برای رسیدگی به امور گمرکی و تنفیذ در اعمال مامورین سابق و لاجن آنها می باشد. (۱۰۴)



[سند شماره ۵۵]

[جنگلی هادر اردبیل]

اردبیل
عده جنگلی ها این اوقات به قدر انکفاف زین داشته است ولی در مریه خودشان حزبی برودت است. از آستارا الهی ننگین مقرر شد. گویا هزار نفر به تنگین اعزام داشته اند که املاک سیهسالار را تصرف نمودند. از فرار مسموع، روس هادر رشت مشغول تخلیه خانه ها هستند. معروف بود که ناده هزار قشون در بزی و رشت وارد کرده و خواهند کرد و احتیاط خواهند گذاشت. نماینده جنگلیها از اردبیل مراجعت نموده و بیک نفر دمورکرت و ادن اردبیل مفتش فرار داده اند. مابنه نجف قلی خان پسر محمد قلی خان آزاری از شاهسون جرو حکومت نسیس و ملگج بوده اند. محمد علی بیگ که عموی محمد قلی خان، باشد آتش جنگ شعله ور گشته و روز به روز بر شدت و حدت خود می افزاید. چند روز قبل جبرائیل بیگ از انصار دسته محمد علی بیگ مقبول شد. پسر او به خونخواهی پدر سر راه آدمهای نجف قلی بیگ را بریده حسن بیگ آزاری را کشتند. از فوج بیگ او ها و حاجی خالوها که ایلات جزء اردبیل هستند. به مدد طرفین بر خواسته از هر طرف دو هزار سوار جمع شده. مشغول فتل و جنال هستند. عیسی بیگ فوج بیگ او خدمت نجف قلی خان محروم شده. از طرفین از بیگ زادگان و ملازمین سی نفر مقتول و چهل نفر محروم است. و جنگ در سرک کوچ نزدیک ساری قمیش موغان واقع گشته. از طرف جنگلیها به حکومت اخطار شده که بشود و خدمتنامه باید موقوف شود. ادوات چهار هزار تومان به حکومت حقوق می دهد. سه هزار تومان جنگلیها خواهند داد که این اعمال زشت خیانت کارانه موقوف شود. حکومت قبول نکرد. گزایی و محنتی روزی روز شدت میکند. نبودن در امانت و آفت زدگی. نمی دانم اوصاف و ادب سال آیه چگونه خواهد کرد. از همه مهمتر همدمسینی حکومت با امین مائیه دزد خان و زبوره حور غارتگر است. ششکجه و ادیت به حدی است که هیچکس مالک هیچ چیز نیست. محنتکری در اسرار احمد ولی بیچاره مالکین ضعیف که بیج خریدار و روده خور و روزه خور و روزه دارند از اسیری عام بدرند. اسرار و فاجای فقیان در ردیف قزاق و مامورین دولت در آمده و به انواع و اقسام مختلف به سربک ملک خود و به فتنهگران خود ظلم و تعددی می کنند. متأسفانه همین اسخاص مامور جمع آوری مائیات

ورود مامورین جنگل به اردبیل

اردبیل: تلگرافی در روز قین رسیده که مامورین هیات اتحاد اسلام، در نزدیکی شهر جنگلی با شاهسونها و فزاقهای ایرانی نموده و به شهر وارد و شروع به تشکیلات کرده اند. (۱۰۶)

ملاقات دوستانه در فومن

زوال رژیم کهنه مستبدانه و تاسیس حکومت جدید روس از عناصر صالح دمکراتی یک فرج و انبساطی در قلوب عموم عائله بشری تولید نمود. حضرات مجاهدین مقیمین فومن که معروف به مجاهدین جنگلی شده اند نیز بعد از انتشار این خیر اظهار فرح نموده و تقریباً ده روز قبل مکتوب تبریکی نابر به نهضت آزادی طلبان روسیه و موفقیت ایشان به انجام مراسم، به کمیته فعال مهاجرین رشت به توسط عزت... خان می نگارد، مکتوب تبریک به وسیله آقای حاجی رستم تاجر باشی - که از اشخاص سلیم انصاف و وکیل کمیته هم می باشد - از نظر کمیته گذشته و با کمال صمیمت از طرف اعضای کمیته تقبی شده و وقایع راه فر مانده کل اردوی گیلان - که در انزلی هستند - راپورت می دهند. از ایشان تعلیمات لازم برای ایجاد و استحکام وسایل دولتی با مجاهدین داده می شود و مقرری می گردد که برای رفع کدورت سابقه - که از شامت حکومت مستبد روس ایجاد شده بود - یک ملاقات دوستانه در فومن بشود.

آقامیرزا کوچک خان رئیس مجاهدین، با کمال خوشوقتی این اقدام کمیته را تلقی نموده، روز شنبه گذشته (۲۷ رجب) برای وقت ملاقات تعیین می شود. بنابراین در روز مزبور آقای حاجی رستم و آقای آلونس بیگ و کینساز جرجادزه صاحب منصب و وکیل کمیته که از طرف رئیس قشون هم وکالت داشته با عزت... خان به سمت فومن حرکت می کنند. به ورود سیستان که آخر پست حضرات مجاهدین است - قریب سی نفر سوار مسلح آقایان واردین را استقبال کرده و به فومن می رساند. در آنجا نیز مراسم استقبال از طرف مجاهدین به نحو محترمانه به عمل آمده، ساگردان مدرسه کسما و فومن - که هر دو از تاسیس مجاهدین است - با بیقریهای قریب صفت آرا این کرده و به سرود ملی مترنم و خطابه های مهیج دیر بر آزادی و اتحاد و اتفاق می خوانند. پس از استراحت کردن مهمانهای محترم، آقامیرزا کوچک خان با سه نفر دیگر در اطاق خلوت با مهمانها شروع به مذاکره می نمایند. گینباز جرجادزه عنوان می کند که من با وکالت اختیارات لازمه از طرف صاحب منصب کل و کمیته آمده ام که خواهر شما را مستحضر دارم که رژیم کهنه روس، که نه فقط آزادی طلبان ایرانی را شکنجه داده و حقوقشان را با اعمال می نموده، بلکه در داخل روسیه، چندین برابر آن مدت روس در فشار و به انواع مظالم گرفتار بودند. این بود که ملت ما با یک بهضت شجاعانه رژیم استبداد را گسیخته و به حقوق خود رسیدند. حالاً که نوای آزادی در روسیه منسوب شده، ما را به اتفاق و دوستی دعوت می نماید و مناسب چنین است که اقدامات گذشته هنرفین در حق یکدیگر حسود و اعماض شده و از امروز به بعد با کمال دوستی با همدیگر رفتار کنیم. شما از امروز آزاد و مختارید در اقامت در این محل و یا حرکت به رشت و یا سایر نقاط ایران و می توانید با کمال آزادی به روسیه هم مسافرت کنید و ابداً آن اقدامات سابقه شما جوی تنقید و ایراد نیست. زیرا که به جهت استقلال و وطن خودتان کوشش می کردید و قول می دهم به شما که بعد از خاتمه جنگ بین العمالی، نظامیان روس کلیه نقاط ایران را تخلیه کرده و به وطن خود مراجعت کنند. آقامیرزا کوچک خان اظهار رضایت و خوشنودی نموده و می گوید که همه اقوال شما را تصدیق می کنم و خوب است که اقدام عملی شده و امتیازاتی را که اخیراً دولت مستبد روس به صور اجبار و بر خلاف میل ملت ایران از دولت ایران گرفته، لغو و باطل شود.

گینباز جرجادزه در جواب می گوید که این امر راجع به دولت ایران است که از دولت روس تقاضا کند و ما قول می دهیم که در آن با مقاصد حقه شما مساعدت کنم.

آقامیرزا کوچک خان این جواب را پذیرفته، با کمال شغف همدیگر را تقبل می نمایند و یک قبضه ماووزر با یک شانه فستق

آقایمرزا که حک خان به گینیا جر جاذزه می دهند. این هدیه به عنوان یادگار مسیحا پذیرفته می شود. ضمناً گینیا جر جاذزه اظهار می دارد که من دوست دارم که در وقت ورود به شهر اطلاع بدهید که عوض این احترام و تجمل که در حق ما منظور داشتید ما نیز با کن قشون نظامی و موزیک شما را استقبال کرده، با احترام وارد رشت نمایم.

پس از اقامت یک شب و پذیرایی کامل، حرکت کرده و قریب به دو پست نفر سوار از مجاهدین ایشان را هشا بهت می نمایند و بعد از گذارتادن از سرحد، رضایت نامه گرفته و برمی گردند.

عصر سعادت (۱۰۷)

[سند شماره ۵۸]

عده روسها در رشت (و مصادر و اموال توسط جنگلیها)

رشت، واپس نی که اخبار رسیده، عده روسها به طور تحقیق بالغ به شش هزار نفر می باشد که در نقاط مختلف در منزل اعیان و رجال و کسبه و غیره سکونت دارند.

واقعه جدیدی رخ نداده است. همه روزه جنگلیها تا نزدیک شهر آمده، محصول بعضی املاک را حمل می نمایند. (۱۰۸)

[سند شماره ۵۹]

تکذیب منازعه

در این چند روزه که اخبار تنگرافی از رشت نمی رسد در مراکز شایع بود که بین اهالی و روسها مصادماتی به وقوع پیوسته و حتی انتشار اخبار اجتراف شهر رشت به توسط نظامیان منتشر بود. لیکن پس از وصول تلگرافات و تحقیقاتی که شده، شایعه مزبور بکلی اصل و جاری از حقیقت است و مصادمه در منجیل و انزلی بین جنگلیها و روسها هم تکذیب می شود. فقط از فرار خیر خصوصی چند روز قبل در انزلی بین دو دسته از نظامیان مختلف المسدک، مساجره و منازعه به عم لامده و بعد عاتنه خاتمه پیدا کرده است. (۱۰۹)

[سند شماره ۶۰]

زفرال انگلیسی

فروین: در هفته گذشته یک نفر زفرال انگلیسی، از همدان وارد و پس از ملاقات با قونسول به طرف رشت حرکت نمود. از فرار معنوم از طرف دولت انگلیس مأمور قفقاز می باشد. (۱۱۰)

[سند شماره ۶۱]

انگلیسیها در ایران

همدان: انگلیسیها با تمامی اتومبیلها به طرف فروین حرکت کردند. فروین: اتصالاً اتومبیل وارد و به سمت شهر رشت حرکت می نمایند. دیروز هم چنین اتومبیل وارد، محمول هر یک سه نفر بوده و اغلب آنها صاحب منصب می باشند.

انزلی: قریب چند روز است که صاحب منصبان انگلیسی، با قور خانه زیادی وارد و مشغول تشکیلات جدید هستند. عده ای از روسها و غیره را داخل تشکیلات کرده اند.

فروین: روسها، نسیهای گازی پستی را از زنجان و بین راه گرفته و می برند. دو پست دولتی در خرمنده بی مال مانده است. به این ترتیب ممکن نیست از خط زنجان و فروین پست حرکت کند. (۱۱۱)

[سند شماره ۶۲]

[ورود و خروج قشون انگلیسی به انزلی]

انزلی ورود و خروج قشون انگلیسی را به طریق ذیل راپورت می دهند:
ساعت هفت بعد از ظهر ۲۸ دی یک نفر ژنرال و ۲۲ صاحب منصب و قریب شصت نفر نابین، یک اتوموبیل جنگی، که دارای یک عراده توپ بود با ۲۴ دستگاه اتوموبیل سواری از رشت وارد و به غازیان رفتند. ژنرال آنها با بعضی صاحب منصبان در اداره لیانازوف منزل نمودند. پس از دو روز توقف بدون هیچ حادثه در ساعت هفت تماماً به طرف رشت رهسپار شدند. چون قصد عزیمت تفلیس را داشتند، کمپته روس با ژنرال ایشان ملاقات کرده بود. سیو ذکر کرد که به سمت روست گمرک بو شهر معین شده بود با آنها حرکت کرد. (۱۱۲)

[سند شماره ۶۳]

[تلگراف هیات اتحاد اسلام]

رشت: تلگراف میسوی از طرف هیات اتحاد اسلام به هیات وزیران مخابره شده که انگلیسیها علاوه بر آنکه شاعرزاده سلیمان میرزا را دستگیر کرده اند، اتصالاً قشون به ایران وارد و چند روزی است که به حدود گیلان نیز قشون آورده اند. چون این مسئله به حینیات مملکت بی طرف ایران یک لعنه بزرگی وارد نموده لازم است که هیات دولت فوراً با اقدامات مربوطه داخل مذاکره شده از این اقدامات حق شکنانه انگلیسیها جلوگیری نماید. چنانچه هیات دولت به فوریت اقدام عاجلی ننماید، هیات اتحاد اسلام اقدامات لازمه برای جلوگیری از تعدیات آنها به عمل خواهد آورد. (۱۱۳)

[سند شماره ۶۴]

[اعلان اتحاد اسلام]

رشت: راپورت واصله مشعر است که دو روز قبل اعلانی از طرف اتحاد اسلام خطاب به نظامیان انگلیسی در شهر منتشر شده که: اگر در ظرف ۲۴ ساعت از شهر خارج نشوید، ناچار از اقدامات خواهیم شد. (۱۱۴)

[سند شماره ۶۵]

[تکذیب شایعات]

وزارت امور خارجه، مخبر ماروز گذشته آقای مشاور الممالک را ملاقات و شایعات راجع به فونسیون و صاحب منصب انگلیسی را در رشت استفسار نمود. جواب داده اند که این شایعات بکنی کذب و چندی قبل که شایع سند فونسیون انگلیسی از خط گیلان به قفقاز حرکت می نماید، هر اسه ای به سفارت انگلیسی ارسال داشته که چون موقع حاصره رشت اتفاقاً ندارد، لازم است اقدامات به عمل آورده که قشون حرکت ننماید. امروز صبح تلگرافی از رشت به من رسید که کلیه اتومبیلها با نظامیان روز قبل به طرف قزوین مراجعت کرده اند. ژنرالی هم که به طرف قفقاز رفته بود، مراجعت نموده است. (۱۱۵)

[سند شماره ۶۶]

[حرکت انگلیسیها]

انزلی: شب اول حوت اتوموبیلهای انگلیسی و صاحب منصافی که آمده بودند، به طرف قزوین حرکت کردند. قزوین نظامیان انگلیسی که در رشت بودند، با اتومبیلها وارد و کاپه به طرف همدان حرکت کردند. (۱۱۶)

[تصرف فراقخانه، توسط جنگلیها]

از رشت به مامی نویسد:

در ۱۱ برج حوث فراقخانه بدون خونریزی به تصرف قوای مجاهدین درآمد و رئیس آنها که یک نفر از روسها بوده - از طرف هیات اتحاد اسلام دستگیر و به جنگل برده شده و تمام فراقخانه آن راه محل اردوگاه ملی حمل نموده. تمام فراقیها حاضر شدند که به راستی خدمت نمایند. فقط دو نفر از آنها اجازه مرحضی به طرف تهران گرفته. فراقیهای رشت، عبارت بودند از دو [ناخوانا] پیاده و پنجاه نفر سواره دارائی اسلحه و توپخانه مکمل. (۱۷۷)

[دستگیری قونسول و رئیس بانک]

رشت: جنگلیها منعاقب دستگیری قونسول و رئیس بانک اساهنهای آرنیس فراقخانه ایران را به عنوان اینکه با انگلیسیها موافقت داشته، دستگیر و به جنگل برده اند.

کلیل کلرزه به جنگل وارد و از طرف هیات اتحاد اسلام، به ریاست ارکان حزب جنگل انتخاب شده است. کارگزاری، در روز است به جنگل رفته که شاید توقیف شدگان را مستخلص سارد وئی ناکون نتیجه به دست نیامده است. کارگزاری، تلگراف می نماید که شایعه تغییر میرزا محمدخان معاون کارگزار، سوء اثر بخشیده، چون مشارالیه شخص جدی و صحیح العمل و سابقه به اوضاع کیلان دارد، لازم است او امر اکیله در ابقای او صادر شود. (۱۷۸)

[مذاکرات با سفارت انگلیس]

در نتیجه مذاکرات وزارت خارجه، وزیر مختار انگلیس شکایت از اقدامات هیات اتحاد اسلام و دستگیری قونسول و رئیس بانک معوده و ضمناً آنها را داشته اند که لحن چرب و بدیعت نیده که روابط در نین ناریک شود و در خصوص امورات معوقه که در موقع بحران یادداشت داده بودند مجدداً از دربار لندن کسب تکلیف شده است.

وزارت خارجه، شرحی به سفارت انگلیس نوشته و در موضوع ورود فئون جدید به سرحدات ایران، اعتراض و تقاضا نموده است فوراً با مقامات مربوط مذاکره و وسایلی عودت آنها را فراهم آورد. (۱۷۹)

[ابلاغیه از طرف سفارت انگلیس]

مورخ ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۶

نیوت منسبه به دست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان افتاده که تجدید عملیات عمال خصم در حدود غربی ایران به جامی رسیده که اوضاع نواخره سنه ۱۹۱۵ در این منسکت تجدید یابد. بنابراین دولت مشارالیه خود را مجبور دیدند برای حفظ منافع اهم خود بعضی اقدامات نظامی به عمل آورند. این تصمیم را به دولت ایران اطلاع داده و ضمناً این سفارت توضیح نموده است که اقدامات مزبور به هیچ وجه بر ضد استقلال ایران و مصونیت ایران نمی باشد. شناختن استقلال و مصونیت، مزبور یکی از نکات اهم سیاست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان می باشد و از این تصمیم حالیه همچو بر نخواهد آمد که در دوستی قدسی انگلستان نسبت به ایران تغییری حاصل شده باشد و دولت انگلیس در میل خود برای ترغیب دوستانه مسائل مختلفه معوقه - به طوری که حافظ مصالح مملکتین بوده باشد - مداومت داشته و برای این منظور، پیشهاداتی به دولت علیه ایران نموده است. (۱۷۰)

تلگراف به هیات اسلام

تلگرافی از طرف آقای رئیس الوزرا به هیات اتحاد اسلام در خصوص دستگیری قونسول ورنیس بانک، مخایره و متذکر شدند که این عمل در این موقع مقتضی نبود و باعث خنثی نمودن اقدامات دولت می باشد. لازم است آنها را مستقل سازند. (۱۳۲)

[سند شماره ۷۷]

[بخشی از نامه سفارت انگلیس در تهران در خصوص توقیف ویس قونسول انگلیس در رشت]

نامه مورخ ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۳۶ ق.، ۲۱ حوت ۱۲۹۶، ۱۲ مارس ۱۹۱۸
 ...از طرف دیگر نخستش در حالت شدت و عثمانیها در نقاط مختلفه غربی آذربایجان وارد شده و جنگیها تقریباً بیابط فیص بین ازلای و بیستخت را قطع و ویس قونسول انگلیس ورنیس شعبه بانک شاهنشاهی را در رشت توقیف کرده اند. در واقع شمال غربی ایران از بحر خزر تا سرحد عثمانی مغشوش و برای عبور و مرور خصم باز است. این اقدامات - که معاینه شمالی را فرا گرفته و روز به روز نیز کسب شدت و وخامت می نماید - پایتخت ایران را دچار مخاطره ساخته است. لهذا اولیای دولت انگلیس برخلاف میل خود در صدد برآمده اند از سرحد عثمانی استعداده کافی به شمال غربی ایران اعزام دارند. توسعه عملیات استعداد مزبور متوط به اثرات و نتایج حاصله از این اقدام و فدرتی است که اولیای دولت سابق به کار خواهند برد. (۱۳۳)

[سند شماره ۷۳]

[بخشی از پاسخ وزارت امور خارجه ایران، به نامه سفارت انگلیس]

به تاریخ پنجم جمادی الثانی ۱۳۳۶ ق.، ۲۷ حوت ۱۲۹۶، ۱۸ مارس ۱۹۱۸
 ...اولیای دولت علیه امدهوار بودند که پس از رجعت قشون روس - که اول دفعه به نفع بی طرفی ایران میدرت کرده بود - می توانند بی طرفی ایران را محفوظ دارند. ولی نظامیان انگلیس برخلاف مواعید مصرحه قطعه اولیای آن دولت دیر به استقلال و بی طرفی ایران، همان تجاوزات و مداخلات را تعویب و اینکه نیز سفارت اعینحضرت پادشاه انگلستان نصیب اعزام قوای جدیدی را به این مملکت اطلاع می دهند.

نظریه اینکه این تجاوزات و تقاضای شناختن قوای مسمی به پلیس جنوب - که در واقع فرای خورجی به شمار می آید - تا ختم جنگ، مصائب چندین ساله ایران را تجدید و استقلال و بی طرفی این مملکت را تهدید می نماید، اولیای دولت ایران به این گونه اقدامات قویاً پروتست نموده، توجه اولیای دولت انگلستان را به نتایج وخیمه این تصمیمات جلب و هم چه زودتر احضار قوای انگلیس را می خواهد.

...اگر مسئله واقعاً ویس قونسول انگلیس ورنیس بانک شاهنشاهی مقیم رشت، اولیای دولت علیه با اظهار تاسف از بروز این واقعه، به این نکته اشهرت برده اند که مسئولیت حقیقی این اتفاق ناگوار را متوجه نظامیان انگلیس می دانند که در خاک، بی طرف ایران نواب سلیمان میرزا و همراهان او را دستگیر نمودند. (۱۳۳)

[سند شماره ۷۴]

بلشویکها

وزیر مختار بلشویکها، یک ساعت به عروب مانده روز گذشته مسیو براون وزیر مختار بلشویکها بر حسب وقتی که قبلاً معین شده بود، به وزارتخانه (خارجیه) حاضر و قریب یک ساعت مشغول مذاکرات بودند. از قریب معلوم موضوع مذاکره حرکت دوستی نفر از بلشویکهاست به طرف تهران.

بلشویکها، ازلی، مجدداً یک عده از ساداتهای بلشویک وارد شده، جمعی هم به طرف رشت و فروین حرکت نموده اند.



چلالمین نام که از افراد بلشو یک هاست، جمعی از نظامیان روس را دور خود جمع کرده اعلانی نیز منتشر نمود که من فرمانده نظامیان روس در ایران می باشم. (۱۲۴)

[سند شماره ۷۵]

ورود قوایه منجیل

یک خبر تلگرافی که از قزوین دو روز قبل به مرکز رسیده حاکی است که اخیراً سی صد نفر از قوای جنگلیها وارد منجیل گردیده، مقصدشان معلوم نیست. (۱۲۵)

[سند شماره ۷۶]

مراسله سفارت انگلیس

از قرار اطلاعاتی که رسیده، متعاقب ارسال یادداشت جوابیه که مفاد آن در ابلاغ وزارت امور خارجه در شماره نوزدهم مامندرج بود - مراسم ای نیز از سفارت انگلیس به وزارت خارجه ارسال شده که استخلاص قوسون خود را در رشت از هیات معظم دولت درخواست نموده اند. (۱۲۶)

[سند شماره ۷۷]

در منجیل

سابقاً خبر ورود یک عده از قوای جنگلیها را به منجیل اطلاع داده، اینک به موجب اطلاع خصوصی عده مزبور، در همان حدود منجیل متوقف و یک عده از آنها اخیراً در بیونک دو منزلی قزوین وارد و توقف نموده، مقصدشان هنوز معلوم نیست. (۱۲۷)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[سند شماره ۷۸]

قوای اتحاد اسلام

از قزوین، ۲۱ حمل
موافق اطلاعاتی که رسیده و سابقاً هم عرض شده، سیصد نفر از قوای اتحاد اسلام فعلاً در منجیل توقف دارند و شهرت دارد که چهار صد نفر هم از رشت حرکت کرده فریباً به آنها ملحق خواهند شد. ولی معلوم نیست که به قزوین خواهند آمد یا نه؟ (۱۲۸)

[سند شماره ۷۹]

[اوضاع قزوین]

از حکومت قزوین روز گذشته راپورتی رسیده که واسطه اقداماتی که شده، عملاً سکونت و آرامش برقرار گردیده، و اوضاع جدیدی رخ نداده و از یاره اقدامات شرارت آمیز فعلاً جلوگیری به عمل آمده، شهر منظم است. رئیس نظمیة هنوز تحت معالجه باقی است. ضمناً لزوم اعزام فوری یک عده قوا و تعیین یک رئیس نظمیة جدی را تقاضا کرده اند. (۱۲۹)



توسعه تسطیح

سابقاً اطلاع داده شده بود که انگلیسیها، در خارج شهر قزوین مشغول تسطیح قطعه زمینی برای محل آبرویلان = هواپیمان گردیده‌اند. اینک اطلاعات موثق تری - که رسیده - خیر مزبور را تأیید و اشعار می‌دارد که بر وسعت اراضی مزبور در حدود سلطان آباد قزوین افزوده و بانهایت عجله مشغول تسطیح آنجا می‌باشند. از قرار مسموع، تا به حال آبرویلان هم به نقطه مزبور وارد شده و مراجعت کرده است. بعلاوه ورود و خروج اتومبیل و نظامیان مداومت پیدا کرده است. (۱۳۰)

[مراسله سفیر شوروی در تهران با وزارت خارجه]

اداره جنیله وزارت امور خارجه

در این اواخر جمعیت فوق العاده‌ای از افراد نظامی روس همه قسم در تهران دیده می‌شود و باز از فراری که مسموع می‌شود، بقیه قشون روس عبارت از قزاقها و صاحب منصبها و ژنرالهای آنها در قزوین معطل شده‌اند و گویا در صدد تکمیل نقشه خصوصی هستند. بنابراین به اطلاع آن وزارت جنیله می‌رساند که توقف آن قشون در خاک ایران و نقشه‌ای که آنها در نظر دارند، ایداً به دولت جمهوری روسیه مربوط نیست. بدیهی است افراد قشون مزبور دستور العملی از مراکز دیگری به غیر از مرکز جمهوری روسیه دارند.

بر اوین: (۱۳۱)

تردید شایعات

دو سه روزه اخیر شایعاتی راجع به مصادمه بین قزاقان روسی - که در قزوین باقی مانده‌اند - با قوایی از طرف جنگنیها در منجیل منتشره گردیده. آنچه در این خصوص از مجاری مستقیم تحقیقات شده، راپورتی که موبداین شایعه بوده باشد، به ادارات مربوطه واصل نگردیده است. قوای دیگری که از قزوین به طرف منجیل عزیمت کرده باشند، تا به حال از طرف قزوین به رشت اعزام نشده‌اند. (۱۳۲)

[عده نظامی در قزوین]

به موجب تحقیقاتی که شده، عده نفرات نظامی انگلیس در قزوین فریب به بانصد نفر می‌باشد که صد نفر از آنها در شهر متوقف و چهار صد نفر در سلطان آباد اردو زده‌اند. لیکن مهمات و لوازم کاملی مندرجا وارد کرده‌اند و همه روزه اتومبیل از خط همدان و کرمانشاه ایاب و ذهاب می‌نمایند. دو دستگاه آبرویلان به سلطان آباد وارد شده و به طوری که از منابع مربوطه به ایشان در قزوین تراوش کرده، گویا بر عده نفرات مجدداً خواهند افزود. طرز رفتار مامورین ایشان نسبت به سابق تغییر کرده و رویه خشونت آمیزی به نظر می‌آید. در ضمن اظهارات ژنید قواو خیال اقداماتی برای تجاوز به طرف منجیل و خط رشت و اتزلی ابراز گردیده که پس از تکمیل استعداد به آن خطوط اعزام دارند. (۱۳۳)



[اسناد شماره ۸۴]

حکمران گیلان

انتخاب آقای سردار کل برای حکومت گیلان اخیراً از تصویب هیات دولت گذشته و برپروزی ابلاغ صلور مخابرات رسمی ایسان به شعبه شمال وزارت جزیبه داخله واصل گردیده که به فوریت صادر و برای امضا تقدیم دارند. برحسب تاکیداتی که شده حکم و تلگرافات لازم فوراً صادر و به مقام ریاست وزرا و وزارت داخله ارسال داشتند که پس از امضا مخابره شود. (۱۳۴)

[اسناد شماره ۸۵]

[حکمران گیلان]

از کارگزاری و کفیل حکومتی گیلان پس از وصول مخابرات رسمی دولت راجع به حکمرانی آقای سردار کل تلگرافی به وزارت داخله مخابره و روز گذشته واصل شده است که ابلاغ تلگرافات رابه و جوه طبقات مختلفه اهالی ابلاغ و عموماً این تصمیم هیات معظم دولت در انتخاب حکمران جدید ساگر و ما حسن قبول تقدیر نموده اند. ضمناً تقاضای عموم و نظریات خود را در تسریع حرکت معری اله متذکر گردیده که بیش از این یک ولایت مهمی بدون حکمران رسمی باقی نمانده و با اعزام ایسان اهالی را مشکر نمایند. (۱۳۵)

[اسناد شماره ۸۶]

حرکت حکمران گیلان

آقای سردار کل حکمران گیلان که پس از انتخاب و رسمیت از طرف صفوف مختلفه گیلان به وسیله مخابرات عدیده تاکید در سرعت عزیمت ایسان به مقامات رسمی می رسیده. وسایل تکمیل مسافرت خود را تهیه نموده و منتظر تکلیف کابینه بوده اند. پس از استقرار آقای صمصام السیطنه فوری اجازه حاصل و پیریشب مغارن غروب با اتومبیل به مرکز حکمرانی خود تفریح نمودند. (۱۳۶)

[اسناد شماره ۸۷]

حکمران گیلان

از آقای سردار کل حکمران گیلان یک فقره ننگراف پس از ورود به مقر حکمرانی به وزارت داخله واصل شده که رابرت ورود و اقدامات خود را در موضوع تسهیل امر ارزاق اشعار داشته و راجع به توسعه و ازدیاد ارزاق و ممانعت از اجتناب وسایلی اتخاذ نموده و نتیجه نیکویی گرفته اند. (۱۳۷)

[اسناد شماره ۸۸]

ورود قشون و مهمات

از فراز اصلاع خصوصی مورخ هشتم برج جاری اجوزاً ایک، عنده ساندات مسلح که چهل و دو نفر بوده یا کشتی هستی وارد لرنلی شده و توقف کرده اند. مورخ نهم یک عنده از سرای از ارامه با مهمات جنگی کثیر و یک عراده توپ و دو متر الیوز با کشتی جنگی وارد ننگرگاه





و مرداب شده‌اند. اگر چه از پیاده شدن این عده اخیر به انزلی اطلاع مستقیمی هنوز داده نشده لیکن از قرار مذکور در خیال پیاده شدن و ورود به ایران بوده و اظهار داشته‌اند که عده دیگری هم بعد وارد خواهند شد.

بلشویکهای رشت از قراری که تحقیق شده جندی است که بلشویکهای مقیم رشت کمیته خود را در آنجا متحل کرده و اغلب آنها مراجعت کرده‌اند. فعلاً تاسیساتی از بلشویکها در آن حدود باقی نیست. (۱۳۸)

[سند شماره ۸۹]

مصادمت در منجیل

قبل از استقرار سانسور مخابرات قزوین اطلاعاتی که رسیده منشر بوده است که پس از حرکت روسهای متوقف در قزوین، که قبلاً به وسیله مذاکرات و قراردادی بین روسای آنان با نمایندگان هیات اتحاد اسلام از منجیل اجازه عبور یافته بودند. دسته ابتدایی در بین رودبار و منجیل توقف کرده و استحکاماتی در آنجا بنامی نمایند. متعاقب آن دسته دیگری از روسها سبزه، به مجرد وصول آن دسته از طرف روسها مبارزت به حمل شده و مصادمه بین آنها و قوای هیات - که در منجیل توقف داشته - شروع گردیده. پس از شروع شدن مصادمه چهارصد نفر نظامیان انگلیس از قزوین فوری حرکت کرده، خود را به منجیل رسانده‌اند. قوای هیات با مشاهده عدم موفقیت خود، مقاومت نکرده و به طرف مجلهای خود در جنگل رفته‌اند. از قرار مذکور نظامیان انگلیس از منجیل گذشته و ایروپلانهای آنها - که از قزوین حرکت کرده‌اند - در همان حدود می‌باشند.

مسافرت و مهاجرت

چند روز قبل از حدوث وقایع قزوین و منجیل، به موجب اطلاعاتی که رسیده بوده کلنل استوکس انگلیسی - که به قزوین مسافرت کرده بود - با اتومبیل به رشت عزیمت نموده و یکی دو روز قبل از تصمیم اعزام قوا، از قزوین، با اتومبیل مراجعت و در قزوین متوقف بوده، دیگر اطلاعی که منی بر حرکت ثانوی ایشان بوده باشد، نرسیده است. (۱۳۹)

[سند شماره ۹۰]

توقف در انزلی - کامپوزر علوم روسی

در شماره دیروز خبر حرکت کلنل استوکس را از قزوین به رشت و مراجعت او را به قزوین اشعار داشته باشیم. اینک اطلاع خصوصی اخیر متحر است که متنازلیه مجدداً به طرف رشت عزیمت نموده و فعلاً در انزلی متوقف می‌باشد.

ورود به رشت

از قرار یک خبر خصوصی که به وسیله تلگراف اخیر استخراش شده، پس از حدوث وقایع مصادمه در منجیل و پینسرف قوای اوباب جمعی ژنرال بیچراکوف، عده‌ای از پیش قراولان آنها به طرف گیلان حرکت کرده و وارد رشت گردیده و به طور غیر مستقیم اطلاع رسیده است که چند نفری در آنجا دستگیر شده‌اند.

ارامنه مسلح در انزلی

سאלدات و ارامنه مسلح که چندی قبل با کشتی جنگی و مهمات وارد انزلی شده‌اند. کماکان در آنجا متوقف و ورود و اقدامات آنها از قرار اطلاعاتی که رسیده مبنی بر مقررات اولیای نظامی انگلیس و صاحب‌منصبان روسی - که تابع دستور انگلیسیها هستند و از چندی قبل شروع به اجرای مقصود نموده‌اند - می‌باشند.

و نیز اعزام قوای انگلیس به زنجان و حرکت ژنرال بازاتف به بغداد و مرکزیت دادن طیاره در سلطان آباد قزوین و اعزام متوالی مهمات در اتومبیل جنگی و غیره از کرماتسهاان به همدان و قزوین، تمام آنها زمینه برای اقدامات اخیر بوده و آنچه که عجالتاً مفهوم شده نقطه نظر انگلیسی‌ها عبور از انزلی و وصول به بادکوبه می‌باشد. و با قوای مسکنه سعی می‌کنند که از نیاط خود را از طریق ایران با قفقاز به محفوظ مستقر دارند و به توسط عمال خود قوای مسکنی را از ارامنه و نظامیان روسی استخدام و تجهیز کرده، مترصد اجرای دستور اولیای نظامی می‌باشند. (۱۴۰)

از رشت

یک خبر خصوصی کتبی که از گیلان رسیده - مشعر است که در موقع تصمیم حرکت قوای هیات اتحاد اسلام از رشت اعلامی منتشر ساخته اند که آن شب را حذی حق بیرون آمدن و عبور و مرور را ندارد. کسبه هم باید بعد از غروب به منازل خود بروند. چنانچه کسی در بیرون دیده شود مورد تهدید خواهد بود. اهالی هم بدون آنکه از علت و مقصد مستحضر باشند آن شب را بیرون ماندن خود نری کرده. نا آنکه در همان شب کلیه قوای مزبور به طرف کسما و فومن از شهر خارج شدند. از تزاری که مذکور شده در موقع حرکت بیشتر اساسیه و مزومات ادارات و خصوصاً اداره نظمی و مالی و رابا خود حمل کرده و برده اند. مقدار زیاد هم برنج و روغن هم با خود از شهر حمل نموده اند.

در این اواخر صورت تقبلی برای نخل و چه معنی بهی به اسم تجار رشت و انزلی صورت داده و در خیابان نخل آن بوده اند. لیکن حوادث و پیش آمد اخیر آن را به عهده تعیین انداخته است.

اخیراً سه دستگاه آبرو پلان انگلیسی به طرف کسما و فومن طران کرده. هور از نتیجه عملیات آنها اطلاعی نرسیده است. در مصادمه رودبار تلفات قوای هیات را بالغ بر صد نفر مذکور می دارند که عده ای از آنها هم دستگیر شده اند. (۱۴۱)

صندوق پست

آقای سی. ی. نماینده اتحاد اسلام

اینکه در جواب ابلاغیه سفارت انگلیس شرح ماوقع را بر حسب آنچه قاصد مخصوصی که از جنگل و از طرف هیات اتحاد اسلام به شما اطلاع داده و می نویسد، ارجح به آنکه از قوی هیات مزبور (۲۵) و رست راه سوسه بین امامزاده هاسم و رستم یاد را اشغال نموده و بین قوای انگلیس جدایی افکنده و از هفتم تا چهاردهم [شعبان] جنگ جریان داشته و تلفات انگلیسیها ۱۵۱ مقتول و زیاده بر این مجروح و ۱۹ نفر اسیر و ۲۶ اتومبیل و تلفات جنگجویان فقط دو تن مقتول و دو تن مجروح صورت داده اند.

دیده شما خود بخوبی می دانید در مقابل ابلاغیه رسمی یک سفارتخانه، حقیقت هر چه مطابق قول هر کس باشد، اعضای واضح و روشن لازم است و یک روزنامه بر طبق قانون نمی تواند به اعضای رمزی فداعت کند. پس خوب بود اعضای خود را صریح می نوشتید که محل اعتراض بر ما و شما نیوده باشد.

اما اینکه مرقوم داشته اند هیات اتحاد اسلام نیز با انگلیس و سایر دولت نظر دشمنی و عداوت خاصی نداشته و مرامشان فقط حفظ استقلال ایران است. اما نیز این مرام را از هر کس و هر جمعیت که باسد نقض کرده، امیدواریم تمام ایرانیان در نظریه فوقی از دولت مسبوحه خود تبعیت و تمکین نمایند. (۱۴۲)

مصادمه اخیر

بر حسب اطلاع خصوصی که به ما رسیده است، اخیراً مصادمات شدیدی بین قوای هیات اتحاد اسلام و انگلیس جریان پیدا کرده و داعیه زدو جورد به شهر میند. اگر چه به واسطه مسدود بودن باب تحصیل اخبار، کاملاً اطلاعانی در دست نیست، لیکن به فراری که اسما می سود بدو تلفات انگلیسیها زیاد بوده و چند دستگاه اتومبیل را منصرف نموده، سپس قوای امداد به منجیل رسیده و در نتیجه تصادم اخیر و حملات طیارات یک قسمت از شهر هم دچار احتراق گردیده است. عتاقاً بقید تر دید خبر فوقی از امتدرج و منتظریم اطلاعات موثق مستقیماً واصل شود. (۱۴۳)

پی نوشتها:

۱۰. فخرانی، توابع، سردار جنگل - میرزا کوچک خان، تهران، سازمان جابر، انتشارات جوانان، چاپ، پنجم، ۱۳۵۴، صص ۵۹، ۱۵۶
 ۱۱. حمید حیدر، ش ۷۷، جاماندی الثانی ۱۳۳۶ ق، ص ۸
 ۱۲. فخرانی، همان، ص ۹۵
 ۱۳. کتک، محمدعلی، تاریخ انقلاب جنگل، رشت، نشر گدخان، ۱۳۷۱، صص ۸۶، ۷۵
 ۱۴. دگر از جهانی از فعالیت کمیته ها و دایره مدکور وجود دارد، او جمله، یک، جریده جنگل شماره ۸، ۱۸، ۲۱، بیع الاول ۱۳۳۶ ق، ص ۶ و شماره ۱۹، ربيع الاول ۱۳۳۶ ق، صص ۶ و ۷
 ۱۵. دگر از جهانی از فعالیت مبلغین و نمایندگان مذکور وجود دارد که در قسمتهای بعدی مقاله به آن اشاره می شود، برای اطلاع بیشتر، رک سؤالات اسلام ملی ایران، سند شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷
 ۱۶. در این باره فخرانی می گوید: امر نقل و مقرر متفکر جنگل را همت اتحاد اسلام تشکیک می داد که اثر او ش به استثنای چند نفر همه از علمای روحانی بودند، بعد اعیان تبدیل به کیه شده و در نتیجه این مسیر نام افراد غیر روحانی نیز یافتند به عضویت رسمی همت اتحاد اسلام در ابتدا اکثریت اعضا را دست آوردند، افراد کمینه ۱۷۷ بودند، که همگی آنها در وقت تشکیل جلسه حضور نمی یافتند، چند نفر از اسماجر و کیه ها وظایف، معینی به آنها محول شده بود و چند نفر دیگر دارای عضویت افتخاری بودند. جلسه اضطراری آن عبارتند بود از:
 حاج شیخ میر و امیر خراسان، شیخ علی سید محمد، حاج شیخ علی عثمان الهندی، سید عبدالوهاب صالح، میرزا محمد اسماعیلی، شیخ محمدالدین امینی، میر تقی میر هدی، شیخ محمود کسملی، دکتر ابوالقاسم فرید، حسین کسملی، اسماعیل عطار، عزت... خان هدایت، وفاز استسقا، مشهوری عقی شاه، حسین خان حیاط پدره و رضا افشار، سید جیب... خان مدنی، شیخ عبدالسلام، ابوالعباس کسملی، میرزا مهدی فردکالی، محمدعلی بیگلاری، میر احمدخان مدنی، سید عبدالکریم کاشی، اسکندر خان امینی، حاجی احمد کسملی، آقاچوک گل افزایی و میرزا کوچک خان، فخرانی، همان، صص ۹۶ و ۹۷
 ۱۷. همچنین برای اطلاعات بیشتر می توان به خاطرات عبدالعباسی، که جانشین شورگ شد، مراجعه نمود، بهرامی، عبدالله، خاطرات، از آخر ساعات تا آخر اولین ماه تا اول کردت، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳، صص ۱۲۶ و ۱۲۷
 ۱۸. بهرامی در خاطرات خود از کسملی که به جنگنها کرده، نام می برد او حمله او می گوید: بیون و زینت کمیته انقلابی روس، در رشت به من اظهار داشت که از ایست وسایلی مالی در مینیه می باشد، من به او پیشنهاد کردم که مقداری تشنگ و تشنگ به جنگنها بروند و در این زمینه ارتباط او با جنگنها را هم ساختم، میرزا کوچک خان هم از این قسمت از من ممنون شده و چند دفعه مکتبه نموده و نشاننده خود را، که شخصی موسوم به رحمت... خان بود را نزد من می فرستاد، بعد هم که زیارت بنشین از اینجهان به عهده من شد، یک کاغذ به عنوان احوالی می برای من فرستاد،
 بهرامی، همان، صص ۹۸ و ۹۹
 ۱۹. جریده جنگل، ش ۱، ۱۲، رمضان ۱۳۳۵ ق، ص ۸
 ۲۰. همان، ش ۲، ۲۶، شعبان ۱۳۳۵ ق، صص ۴ و ۵
 ۲۱. همان، ش ۳، ۱۰، تیر ۱۳۳۵ ق، صص ۸ و ۹
 ۲۲. همان، ش ۴، ۱۷، شهریور ۱۳۳۵ ق، ص ۶
 ۲۳. همان، ش ۵، ۲۴، آبان ۱۳۳۵ ق، ص ۱
 ۲۴. همان، ش ۶، ۳۱، آذر ۱۳۳۵ ق، ص ۵
 ۲۵. همان، ش ۷، ۷، بهمن صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۵
 ۲۶. همان، صص ۸۱ و ۸۲، شوال ۱۳۳۵ ق، ص ۲

۱۸. همان، ش ۸، ۱۴ صفر ۱۳۳۶ ق، صص ۶ تا ۹
 ۱۹. گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش محمدباقر نصیری مقدم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، صص ۳۶۷ و ۳۶۸
 ۲۰. جریده جنگل، ش ۲۰، هشتم ربيع الاول ۱۳۳۶ ق، ص ۷
 ۲۱. در جمله نگاه کنده، جریده جنگل، ش ۲، ۶، رمضان ۱۳۳۵ ق، ص ۸
 ۲۲. برای اطلاع بیشتر همچنین رک، سازمان اسلام ملی ایران، اسناد شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۲۳. سازمان اسلام ملی ایران، سند شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۲۴. در همان زمان اقدام سمبولیکی از سوی هیات اسلام در خصوص تحریم مصرف قند و سه در گذران انجام شد، اسناد شماره ۳۵ و ۳۶ این موضوع را یادآور اقداماتی است که در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ ق، بر علیه تجاوزات روسها به شمال ایران از سوی علماء و مجاهدین مشرک به انجام شده بود.
 ۲۵. در این رابطه همچنین می توان به اسناد ذیل رجوع کرد:
 سازمان اسلام ملی ایران، اسناد شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۲۶. همچنین نگاه کنید به، سازمان اسلام ملی ایران، اسناد شماره ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۲۷. همچنین نگاه کنید به سازمان اسلام ملی ایران ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۲۸. جریده جنگل، ش ۸، ۱۶، قنده ۱۳۳۵ ق، ص ۱
 ۲۹. همان، ش ۱۹، آشتیاب ۱۳۳۵ ق، صص ۳ و ۴
 ۳۰. همان، ش ۸، ۱۶، قنده ۱۳۳۵ ق، صص ۱ و ۲
 ۳۱. همان، ش ۱۷، هشتم صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۷
 ۳۲. جریده جنگل، ش ۱۳، دهم ربيع الثانی ۱۳۳۶ ق، صص ۵، ۳، ۳۳، ماهربنی، جیم، تعلیمات در ایران، ترجمه کاوه بیانی، تهران، موسسه خدمات فرهنگی، سال ۱۳۴۹، صص ۳۲۸، ۳۲۹
 ۳۳. برای شناخت بیشتر وضعیت قفقاز در آن زمان نگاه کنید به: آقابابیان، سرور، ازمستان آذربایجان، گرجستان، و استقلال دانستر از روس شوروی، ترجمه عبدالرضا صاحب شنگ مهدوی، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۰
 ۳۴. که از تاریخ پیشتر به سوی شروع ایران در سیاست شرقی العالی در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صمدی، تهران، انتشارات سیما، کتاب، تابان ۱۳۷۷، صص ۴۶۶ و ۴۶۷
 ۳۵. جریده جنگل، ش ۲۷، جاماندی الثانی ۱۳۳۶ ق، ص ۷
 ۳۶. ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، به کوشش کاوه بیانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۶۸
 ۳۷. گلنگ، همان، ص ۶۸ و نیز آبیانی، شاهپور (دکتر)، نهضت جنگل، معنی الوعایا حسن خان آبیانی، اثر جلال انتشارات بیانی، ابی تا ص ۳۸
 ۳۸. جریده جنگل، ش ۳۶، ۱۹، جاماندی الاول ۱۳۳۶ ق، ص ۸
 ۳۹. روزنامه ایران، ش ۲۱، ۳۰، جاماندی الثانی ۱۳۳۶ ق، ص ۱
 ۴۰. ماهربنی، همان، صص ۳۶۷ و ۳۶۸
 ۴۱. همان، صص ۴۰۳، ۴۰۷
 ۴۲. گلنگ، همان، صص ۱۱۰، ۱۱۶
 ۴۳. همان، صص ۱۱۶، ۱۲۰
 ۴۴. همان، صص ۱۱۶، ۱۲۰
 ۴۵. کوشش پرویز صمدی، تهران، نشر فرد، ۱۳۷۰، صص ۱۵۶ و ۱۵۷
 ۴۶. گلنگ، همان، صص ۱۱۷، ۱۱۸
 ۴۷. سازمان اسلام ملی ایران، سند شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۴۸. ادامه مطلب در مجموعه اسناد حاضر، موجود نیست.
 ۴۹. همان، سند شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵
 ۵۰. روزنامه ایران، ش ۸، ۸، شعبان ۱۳۳۵ ق، ص ۱
 ۵۱. همان، ش ۸، ۹، ۲۶، رمضان ۱۳۳۵ ق، ص ۳
 ۵۲. جریده صدای ایران، ش ۷، ۳۴، شوال ۱۳۳۵ ق، ص ۲



۵۴ جریده ساره ایران، ش ۴۰، ص ۳، ۱۸ دی قنده ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۵۴ جریده ساره ایران، ش ۱۱، ۱۷ دی قنده ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۵۵ روزنامه ایران، ش ۵۳، ۱۵ دی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۵۶ جریده ساره ایران، ش ۳۹، ۲۸ دی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۵۷ روزنامه رعده، ش ۱۰، ۸ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۵۸ همگان، ش ۲۷، ۹ آریب اول ۱۳۳۶ ق، صص ۲ و ۳

۵۹ همگان، ص ۳

۶۰ همگان، ش ۲۹، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۱ همگان، ش ۴۵، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۲ همگان، ش ۳۷، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۳ همگان، ش ۳۳، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۴ همگان، ش ۳۶، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۵ همگان

۶۶ همگان، ش ۳۷، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۷ جریده نوبهار، ش ۸۴، ۲۹ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۸ روزنامه رعده، ش ۱۱، ۹ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۶۹ همگان، ش ۳۳، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۷۰ همگان، ش ۲۷، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، صص ۲ و ۳

۷۱ همگان، ش ۸۲، ۲۰ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۷۲ روزنامه ایران، ش ۲۰۲، ۲۰ رجب ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۷۳ در اصل نقطه چین است.

۷۴ سازمان اسکا ملی ایران، سند شماره ۱۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۷۵ همگان، سند شماره ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱

۷۶ همگان، سند شماره ۱۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۷۷ در اصل نقطه چین است.

۷۸ همگان، سند شماره ۱۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۷۹ همگان، سند شماره ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵

۸۰ همگان، سند شماره ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۸۱ همگان، سند شماره ۱۶، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۸۲ همگان، سند شماره ۱۷، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۸۳ همگان، سند شماره ۱۱، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰

۸۴ جریده ساره ایران، ش ۵۵، ۲۰ دی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۸۵ همگان، ش ۶۲، ۳ محرم ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۸۶ روزنامه رعده، ش ۷، ۸ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۸۷ همگان، ش ۱۲، ۱۶ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۸۸ همگان، ش ۱۳، ۱۶ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۸۹ همگان، ش ۱۴، ۱۶ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۰ همگان، ش ۱۵، ۱۶ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۱ همگان، ش ۱۶، ۱۶ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۲ روزنامه ایران، ش ۸۹۲، ۲۰ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۳ همگان، ش ۸۸، ۲۰ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۴ روزنامه ایران، ش ۸۹۲، ۲۰ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۵ همگان، ش ۲۲، ۲۲ شعبان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۶ جریده ساره ایران، ش ۸۳، ۸ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۹۷ روزنامه ایران، ش ۱۲۵، ۲۸ دی قنده ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۹۸ جریده ساره ایران، ش ۶۶، ۳ دی حجه ۱۳۳۵ ق، صص ۲ و ۳

۹۹ همگان، ش ۶۲، ۳ دی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۱۰۰ همگان، ش ۶۳، ۳ دی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۱۰۱ روزنامه رعده، ش ۱۲، ۹ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۰۲ جریده ساره ایران، ش ۵۶، ۳ دی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۱۰۳ همگان، ش ۶۲، ۳ محرم ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۰۴ روزنامه ایران، ش ۱۹، ۲۹ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۰۵ جریده ساره ایران، ش ۷۰، ۳ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۰۶ روزنامه رعده، ش ۸۸، ۱۷ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۰۷ روزنامه ایران، ش ۸۷، ۸ شعبان ۱۳۳۵ ق، ص ۳

۱۰۸ روزنامه رعده، ش ۱۲، ۸ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۰۹ جریده نوبهار، ش ۸۴، ۲۹ آریب اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۰ روزنامه رعده، ش ۱۲، ۹ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۱ همگان، ش ۱۳، ۸ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۲ همگان، ش ۱۴، ۸ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۳ همگان، ش ۱۵، ۸ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۴ همگان، ش ۱۵، ۸ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۵ همگان

۱۱۶ همگان، ش ۱۸، ۹ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۷ روزنامه ایران، ش ۹۱، ۱۳ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۸ روزنامه رعده، ش ۸۷، ۲۶ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۱۹ همگان، ش ۸۹، ۲۸ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۰ همگان، ش ۹۰، ۲۹ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۱ همگان، ش ۹۱، ۹ غره جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۲ روزنامه ایران، ش ۸۸۶، ۲ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۳ همگان، ش ۹۱، ۹ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۴ روزنامه رعده، ش ۸۵، ۲۳ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۵ روزنامه ایران، ش ۹۱، ۱۳ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۶ همگان

۱۲۷ همگان، ش ۸۹۲، ۲۰ جمادی اول ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۸ همگان، ش ۲۰۲، ۲۰ رجب ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۲۹ همگان، ش ۱۸، ۲۰ رجب ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۰ همگان

۱۳۱ همگان، ش ۱۲۸، ۲۳ رجب ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۲ همگان، ش ۱۳۰، ۱۰ شعبان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۳ همگان، ش ۱۳۱، ۱۱ شعبان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۴ همگان، ش ۱۳۳، ۱۳ شعبان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۵ همگان، ش ۱۳۵، ۱۷ شعبان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۶ همگان، ش ۱۳۹، ۳ رمضان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۷ همگان، ش ۱۴۵، ۶ شوال ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۸ همگان، ش ۱۳۹، ۲۲ شعبان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۳۹ همگان، ش ۱۵۱، ۶ رمضان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

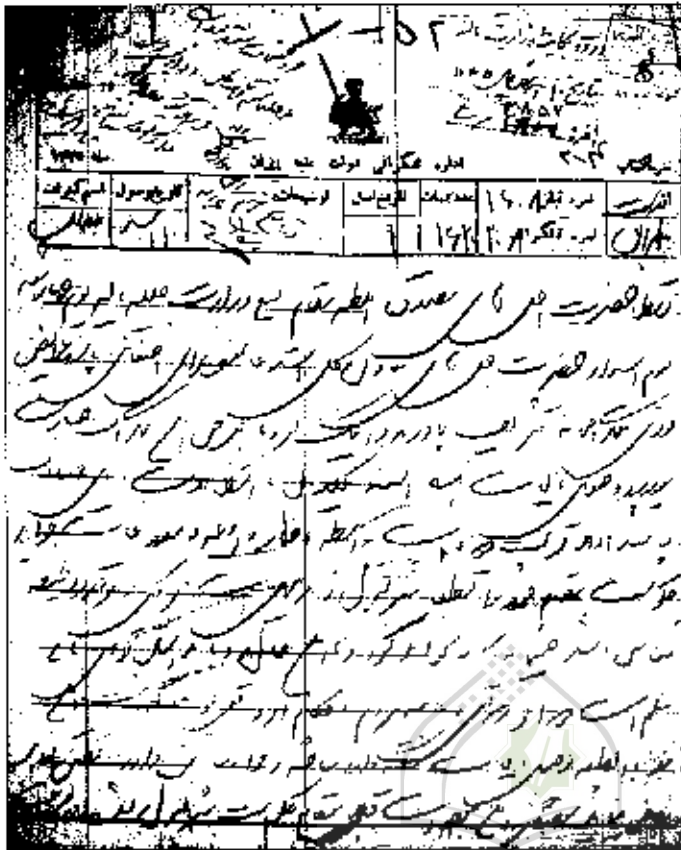
۱۴۰ همگان، ش ۱۵۲، ۱۶ رمضان ۱۳۳۶ ق، صص ۲ و ۳

۱۴۱ همگان، ش ۱۵۸، ۱۶ رمضان ۱۳۳۶ ق، ص ۳

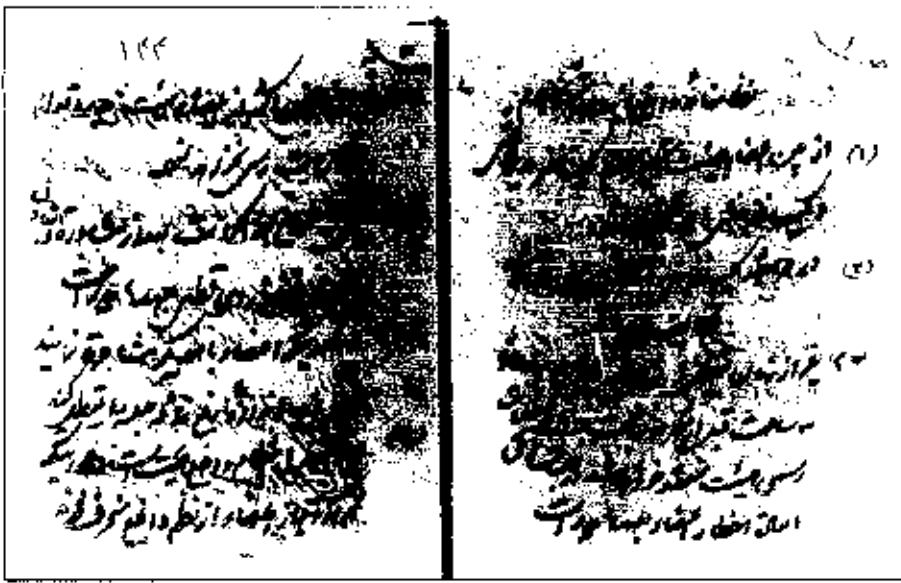
۱۴۲ همگان، ش ۱۶۲، نهمه شوال ۱۳۳۶ ق، ص ۳

۱۴۳ همگان، ش ۱۷۵، ۲۰ شوال ۱۳۳۶ ق، ص ۳






مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی







وزارت عالی  وزارت عالی	سر دفتر سر دفتر سر دفتر سر دفتر	سر دفتر سر دفتر سر دفتر سر دفتر
---	--	--

تاریخ: ۱۳۰۲ هجری قمری

NATIONAL ARCHIVES
 وزارت عالی

در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری


امضا: 
 تاریخ: ۱۳۰۲ هجری قمری

وزارت عالی  وزارت عالی	سر دفتر سر دفتر سر دفتر سر دفتر	سر دفتر سر دفتر سر دفتر سر دفتر
---	--	--

تاریخ: ۱۳۰۲ هجری قمری

NATIONAL ARCHIVES
 وزارت عالی

در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری
 در شهر تهران در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۰۲ هجری قمری

امضا: 
 تاریخ: ۱۳۰۲ هجری قمری